

اللہ
رؤفوف رحیم



شعر لر و ماهنی لار مجموعه‌سی
رجب ابراهیمی کورابازلی (فرهاد)

(فرهاد اردبیلی)

سahمانلایانی: یعقوب بهادر

انتشارات پینار

سرشناسه	: ابراهیمی کورابازلی، رجب، ۱۳۱۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: آبریلیق/فرهاد ابراهیمی ؛ به اهتمام یعقوب بهادر.
مشخصات نشر	: کرج : پینار، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۶ص.
شابک	: 978-964-2668-98-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: به همراه متن آوانویسی شده .
یادداشت	: عنوان دیگر: مجموعه آثار رجب ابراهیمی کورابازلی (فرهاد)
عنوان دیگر	: مجموعه آثار رجب ابراهیمی کورابازلی (فرهاد)
موضوع	: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: بهادر، یعقوب
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ۹۱۲۳۶۴الف/۳۱۴PL
رده بندی دیویی	: ۸۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۵۷۴۷۱

انتشارات پینار

آبریلیق

رجب ابراهیمی کورابازلی (فرهاد)

شعرلو و ماهنی لار مجموعه سی

0 ساهمانالایان: یعقوب بهادر

0 چاپاحاضیرلایان: سعید موغانلی

0 ناشر: پینار یابین ائوی

0 ائدیت: یاشماق

0 حروفچینی و صفحه آرای: چاپ و نشر صاباح

0 جلد: مهیار علی زاده.آیخان

0 لوگوی آبریلیق (متن): صابر صفائی

0 عکس: پرویز نوری زاد

0 بیرینجی چاپ، قیش 1388 / تیراژ: 2000

0 قیمت: 4000 تومن

انتشارات پینار: کرج : 09123416183-09195538917-02612265612

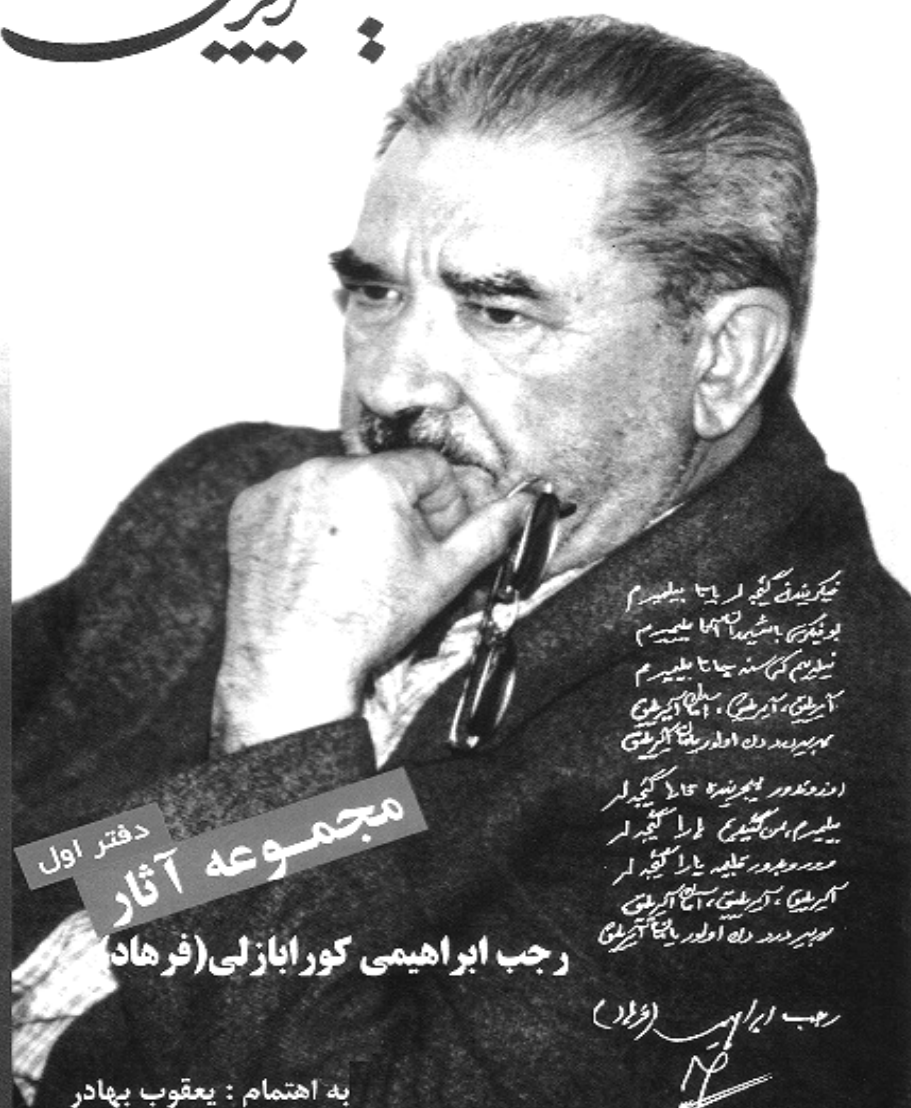
چهارراه طالقانی - جنب زیر گذر - به سمت شهدا - ساختمان البرز - همکف

Email: pinar_1384@yahoo.com

www.tarlar-oshan.blogfa.com

www.yashmaq.com

سرریز



دفتر اول

مجموعه آثار

رجب ابراهیمی کورابازلی (فرهاد)

به اهتمام : یعقوب بهادر

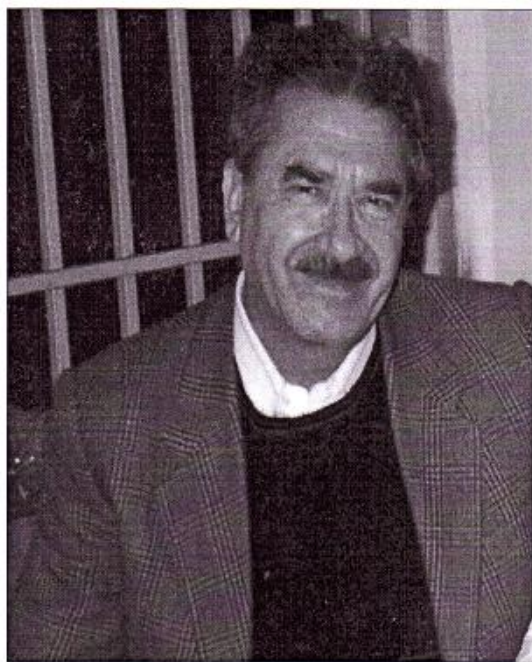
نیکویندگی که در دنیا به نام
یوسف با شهادت ابراهیم
نیلیم که سینه چاتا به نام
آریلی، آریلی، آریلی، آریلی
به نام درون اولور سینه آریلی
از وندور یوسف سینه آریلی
یوسف، من یوسف، آریلی
سور و سور سینه آریلی
آریلی، آریلی، آریلی
به نام درون اولور سینه آریلی

رجب ابراهیمی (فرهاد)

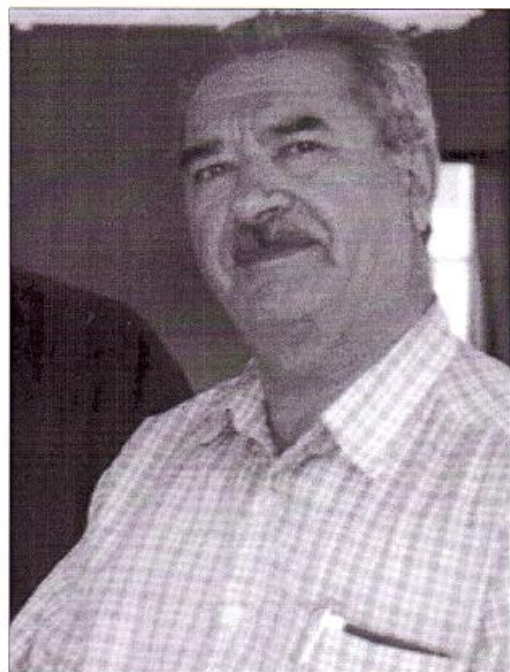
۱۴



استاد فرهاد اردبیلی ایگیری می ینددی یاشیندا / تهران ۱۳۴۱



استاد فرهاد اردبیلی اللی آلتی یاشیندا / تبریز ۱۳۷۰



استاد فرهاد اردبیلی یثتمیش یاشیندا / اردبیل ۱۳۸۴

تقدیر و سپاسگزاری؛

با نظر به اینکه ؛ هزینه چاپ و نشر این مجموعه «آیریلیق» داوطلبانه از طرف مدیریت محترم شرکت آ.اس گروپ تأمین گردیده است، لذا بدینوسیله سپاسگذاری خود را از این خدمت فرهنگی آن مدیریت محترم خصوصاًجناب آقای حاج «علی صادقی پور» اعلام داشته و در عرصه های مادی - معنوی ،توفیقات روز افزون برایشان از خداوند متعال مسألت دارم .

فرهاد ابراهیمی (کورابازلی)

پیشگفتار

من هرگز خود را نه «شاعر» و نه «نویسنده» دانسته‌ام به همین علت هر چه نوشته و یا سرورده‌ام را با قلمی نارسا و کنار هم چیدن واژه‌هائی (گاه) ناهمگون فقط وسیله ثبت لحظه‌های زندگی‌ام بحساب آورده و عملی نموده‌ام.

زیرا زندگی پر ماجرای اجتماعی و معیشتی من درشرایطی سپری شده که ناچار بوده‌ام همه اوقات ممکن خود را در میدان عمل، نه حرف و قلم آنهم بطور فعال گذرانده باشم بطوریکه لحظه‌ای آرامش و ایستائی من نقطه‌ای مرگ مرا میتوانست ترسیم نماید. به همین جهت هرگز فرصت این را نداشته‌ام که به فکر جمع آوری و نشر آنها باشم و این مشکل دو علت داشته، یکی اینکه چنانکه در بالا گفته شد، نبود فرصت کافی برای تنظیم سیستماتیک نوشته‌ها و دیگر اینکه اصولاً معتقدم هر نوشته‌ای که در جهت خدمت به جامعه صورت می‌گیرد بایستی در جهت روشن نمودن مردم بوده و توسط ارگانها و نهادهای اجتماعی تنظیم و چاپ شده و در معرض نقد صاحب نظران و اهل فن قرار گیرد، تا چگونگی آن مقبول و یا رد توده‌ها واقع شود.

و نیز از آنجائی که نوشته‌ها و سروده‌های من بیشتر به زبان مادری‌ام (آذربایجانی) بوده و در زمان پر اختناق سلطنت پهلوی‌ها صورت گرفته است از این رو دسترسی به اشخاص صاحب‌نظر در ادبیات و زبان آذربایجانی، در آن موقع، برای من به آسانی میسر نبوده و با توجه به شرایط آن روز امکان نشر و توزیع مقدور نبوده است.

زیرا هم زبان نوشتاری من جزء زبانهای ممنوعه بوده و هم من از وجود چنان ارتباطی محروم بوده‌ام.

لذا سروده‌های من (آن هم به صورت ترانه) بیشتر جنبه اجرایی در رادیو داشته و از هرگونه نقد و ویرایش و در نتیجه، تنظیم و نشر به دور بوده است پس چنین آثاری حداقل از نظر من (بدون رعایت موارد فوق) نمیتوانست قابل عرضه به بازار نشر باشد (خصوصاً برای ثبت جزء یادمانهای ادبی و هنری سرزمینم)

تا اینکه در یک جریان ساده آشنائی که بطور گذری اتفاق افتاد، با انسانی جوان و پراحساس و تلاش برخورد نموده و با همت و کار شبانه - روزی ایشان و تنی چند از

دوستان و همفکرانش که بسیار جای تقدیر و سپاس دارد، این مجموعه تا بدینجا رسیده و در دستان شما خواننده عزیز قرار می‌گیرد.

آری من از سر بی‌حوصلگی و گرفتاریهای کاری، مقداری اوراق نامنظم و حتی برخی نوشته‌ها و سروده‌هایی ناتمام را در اختیار ایشان قرار دادم و آنان این مجموعه را بدینصورت آماده نموده و بدون هیچگونه چشم‌داشتی (مادی و معنوی) تحت عنوان یگانه ترانه جهانی آذربایجان بنام «آیریلیق» که یکی از پرشمار ترانه‌های سروده شده توسط من میباشد به من هدیه دادند تا تقدیم فرهنگ دوستان و فرهیختگان سرزمین کثیرالاقوام من ایران گردد.

آری جناب آقای مهندس **یعقوب بهادر** مدیر موسسه‌ی «چاپ و نشر صاباح» گردآوری و تنظیم این مجموعه را با کمک گروهی از دوستان و همکاران خود، خصوصاً آقایان: **بیژن اسدی مقدم، جمال بهادر، رضا قلی‌پور** و دیگر عزیزان که هر یک به نوبه خود در این راه زحمات پرارزشی را متحمل شده‌اند تنظیم و آماده نموده‌اند که من و قلم من از توصیف زحمات آنان عاجز و زبانم جهت تشکر از آن عزیزان قاصر میباشد و من همچنان به خود قول داده‌ام تا آنجا که توان دارم، در خدمت فرهنگ و هنر جامعه خود (خصوصاً فرهنگ و هنر آذربایجان عزیز) تا به آخر بوده و به مصداق آخرین جملات ترانه «انتظار 2) سروده‌ی خودم که در این مجموعه جای گرفته که میگوید: «**قبریم اوستونده اک او لاله‌لری / تا که سئودالی کؤنولرده اومید شعله چکه**» امیدوارانه به سرودن و نوشتن احساسات خود کماکان ادامه دهم. در پایان نیز از آقای **روزبه صمدی** به خاطر زحماتی که در جریان ویراستاری این مجموعه قبول زحمت فرموده‌اند، خصوصاً شاعر و نویسنده جوان و پر احساس شهر و سرزمین جناب آقای **رامین جهانگیرزاده** که در تنظیم و تکمیل این مجموعه ایشان نیز با کار شبانه‌روزی خود مرا شرمند نموده‌اند سپاس فراوان دارم.

عبدالله ابراهیم (قادر)

مقدمه

اگر «ماهنی» را از نخستین عناصر فرهنگ شفاهی بدانیم، بی‌شک مردمی‌ترین آن نیز به حساب می‌آید. «ماهنی» اساساً از پیکره‌ی ناب فرهنگ عامه سرچشمه گرفته و سرانجام با گذر از شریانهای حیات اجتماعی به سیل خروشان هستی فرهنگ می‌پیوندد. این جوش و خروش بدیعی‌ترین جلوه‌های حیات مادی و معنوی زندگی بخشی از اجتماع انسانی را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که "ماهنی" نه متعلق به سراینده آن بلکه بعد از سرایش، متعلق به عموم خلق و فرهنگ عامه می‌گردد. و از اینروست که ماهنی سرایان کمتر شناخته می‌شوند، لیکن شعر آنان بر زبان خلق جاری و در مخزن ادبیات جامعه وارد و ماندگار می‌شود.

هر چند که تاکنون به علت پایین دانستن جایگاه «ماهنی» در بیان شعری و کم اهمیت شمردن آن از طرف ادبا و شاعران، تعریف خاصی از «ماهنی» ارائه نشده است؛ اما (فارغ از این کم توجهی و گاه بی‌توجهی) در حقیقت امر، «ماهنی» در ذات خود معنی است.

«ماهنی» یعنی آمال و آروز، دلبستگی و علاقمندی و در معنای عام آن شیفتگی به هستی یک سرزمین و به حیات جاری در آن.

«ماهنی» با انسان زاده می‌شود و با او زندگی می‌کند و چون حیات انسانی تداوم دارد، او نیز در حیات است. به جرات می‌توان گفت که فرود و میرایی را نمی‌توان بر «ماهنی» متصور شد. چرا که «ماهنی» همیشه فراز است، فراز تمام معنای هستی یک ایل، فراز دلبستگی و دل شیفتگی‌های یک قوم، فراز آرزوها و آمال یک ملت.

«ماهنی» با زمزمه شروع می‌شود و به اوج می‌رسد و تاریخ «ماهنی»، تاریخ زمزمه و اوج است. چه ناله‌هاست که با ماهنی زمزمه می‌شوند و چه شور و اشتیاقی است که با «ماهنی» آواز می‌شوند.

«ماهنی آذربایجانی» نیز در مقام بخش اصلی و عمده از ادبیات شفاهی، بستر گسترده و عمیق فرهنگ آذربایجانی را با خود یدک می‌کشد. «ماهنی‌های آذربایجان»، نغمه‌های دلکش و زیبایی هستند که از زندگی و عواطف، علاقمندی انسان‌ها به همدیگر، رازها و نیازها، آمال و آرزوهای دور و داز مردمی مایه می‌گیرند که در بستر تاریخ فرهنگ و ادبیات، صاحب یکی از پرشاخ و برگ‌ترین و غنی‌ترین ادبیات شفاهی و فولکلوریک شده‌اند. که از آنچنان لطافت، سادگی، صراحت و شیوایی برخوردار است که در طول هزاران هزار سال سینه به سینه، زمزمه به زمزمه، آواز به آواز در جان و روح مردم حیات داشته و دارد. چرا که «ماهنی آذربایجانی»، ترانه، نیست! بلکه حیات ملت آذربایجان است.

از اینرو ادبیات شفاهی ترکی آذربایجان را شاید بتوان یکی از مردمی‌ترین ادبیات شفاهی بشری بحساب آورد، از آن جهت که عمده‌ترین میراث معنوی این ملت در سینه‌های مردمان متعلق به آن جاری است و عاشیق‌ها نمایندگان والای این ادبیات ملی، منادیان اصیل و واقعی صلح و دوستی و شفقت هستند.

از آنجایی که عاشیق‌ها در آذربایجان روایت گران تاریخ، آداب و سنن، رشادتها، قهرمانی‌ها و در یک کلام تار و پود زندگی مادی و معنوی این مرز و بوم می‌باشند که با بهره‌مندی از ساز «قوپوز» و آواز «ماهنی» به یادآوری تاریخ، فرهنگ و ترسیم افق‌های دور و دراز آذربایجانیها می‌پردازند. و به همین جهت است که

جایگاه "ماهنی" در فرهنگ آذربایجان به هیچ وجه قابل مقایسه با دیگر اقوام و ملل نیست. و به این دلیل است که حاکمیت‌های معاصر در ایران سیم‌های ساز عاشیق‌ها را پاره کردند و مانع آواز خوانی و روایتگری آنان شدند. چرا که عاشیق‌ها با زمزمه و آواز «ماهنی» تاریخ را زنده نگه داشته و خود تاریخ می‌شدند.

به سخنی دیگر «ماهنی» بازخوانی تاریخ آذربایجان است. آنجا که عاشیق‌ها با خواندن داستانهای «دده قورقود»، «اصلی کرم»، «قاچاق نبی»، «کوراوغلو» و... یادآور قهرمانیها و رشادتها، شادکامی و تلخکامی‌ها، عشق ورزی انسان‌ها، وطن دوستی و بسیاری دیگر از مضامینی که از کنه فرهنگ و حیات اجتماعی سرچشمه گرفته، می‌شدند. تا جایی که این ادبیات در هر دوره جلوه‌های ویژه و منحصر به خود را به همراه تحولات گسترده اجتماعی نشان می‌دهد و این خوانش تا به امروز به طریق ممکن توانسته خود را حیات ببخشد.

اما نکته ظریفی که در این امر نهفته این است که دیگر فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی ملت‌ها در سبلی از تهاجمات گسترده فرهنگ و ادبیات دیگر ملل بواسطه تسلطشان بر ابزار و تکنیک، توان تولید، ثبت و ضبط خود را کم کرده است. و به همین دلیل حفظ و نگهداری از میراث ادبی در چنین جهانی ضرورتی بمراتب حیاتی‌می‌نماید.

"آیریلیق" مجموعه ماهنی‌ها و اشعار شاعری است که به وسعت شعرها و آرمانش به حوزه ادبیات وارد نشده است. دوری شاعر از جریان شعر و ادبیات و نه از پیکره شعر، باعث کم رنگ شدن عمده سروده‌های شاعر و متعاقب آن ناشناس ماندن وی در میان مردم گردیده است. طوریکه این مجموعه به عنوان اولین اثر بعد از 53 سال عمر ادبی فرهاد ابراهیمی انتشار می‌یابد.

با این حال شعر «فرهاد» به دلیل برخورداری از درونمایه‌هایی انسانی و توجه به طبیعت و زیبایی‌های آن، ورد زبان خلق و تنیده در روح و جان ملتی است که به واسطه تاریخ پرفراز و نشیبش لحظه لحظه آن را لمس کرده و زمزمه می‌کند.

حیات رجب ابراهیمی کورابازلی «فرهاد» از کودکی تا امروز چکیده حیات ملتی است که در بحرانی‌ترین سالهای خود به سر می‌برد. ابراهیمی در سال 1314 در روستای «کورابازلی» در 50 کیلومتری اردبیل، در یک خانواده متوسط روستائی

دیده به جهان گشود. جهانی که خشونت، تحقیر و تاراج هستی ملت آذربایجان، یگانه سیاست دول قدرتمند استعماری با بهره گیری از اعمال داخلی بود. در این تاریخ شنل آبی شاهنشاهی! را بر تن رضا میرپنج می اندازند و شاهش! خطاب می کنند. و ابراهیمی از هیمن زمان (کودکی) تحقیر، فقر و جدایی را تجربه می کند. حنجره تاراج رفته تاریخ چنان فریادی بر تارک وجود «فرهاد» می نوازد که این فریاد در او مشق می شود. و شعر جاودانه «آیریلیق» در دفتر ادبی شاعری نقش می بندد که در بحرانی ترین روزگاران تاریخ آذربایجان، خود را زمزمه می کند. شاعری که با جرات تمام پاسخ نعره های زننده و مشمزه کننده را با «ماهنی» هایش به وسعت جهان، آواز سر می دهد. شاعری که نه تنها مثل هم نسلان خویش چون دکتر غلامحسین ساعدی، رضا براهنی، صمد بهرنگی و... تنها تصویر را در تراوشات ادبی و هنری خویش از خود به نمایش گذارد، بلکه وی علاوه بر تصویر حیات آذربایجانی، زبان ترکی را نیز در نهایت بداعت و زیبایی به خدمت می گیرد.

این نوشته بر آن است تا با بازخوانی هر چند کوتاه ماهنی ها و سروده های «فرهاد» به واکاوی شعر شاعر و جریان حاکم بر آن دست یابد.

بطور کلی حیات ادبی - هنری «فرهاد اردبیلی» را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

دوره اول : دوره ی شکوفایی (1335-1347)

دوره دوم : دوره ی مبارزه و انقلاب (1347-1367)

دوره شکوفایی: این دوره از حیات ادبی فرهاد اردبیلی را به واقع می توان دوره شکوفایی دانست. دوره ای که «فرهاد» با قدم گذاشتن به یکی از کم اهمیت ترین سبک بیان شعری یعنی «ماهنی» ماندگارترین «ماهنی» های تاریخ آذربایجان را می سراید. طوری که تنها در طول یک دهه بیش از صد «ماهنی» می سراید آن هم در دوره ای که زبان و ادبیات آذربایجان محکوم به نیستی گردیده بود. جالب توجه اینکه ماهنی جاودانه «آیریلیق» محصول چنین دورانی است.

«آیریلیق» یک روایت نیست، بلکه روایت روایت هاست. هر بند از «آیریلیق» روایت یک تاریخ است و شعر «آیریلیق» منظومه تاریخ دویست ساله این سرزمین است.

«آیریلیق» واگویی شاعری است جدا مانده از خویشتن خویش، جدا مانده از هستی فرهنگی و هویتی خویش، جدا مانده از حیات مادی و معنوی خویش. «فرهاد» در ده سالگی از روستایش، از طبیعت روح نواز «کورابازلی» به همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت می‌کند. فقر و فلاکت آن روز روستاها و شهرهای آذربایجان (1314-1324) به دلیل اجرای سیاستهای شوونیستی رژیم‌های وقت، سرگردانی، جدایی و حسرت، تار و پود زندگی آذربایجانی‌ها را شکل داده بود. و «فرهاد» درچنین دورانی از تمامی تعلقات و دلبستگی‌های خود جدا می‌افتد. و جدایی و حسرت اساسی‌ترین عنصر زندگی وی می‌گردد.

او در شاهکارش «آیریلیق» به تمامه هستی خود را با قامت بلند «ماه‌نی آذربایجانی» به طرزی رئالیستی با درونمایه‌ای ژرف و پراحساس به تصویر می‌کشد. «آیریلیق» اگر چه روایت جدا ماندن شاعر از معشوق خود است. اما در بطن این روایت جدایی شاعر از هستی و هویت خویش که زبان ترکی اصلی‌ترین نماینده آن است و ممنوعیت آن در دوره جوانی شاعر (دوره پهلوی)، و دوری و جدایی از سرزمین و هستی‌اش، درون مایه آن را شکل می‌دهد.

هر بند از «آیریلیق» بخش بزرگی از حیات ملتی را بازگو می‌کند که «فرهاد» با درک عینی واقعیت‌های تاریخی - اجتماعی آذربایجان و آنچه که در چند سده اخیر برآن آمده، به بازخوانی آن دست زده است. طوری که جدایی عاشق از معشوق خود در ماه‌نی نه بندی «آیریلیق» به صورت‌ها و شکل‌های گونه‌گون خود را نمایان می‌کند.

فیکریندن گجه لر یاتا بیلیمیرم

بو فیکری باشیمدان آتا بیلیمیرم

نئیه بیم کی سنه چاتا بیلیمیرم

آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق

هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

این بند با مفهوم جدا ماندن شاعر از معشوق خود، حکایت شیفتگی انسان‌هایی است که با صداقت تمام در جستجوی گمشده خویش می‌گردند؛ که فراق و جدایی به

مانند حصاری عاشق را به زنجیری می‌کشد و شاعر در نهایت زیبایی به ترسیم آن می‌پردازد.

در بند دیگر ابراهیمی به دردمندترین موقعیتی می‌پردازد که در طول قرن‌ها حیات تاریخی اجتماعی ملت آذربایجان رخ نداده بود و آن محرومیت، تحقیر، سرگردانی، پاره پاره شدن سرزمین و جدایی می‌باشد.

نتیجه کی ائلیمدن، آیری دوشندن

سورار بیریرینی، گؤروب بیلندن

حسرتله سیزلایار دائم بو غمدن

آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق

هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

ایل لردی اوزاغام آرغام - ائلیمدن

بولبولم، دوشموشم، آیری، گولومدن

جور ایله آیریب شیرین دیلمیدن

آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق

هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

«ماهنی»‌های ابراهیمی بازگشت کودکی شاعری است جوان وعاشق! او عشق را تنها در رجعت به طبیعت بکر و دل انگیز روستایش «کورابازلی» جستجو می‌کند و البته آن را حقیقی و ریشه‌ای می‌داند.

دامنه‌های سرسبز، دشت‌های وسیع و پرمحصول و طبیعت زیبا و لاله‌های خونین رنگ ادبیات وی را شکل داده است. طوری که در آثار اولیه «فرهاد اردبیلی» احساس، عاطفه، طبیعت‌گرایی به شدت ساری و جاری است. بهار همیشه حضور دارد.

طبیعت، لاله، چمن، غنچه، گل، یاسمن، بنفشه، عمده مفاهیمی هستند که جابجا در ماهنی‌های «فرهاد» به کار می‌روند. تا جایی که همه چیز به زیبایی دیده می‌شود. شب، هجران، فراق، جدایی و انتظار نیز در بیان شعری فرهاد حضور دارند، اما نگاه شاعر به آنها نگاهی گفتگویی است. چنانچه در ماهنی‌ها، غزلیات و حتی شعرهای آزاد «فرهاد اردبیلی» امید، شعله‌ور است و انتظار به حقیقت می‌پیوندد. از

همیت رو می‌توان «فرهاد» را شاعر امیدها و آروزها دانست تا آنجا که وی با وجود درک واقعیت‌های بغرنج اجتماعی - سیاسی زمان خود، همیشه با امید زندگی کرده است. امیدهایی که هر چند جلوه‌های طبیعی دارند، گاه با آرمان درآمیخته و گاه به خیال می‌رود؛ و کشاکش ذهن و عین پدیدارترین عنصر حیات ادبی و فکری ابراهیمی به شمار می‌رود.

با این وجود زندگی دوران کودکی در طبیعت خیال انگیز طبع شاعر را به لطافت و زیباییهای لاله‌های ساوالان خوش رنگ کرده است و فرهاد اردیلی تصاویری که در ذهن خود ضبط کرده، هر یک را به عناوینی بازگو می‌کند.

یازدا بزه‌نیرسن تازه گلین تک

اؤرتورسن اؤزونه لاله‌دن اورپک

گولور هر یانیندا غنچه گول چیچک

یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن

دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

سحر چاغی کروان گئدیر یولوندا

سورولر مله‌شیر ساغ و سولوندا

توراخیلار چهچه وورور یالوندا

یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن

دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

ماهنی «اوزون چمن» یادآور مراتع وسیعی است به همین نام در روستایش «کورابازلی» که شعر بازتاب کننده حال و هوای آن است. انگار که «فرهاد» ایستاده بر تپه‌ای مشرف بر بیلاق «اوزون چمن» در احساسی پرشور و درآرامشی وصف ناپذیر به ثبت و ضبط آن پرداخته است. خاطرات کودکی که به تعبیر استاد شهریار «سینما پرده‌سی تک» در ذهن و روح ابراهیمی تجسم دنیایی به مراتب دلپذیر نموده است.

اواسط دهه سی و اوایل دهه چهل پر رمز و راز ترین ماهنی‌های ملت آذربایجان به طرزی شیوا، ساده و بدیع توسط «فرهاد» سروده شده و در اثر آشنایی با «علی سلیمی» موسیقیدان بزرگ آذربایجان، «ماهنی»‌های وی با ساز و هنرمندی استاد

سلیمی و آواز خانم فاطمه قنادی (وارتوش)، یداله زئیوه، ترانه ناصری، یعقوب ظروفچی و دیگر خوانندگان آذربایجانی به شکلی جاودانه اجرا گردیده است. شاید به جرات بتوان گفت که جالب‌ترین دوره‌ی حیات ادبی «فرهاد» همین دوران است که «ماهنی» هایش به امتحان سخت و طاقت فرسای روح و احساسات ملت آذربایجان گذاشته شد و البته که ماهنی‌های سراسر عاطفه با موسیقی دلنواز بر دل‌های فردفرد آذربایجانی که در دوره‌ای از تحقیر می‌زیسته، اثر گذاشته است. تا جایی که ماهنی «آیریلیق» تنها ماهنی جهانی است که در بسیاری از کشورها به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی، ژاپنی و... ترجمه و اجرا شده است. خصوصاً این «ماهنی» در کشورهای ترک‌زبان (ترکیه، آذربایجان، اوzbekستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قفقاز و...) با اجرای امیل سایان، آرژاکپان، مسلم گورس، سامی یوسف، زینب و دیگر خوانندگان به شکلی جاودانه، ماندگار شده است. دوره مبارزه و انقلاب: در دوره دوم حیات ادبی و تراواشات ذهنی «فرهاد اردیلی»، با شاعری پرشور، مبارزه و انقلابی مواجه می‌شویم. طوری که سرودهایی چون «جهاد وقتی دیر»، «عسگرین وداع‌سی»، «شاهین‌لریم»، «ایش وقتی دیر» و یا اشعاری چون «29 بهمن»، «دایان سرباز ال ساخلا»، «گله لعنت جنگه» و... محصول دوره دوم حیات فکری و ادبی شاعر است. اگر چه «فرهاد» نیز همچون خیل عظیمی از هم نسلان خویش شیفته ایدئولوژی‌های کل‌نگر بودند و دوری چندین دهه شاعر از سرودن «ماهنی» و گرایش به شعرهای آزاد (و البته انتقادی و اجتماعی) حاصل چنین فضایی است. با این وجود «فرهاد» به جهت داشتن روحی لطیف و سرشار از عاطفه، انسان دوستی و علاقمندی به حیات اجتماعی انسانها در تک تک شعرهای آزاد او نیز موجه می‌زند.

دایان سرباز، ال ساخلا!
تفنگین، چاخماغین بیخما!
نشان گئتمه، ووروب بیخما!
بیر آن فیکر ائیله گؤز «کیم لر»

دور و یلار،
کیملره قارشى
بو «آهنگى» قوشان، کیم؟
هانسى «ارکستر» چالیر «مارشى»؟!

و یا در شعر «گله لعنت جنگه»:
وقتى «انسان»!
بیر انسانین آلیر سون «نفسین»
«بشریت» نه قدر «آلچاق» اولور!
کاش بیرگون ایری خطله یازيلا

هر ياندا:

«سون قویولسون دؤیوشه!»

«گله لعنت جنگه»!

بطور کلی قابل تامل ترین و البته جالب ترین ماهنی و شعرى که می تواند بازگو کننده تمام معنای دو دوره از حیات فرهاد اردبیلی می باشد، ماهنی و شعر «ساوالان» است.

«فرهاد» ماهنی ساوالان را در دوره اول حیات ادبی خویش سروده است، در این ماهنی ابراهیمی همچون بسیاری از شاعران عموماً اردبیلی به ترسیم زیباییها و شکوه ساوالان می پردازد.

چکیسن باشینا قاردان آغ اؤریک
اتگینده گولور چمن، گول، چیچک
دؤشلریندن آخیر سرین بولاقلار
صفا گؤرور سنه گلن قوناقلار

شؤهرتین بور یوب بوتون دونیانی
آل اولار یوردونون سنسن نیشانی
تاریخ یاد ائیله ییب سندن هر زامان
قوجامان، ووقارلی گؤزل ساوالان

اما در دوره دوم حیات ادبی - فکری فرهاد، ساوالان با وجود اینکه مورد تقدیس و احترام شاعر است، مورد اعتراض قرار گرفته و متهم به بی‌توجهی و خاموشی می‌گردد و «فرهاد» شاعر مبارز، ساوالان را به خروش و فریاد فرا می‌خواند:

ساوالان! قهرمانانِ بئَجَرَن، ای قوجامان!

نعره چک سوسما داخی، بسدی یوخو،

بو قدر «لال» کیمی «مات» باخماگینان،

اژدها تک تۆک آغیزدان، آلووی،

قوی بوتون، داغلاری، کۆشلری، اودلار بوروسون،

ظلمکارین، کۆکو دیدن قوروسون.

«فرهاد اردبیلی» فارغ از سرودن شعر و ماهنی بیش از چهار دهه است که بصورت عملی در راه توسعه و آبادانی روستایش فعالیت می‌کند که حاصل این همت و تلاش، آبادانی زادگاهش «کورابازلی» است که همچون نگینی در میان روستاهای منطقه می‌درخشد و بیشتر به یک شهر کوچک شبیه است تا یک روستا. فعالیت‌های عام‌المنفعه و اجرایی «فرهاد» نیز در نوع خود قابل توجه است.

به هر ترتیب آنچه باید درباره شاعر «آیریلیق» و کلیات آثار وی بدانیم در این مجموعه گردآوری شده است. که ابراهیمی بدلائل مختلفی تاکنون موفق به انتشار آن نشده بود.

در آخر از دوستان ارجمند و فاضل آقایان بیژن اسدی مقدم و جمال بهادر باید تشکر کنم که در تمامی مراحل راهنمایمان بودند. همچنین از خانم کریمی سپاسگذارم که در برگردان ماهنی‌های این مجموعه به الفبای لاتین قبول زحمت نمودند.

«فرهاد» اۋز دىلى جە

منىم ادبى ياشايشىمىن قىساجا حىكايەسى

آتا-آنا قويان آدىم «رجب» شەرتىم «ابراھىمى كورعباسلو» چاغىرىلىپ،
شەردە تخلصوم «فرهاد» و يا «را.فرهاد» اولوبدور. 1314-جى ايلين آبان آيىنين
15، اردبيلين «يورتچى» ماحالينين «كورابازلى» كندىندە آنادان اولوب كند حياتيندا
گۆز آچىپ، كند ياشايشىنا گۆرە، داغلاردا، كۆشن لردە، آران-يايىلاق لاردا، طبيعت
و حيات ايله تانىش اولوب بوى آتمىشام.
اون ياشىم باشا چاتمادان 1324-جى ايلين شەربور آيندا عائلم ايله برابر
«كورابازلى» دان تەرانا كۆچموشوك.

دونیانین ایکینجی محاربه‌سی‌نین قورتاران چاغلاریندا، ایراندا «رضاشاه» قاقمیش و اونون دیکتاتورلوقو موقت بیر حالدا، اوز یئرینی بیر اۆترگی آزادلیغا وئرمیشدی. ائله‌لیکله ایرانین بوتون شهرلرینده، خصوصاً تهراندا، مختلف کوتله‌وی حرکت‌لر باشلانمیشدی، و من‌ده «تزه – تۆره-مه» جوانلیق شرایطینده اولاراق بو حرکت‌لره گۆز تیکیب حیرتلی بیر حالدا بویا-یاشا دولوردوم، عین حالدا او حرکت‌لر، اۆز تاثیراتین منیم حیاتی‌مدا قویارکن، دنیا باخیشیم و فیکر فورمالاریم شیکل وئریب دویغولاریمی جانلاندیریردی.

من یاشا دولدوقجا جور به جور یوللار آیریجیندا قرار دوتوب مختلف «مقصدلره» دعوت اولدوم، آنجاق او چاغیریشلار آراسیندا منیم آنا یوردومون، آغیر دردلی و چتین‌لیک‌لری منده آرتیق اثر قویارکن، منی بیر «ظالم-مظلوم» ساواشینا یوللاندیریردی، حال بوکی من، بیر الی یالین، ساده و یالقیز اینسان اۆزلوگومده نه ائده بیلردیم؟!

ائله‌لیک ایله تکجه اومیدیم «قلم-کاغیذا» گلیب، کی اونلارین وسیله‌سی ایله آزاراق بیلیک و سواد سایه‌سینده (اورادان کی ییزیم کورابازلینین دیلی، آذربایجانین ادبی دیلینه یاخین اولدوغونا و هابئله اوشاقلیق دؤورونده اؤیرندیگیم ناغیلالردان شعرلردن کۆمک آلیب) بعضی خلافکار آدم‌لاری و بعضاً باش وئرن ایرنج ایش‌لری شعريله «لاغا» قویوب، «باغلامالار» و «بایاتیلار» فورماسیندا ساتریکا (طنز) اوسلوبی ایله «قوشمالار» قوشوب، دوستلار- یولداشلارا اوخویوب، اونلارین طرف- لریندن تشویق اولاردیم.

بو زاماندا، آذربایجانین دیرلی بیر ادیبی «علی تبریزی» ایله یاخیندان تانیش اولماغیم، منده بؤیوک بیر دیشیک‌لیک یارادیب، منی بیر نئچه ادیب و اردملی یازیچی - شاعیر (او جمله‌دن مرحوم اعتماد ناطقی و ساوالان و...) جمعینده قرار وئردی کی بو تانیشلیقلار منیم روحیمده اۆلمز بیر اثر قویارکن، جدی صورتده، منده آنادیلینده یازماغا داها آرتیق رغبت یاراتدی.

تا بوکی سونرالار بیر اردملی موسیقی خادمی (رحمتلیک اوستاد علی سلیمی ایله) گۆروشمه‌گیم باعث اولدی ایکی دردلی کیمی بیر-بیریمیزله یاناشیب ایل‌لر بویو «ماهنی» سوپه‌سینده ایشله‌یب همکارلیق ائله‌یک. و بو همکارلیغیمیز، ایران

رادپوسیندا آذربایجانین بؤیوک ارکستر اعضاسینین یاردیمی ایله حیاته کئچدی (چونکی ماهنی ائللین گوندهلیک دیلی کیمین ساده اولدوقدا ائللین آرزو دیلک لرینی اؤزونده داشییارکن قالارقی بیر وسیله اولوب، موسیقی نغمه سی و مغنی نین خوش سسیله قووشوب گاها اولمز بیر اثر یا خاطیره یه چئوریلیر) نئجه کی «آیریلیق» ماهنی سی موسیقی دونیاسیندا بیر یگانه اثر کیمی دیلدن دیل لره دوشرکن آذربایجان خلقینین شاه اثرلریندن بیر ی ساییلیر. البته «آیریلیق» ماهنی سینین دنیا بویو شهرت تاپیب، یاییلماسینا باعث (شعر و موسیقی سیندن علاوه) بیر ده، آذربایجانین قودرتلی - شهرتلی، موغنی سی «رشید بهبوداوف» رحمت لیین اجراسی اولوب (کی پهلوی دؤرونده ایرانا ایکینجی سفرینده) بو ماهنی بیر نئجه ماهنی ایله برابر، قودرتلی خواننده یه تقدیم اولوندو و او باکی یاقایداندان سونرا، بؤیوک ارکستر ایله اجرا اولونماسینی، 48 دور گرامافون صفحه سینده دولدوروب، شاعیر و بسته کارین آدین قید ائده رک، بیزه گؤنردی و اوندان سونرا، آذربایجانین ایرانداکی آدلیم خواننده سی «قوقوش خانیم» وسیله سی ایله ده اجرا اولونماسی «آیریلیق» ماهنی سینی سرحدلردن کئچیرتدی.

حال بوکی یوزه یاخین مختلف «آدلار» و «عنوانلار» ایله ماهنی لار یازیمیشام. تاسف کی او شرایطده دیری اجرا اولدوقدا، اونلارین بیر حیصه سی الده قالماییبدیر. اینقلابین حقینده و انقلابدان سونرا (خصوصاً مقدس 8 ایللک وطن دفاع سیندا) دؤیوشچولریمیزین وصفینده بیر سیرا «سرود» لار یازیمیشام، کی اؤز وقتینده رادیو-تئلویزیوندا اجرا اولونوبدور. (او جمله دن عسگرین آناسیله وداع سی، شاهین لریم، جهاد وقتی دیر، ایش وقتی دیر و ...)

و هابئله خلقین، اجتماعی دردلرینه دائر و یا وطن پرورلیک و طبیعت وصفینده غزل و یا سربست شعرلر یازیب و یا «تهراندا کی آذربایجان یازیچی - شاعیرلر جمعیتی - نین» مدیریتیله اولماقلا «ادبی یارپاقلار» و «گونش» مجموعه سینین نشرینده اشتراک ائده رک ادبی فعالیتیمه دوام وئریب، و هله ده هر فرصته امکان اولدوغو قدر داوام وئره جگم.

آنجا ق بو آرادا 40 ایلدن بری منیم چوخلو وقتیم و امکاناتیم (بلکه ده بوتون وارلیغیم) وطن پرورلیک احساسی اساسیندا، آنا یوردومدا «عام المنفعه» عمران

ایشلره صرف اولاراق و هله ده اولماقدادیر! بو 40 ایلده، گنجه-گوندوز امانسیز چالیشارکن، کؤچریلیک (مهاجرت) اثرینده بوشالیب خرابه قالمیش بیر کندی (کورابازلینی) تزهدن آباد ائله ییب، بیر آبادلیق نمونه سینه چئویرمیشیک.

یئری گلمیش کن دئمه لیم کی بو ایشده آتا -بابالاردان قالان مثل دئییلن کیمی ائل گوجو-سئل گوجوندن حساب اولونموش صورتده فایدالاناراق، تهراندا یا اؤزگه شهرلرده یاشایان کورابازلی لارین «جانانه» کؤمک لیک لریندن چوخلو استفاده ائله - ییب او کندی آذربایجانلی اینسانلارین وطن پرورلیک و آبادلیق سئور احساسلارینین نمونه سی کیمین (عمران و آبادانی ساحه ده) نمایشه قویوب تانیتمیشیق.

اودورکی کورابازلینین آبادلیغی سبب اولوب، بوتون «یورتچو» محالی نین کندلری بیر یاریش (مسابقه) عرصه سینده اشتراک ائدیپ گوندن -گونه، آبادلیغا چئوریلیب (کؤچن قوشلار یووالارینا قاییدان کیمی) او کندلرین اهالی سی شهرلردن گلیب آتا -بابا یوردلارینی آباد ائله مگه باشلا سینلار.

و «کورابازلی» بو آرادا هله ده بیر گؤرکملی نمونه کیمی، آذربایجانین ماوی - بولودلو گؤی لرینده پارلاق اولدوز کیمی نور ساچمادادیر. آرتیلمالیام کی بو ماهنینین دونیادا بویوک شهرت قازانماسینا رحمتلیک رشید بهبود اوف آذربایجانینی کؤرکملی مغنی سینین اجرا ائتدیگی دیر کی دنیا عرصه سینده اؤزونه بویوک یئر آچیب و دیلرده ازبر اولماسیدیر .

شاه ختایی بویورموشکن:

مولا گؤره لیم نئیلر

نئیلرسه گؤزل ائیلر

عبدالله (وذر)

بشنو از نی چون حکایت می کند
از جدائیها شکایت می کند
از نیستان تا مرا ببر یده اند
از نفیرم مردو زن نالیده اند.
مولانا

ترجمه :

«دینله، نئی، گوَر نه حیکایت ائیله ییر
«آیریلیقلاردان» شیکایت ائیله ییر
تا کسیدیم ئیستاندان بندن
نیسگیلیمدن آغلار اولدو هر گوَرن»

آيرىلىق

بىستەكار: اوستاد على سلېمى

شاعىر: فرھاد ابراھىمى

خوانندە: فاطمە قنادى

فېكرىندىن گىجەلەر ياتا بېلىمىرم
بو فېكرى باشىمدان آتا بېلىمىرم
ئىلەيىم كى سەنە چاتا بېلىمىرم
آيرىلىق، آيرىلىق، آمان آيرىلىق
ھەر بىر درددن اولور يامان آيرىلىق

اوزوندور ھىجرىندە، قارا گىجەلەر
بېلىمىرم، مەن گىدىم، ھارا گىجەلەر
وورۇبدور قىلېمە يارا گىجەلەر
آيرىلىق، آيرىلىق، آمان آيرىلىق
ھەر بىر درددن اولور يامان آيرىلىق

يادىما دوشىندە آلا گۈزلىرىن
گۈيدە اولدۇزلاردان آلام خېرىن
ئىلەيىم، كىسىدىر مەندىن نظرىن
آيرىلىق، آيرىلىق، آمان آيرىلىق
ھەر بىر درددن اولور يامان آيرىلىق

آيرىلىق دردىنى چىكمەين بىلىمىز
ياردان آيرى دوشىن گۈز ياشىن سىلىمىز
دئىرلەر انتظار خىستەسى اۆلىمىز
آيرىلىق، آيرىلىق، آمان آيرىلىق
ھەر بىر درددن اولور يامان آيرىلىق

نٚجه کی ائلیمه، آیری دوشندن
سورار بیر - بیرینی، گۆروب بیلندن
حسرتله سیزلایار دائم بو غمدن
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

ایللردی اوزاغام آرخام - ائلیمدن
بولبولم، دوشموشم، آیری گولومدن
جور ایله آیرییب شیرین دیلیمدن
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

اولوبدور «بیگانه»، یاریم - یولداشیم
«غریبه» ساییلیر سئوگیم سیرداشیم
بو جاوان چاغیمدا آغاردیب باشیم
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

منی آغلاداندان گولوش ایستهرم
آیری دوشه نیمله گۆروش ایستهرم
حاصاری ییخماغا یوروش ایستهرم
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

سئوگی لیک اولوبدور شانی «فرهاد»ین!
سئوگی سی هاردادیر، هانی «فرهاد»ین؟
دئیه رک، چیخاجاق جانی «فرهاد»ین!
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

Ayrılıq

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanənəndə: Fatimə qənnadi

Fikrindən gecələr yata bilmirəm,
Bu fikri başımdan ata bilmirəm,
Neyləyim ki, sənə çata bilmirəm.
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Uzundur hicrində, qara gecələr,
Bilmirəm, mən gedim, hara gecələr,
Vurubdur qəlbimə yara gecələr,
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Yadima düşəndə ala gözlərin,
Göydə ulduzlardan allam xəbərin,
Neyləyim kəsibdir məndən nəzərin.
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Ayrılıq dərini çəkməyən bilməz
Yardan ayrı düşən göz yaşın silməz
Deyərlər intizar xəstəsi ölməz,
Ayrılıq – ayrılıq, aman ayrılıq
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Necə ki elimdən, ayrı düşəndən,
Sorar bir – birini, görüb biləndən
Həsrətlə sızlayar dayım bu qəmədən,
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

İllərdir uzağam arxam – elimdən
Bülbüləm düşmüşəm ayrı gülümdən
Corilə ayırıb şirin dilimdən
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Olubdur "biganə" yarım- yoldaşım
"qəribə" sayılır sevgim- sırdaşım
Bu cavan çağımda ağardıb başım
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Məni ağladandan gülüş istəmə,
Ayrı düşənəmlə görüş istəmə,
Hasarı yıxmağa yürüş istəmə,
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

Sevgilik olubdur şəni "Fərhad"ın
Sevgisi hardadır hanı "Fərhad"ın?!!
Diyərək çıxacaq canı "Fərhad"ın
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdədən olur yaman ayrılıq.

يولداشيم!

وفالى و صبيرلى حيات يولداشيم
- كى بوتون عاشيقانه ماهنيلاريمى
اوندان ايلههم آلميشام - تقديم ائديرم.

يولداشيم!
بیرجه دایان
« شله»نى، قوی یئر، سن
چیگنیندن
«تری»نى سیل و
بیر آز دینجینی آل!
یورولوبسان،
بیلیرم!
بو اوزون «یول»،
و آغیر «یوک»
دره - داغلاردان آشارکن
سنی سالمیشدی نفسدن
بونا شاهد
او «قابر»لار کی
النده- آیاغیندا اوتوروب
و «قیریش»لار کی،
گونش ساجدیران آلنیندا
دوشوب «یورد» سالیب

.....

يولداشيم!

بيليرم،

بو «سفر» ده،

(قورو كۆشنىلر ده)

سنى قورخوتماغا،

آزديرماغا،

بئزديرمه يه،

دائم كسهر ك «يول» لارينى

ساي سيز «ايت» لر اولاشار كن!

چوخلو «چاققال» لار هوروبلر!

يولداشيم!

سئوديجه ييم!

داريخيب،

سن «دؤزومو» قووما اؤزندن،

«اوميدى» كوسدورمه

بيليرم،

سن ده بيليرسن،

بيليريك

يول اوزوندور،

هله مقصد ده اوزاق

«يولچو» نون چارهسى يوخدور

او گرگ يول دؤيهرك

چاتاراق مقصده،

آچسين «شله» سين

يولداشيم!

بیر گل ایلش دانیشاق

كوسمه مندن بئله ناحق يئره،

ال وئر باریشاق
بونو بیز بيلمه لی بیک:
نه «فلک» دن،

نه «ملک» دن

یازیلیبیدیر « یازی» لارا!

بیزی مین درده سالانلار
بو « موکافاتی» یازارکن
بئله بو «وضع» سالیبار!

سئوگیلیم!

آغرین آلیم!

من ازده، سن اوچون
« آیریلیق» دان،

بئزه رک

سؤزلریمی باشلامیشام،
« آغلاما- آغلاما» نی

ایسته یه رک،

سندن من

« کندیمیزده ... گوذرک، «توی گونو» نو

اؤلکه میزده «سحرین» آچماسینی،

گؤزله میشیک.

یئری واردیر

شله نی بیر

یئره قوی چینیندن

تری نی سیل

و ...

بیر آزدینجینی آل

یول اوزوندور

هله مقصده اوزاق!

يورولوبسان،

بيليرم!

ولى آنجاق بونو دا بيلمه‌لى ييك

بئله بير قورخولو دۇراند،

گرگ بيز وئره‌رك ال – اله،

بيرده قوشولاق كروانا،

بيرليكدە گئدك

مقصده‌جك!

اردبيل 15 / 9 / 86

کورابازلی بورادیر!

ائلیمین شانلی - شرفلی اولادی
حاج علی صادقی پور
جنابلارینا تقدیم ائدیرم.

نه خبردیر بوردا؟!
نه اولوبدورمو مگر؟!
بیر قوراخلیق کئنده،
بیر قورو کؤشنده،
سوسوزندان آلیشیب نعره چکن،
بیر یئرده
کی زامانلار - زامانی،
بیر ایچیم تاملی و ساغلاملی

سووا
آغاچا،
میوه سینه،
حسرت ایدی!

ایندی بو دادلی - گؤزل میوه لر
بوردا بیتهرک،
و بازاردا ساتیلیر!؟

نئجه یوللار چکییب!
نه یینلار تیکیلیب!
نه چیراغ لار دوزولوب یان یانا
بوردا

گئجه سی گوندوزه بنزر
گوندوزو، گزمه لی، گؤرکملی، صفالی
سانکی بیر شهردی بوردا یارانیب

.....

نە اولوب بوردا مگر!
نە چىخىب تورپاقدان!
نە بيتىدىر يئردن،
بوردا خالىق نە ياراتمىشدى،
نە مُعْجُز گۇرونوب؟!
بئله حيرتده قويوبدور

هامىنى!
«داس گۇيرچين» لرى اوندان،
دسته دسته اوچاراق،
«سونا كهليك» لرین آوازينى،
عكس ائتديرن او
اوخوجو قوشلارينين،
موسيقى آواسى قولاقلاردا گزن،
قوجامان «بوينو يوغون» قلعهسى،
هوندور قايا،
تاريخ ياتاغى
ساوالان تك دوروشوقلو،
«چنلى بئل» تك ياراشيقلى،
گۇرونن بوردادى!
بوردا ياشاير؟

.....
«نر اؤلن» دن چكىلن «بوزقوشا» تك،
هايلى - هارايلى،
بابا يايلاقلارى،

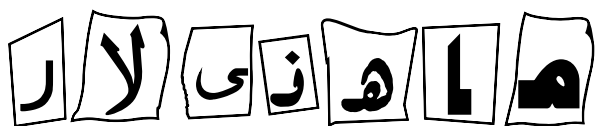
او...
يازدا - يايذا،
گۆزل اوولاقلارى كى
گۆى لرينده توراخايلار سسى
هر ياندا اۆتور
يوللادير عارفى عشق عالمينه

نغمه‌لر اینسانی
یئردن قوپاریر
آپاریر عرش ده سئودا دَمینه،
اوبالی، گوللو - چیچکلی،
سئومه‌لی یوردلاری،
«اوزون چمنی»
دوپ - دورو، گۆز یاشی تک،
بوز کیمی بالدان دا شیرین
آدلی و دادلی بولاقلار،
سینه‌سیندن آخارق،
اینسانا شوق وئرن...
«خالیقه» شوکر ائیلمه‌یی...
بورانین دیر!

.....
عجبا...
نه گۆزلیکلره مالیک‌دی بورا
بوردا عشق موج وورور،
بوردا انسان عملی،
«خاریقه» هیکل یارادیب!
بوردا بیر تازه حیات باشلانیلیب
بوردا «ائل» قودرتی

دؤنموشدو «سئله»
.....
«گلجه‌جک» لرده یقین
«کوراباز اولگوسو»

آباد ائده‌جک اولکهمیزی!



Mahnilar

«زندگی صحنه‌ی یکتای هنرمندی ماست
هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد»
ژاله اصفهانی

شعرین ترجمه سی:
دیریلیک سانکی بیزه «تیئاتر» صحنه سیدیر
هر کس اؤز نقشینی ایفاء ائده رک اوندا
کؤچوب،

صحنه،دائیم یاشاییر
خوشدور اول نغمه کی،
خلقین آراسیندا یاشاییب،

عمر سوره...

آیریلیق

بسته کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

فیکریندن گئجه لر یاتا بیلیمیرم
بو فیکری باشیمدان آتا بیلیمیرم
نئیه ییم کی سنه چاتا بیلیمیرم
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

اوزوندور هیجرینده، قارا گئجه لر
بیلیمیرم، من گئدیم، هارا گئجه لر
وورودور قلبیمه یارا گئجه لر
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

یادیم دوشنده آلا گـؤـز لرین
گؤیده اولدوزلاردان آلام خبرین
نئیه ییم، کسبیدیر مندن نظرین
آیریلیق، آیریلیق، آمان آیریلیق
هر بیر درددن اولور یامان آیریلیق

تهران: 1335/7/15

ناشرین توضیحی: بو ماهنی، دوققوز بنددن عبارت، شاعیرین آیریلیق شعریندن استاد سلیمی نین
توسطوايله سئچيله رک اوستونهد آهنگ قوشولوب، و ایکی بندی رشید «بهبود اوو» ون اجرا اتندیگیله
شهرت تاپیدیر .

Ayrılıq

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəyəndə: Fatimə qənnadi

Fikrindən gecələr yata bilmirəm,
Bu fikri başımdan ata bilmirəm,
Neyləyim ki, sənə çata bilmirəm.
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdən olur yaman ayrılıq.

Uzundur hicrində, qara gecələr,
Bilmirəm, mən gedim, hara gecələr,
Vurubdur qəlbimə yara gecələr,
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdən olur yaman ayrılıq.

Yadima düşəndə ala gözlərin,
Göydə ulduzlardan allam xəbərin,
Neyləyim kəsibdir məndən nəzərin.
Ayrılıq- ayrılıq, aman ayrılıq,
Hər bir dərdən olur yaman ayrılıq.

Tehran: 1335/7/15

Ayrılıq

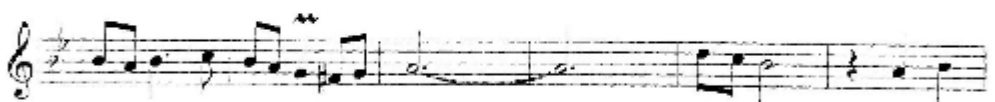
آيرىلىق

AIRILIGH

Tempo di wals

music

The musical score is written for a piano and voice. It begins with a treble clef, a key signature of one flat (B-flat), and a 3/4 time signature. The tempo is marked 'Tempo di wals'. The score consists of ten staves. The first staff is the piano introduction, marked 'music'. The second staff continues the piano melody. The third staff introduces the vocal part, marked 'Canto'. The fourth staff continues the vocal melody. The fifth staff continues the piano accompaniment, marked 'music'. The sixth staff continues the vocal part. The seventh staff continues the piano accompaniment. The eighth staff continues the vocal part, marked 'Canto'. The ninth staff continues the piano accompaniment. The tenth staff concludes the piece with a double bar line and a first ending bracket.



آغلاما

بسته کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

آغلاما آغلاما گۆزل مارالیم
آغلاما، گۆزلرین قاداسین آلیم
سن آغلاسان منیم آرتار ملالیم
آغلاما آغلاما گۆزونه قوربان
«آی» باخیشلی، شیرین سۆزونه قوربان

گل اوتورگۆزلرین یاشینی سیلیم
دئ گۆروم نه اولوب آی شیرین دیلیم
سۆیله بیرسن منه دردینی بیلیم
آغلاما آغلاما گۆزونه قوربان
«آی» باخیشلی، شیرین سۆزونه قوربان

اودلو باخیشلارین ایلمه سرین
گل دولا بوینوما نازیک اللرین
من سنه «فرهاد» ام سن منه شیرین
آغلاما آغلاما گۆزونه قوربان
«آی» باخیشلی، شیرین سۆزونه قوربان

Ağlama

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: Fatimə qənnadi

Ağlama, ağlama gözəl maralım
Ağlama gözlərin qadasın alım
Sən ağlasan mənim artar məlalım
Ağlama , ağlama gözüne qurban
"Ay" baxışlı, şirin sözünə qurban.

Gəl otur gözlərin yaşını silim
De görüm nə olub ay şirin dilim
Söylə bir sən mənə dərini bilim
Ağlama, ağlama gözüne qurban
"Ay" baxışlı , şirin sözünə qurban.

Odlu baxışların eyləmə sərin
Gəl dola boynuma nazik əllərin
Mən sənə "Fərhad"am sən mənə şirin
Ağlama, ağlama gözüne qurban
"Ay" baxışlı , şirin sözünə qurban

Pəxş: Radyo 1337

أغلاما
Ağlama



آچیل سحر

بسته کار: استاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

آچیل سحر، آچیل صاباح، دوغ گونش
تنگه گلدیم، گئجه، ظولمت الیندن
قارانلیق، کؤنلومو سیخدی، دوتولدو
قولاغیم، بایقوشون، شوم ناله سیندن
آچیل سحر، ائلریمیز اویانسین
گونش دوغسون، قیزیل نورا بویانسین

دومان دوتوب هر طرفی، گؤرنمور
نه بیر اولدوز، نه ده بیر آی پاراسی
تئر یتیر اؤزونو، باغیریم قان اولدو
ایشیقلا نسین کؤنلوم، گئتسین قاراسی
آچیل سحر، ائلریمیز اویانسین
گونش دوغسون، قیزیل نورا بویانسین

گئجه اوزون، من ده یالقیز، بوخوم یوخ
گئجه قوشو، منه همدم اولوبدور
اوره ییم تلہ سیر، سنی گؤرمه یه
فراغیندا، گول تک رنگیم سولوبدور
آچیل سحر، ائلریمیز اویانسین
گونش دوغسون، قیزیل نورا بویانسین

Açıl səhər

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Fatimə qənnadi

Açıl səhər, açıl sabah, doğ günəş
Təngə gəldim, gecə, zülmət əlindən
Qaranlıq, könlümü sıxdı, dutuldu
Qulağım , bayquşun , şum naləsindən
Açıl səhər ellərimiz oyansın
Günəş doğsun qızıl nura boyansın.

Duman dutub hər tərəfi, görünmür
Nə bir ulduz, nə də bir Ay parası
Tez yetir özünü , bağrım qan oldu
Işıqlansın könlüm , getsin qarası
Açıl səhər , ellərimiz oyansın
Günəş doğsun , qızıl nura boyansın

Gecə uzun , mən də yalqız , yuxum yox
Gecə quşu, mənə həmdəm olubdur
Ürəyim tələsir ,səni görməyə
Fərağında , gül tək rəngim solubdur
Açıl səhər , ellərimiz oyansın
Günəş doğsun , qızıl nura boyansın.

Pəxş: radiyo 1338

ساوالان

بسته کار : اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: یدالله زئیوه

چکیسن باشینا قاردان آغ اؤرپک
اتهیینده گولور چمن، گول - چیچک
دؤشلریندن آخیر سرین بولاقلار
صفا گؤرور سنه گلن قوناقلار

شؤهرتین بورویوب بوتون دونیانی
آلار یوردونون سنسن نیشانی
تاریخ یاد ائیله ییب سندن هر زامان
قوجامان، ووقارلی گؤزل ساوالان

هر ایل یازدا سنه ائلر، اوبالار
قوناق گلیب آلاچقلار قورارلار
کروانلار دوزولر اوزون یولونا
سورولر یاییلار ساغ - سولونا

شؤهرتین بورویوب بوتون دونیانی
آلار یوردونون سنسن نیشانی
تاریخ یاد ائیله ییب سندن هر زامان
قوجامان، ووقارلی گؤزل ساوالان

اورکسئون یاشیل یایلاقلارین وار
جنت کیمی گؤزل اوولقلارون وار
دیللرین ازبری بالین وار سنین
گزمه لی یاماجین - یالین وار سنین

شؤهرتین بورویوب بوتون دونیانی
آلار یوردونون سنسن نیشانی
تاریخ یاد ائیله ییب سندن هر زامان
قوجامان، ووقارلی گؤزل ساوالان

Savalan

Bəstəkar:ustad əli səlimi

Şair: Fərhad ibrahimi

Xanəndə:Yədullah zeyvə

Çəkibsən başına qardan ağ örpək
ətəyində gülür çəmən, gül, çiçək
döşlərindən axır sərin bulaqlar
səfa görür sənə gələn qonaqlar
şöhrətin bürüyüb bütün dünyanı
alovlar yurdunun sənsən nişanı
Tarix yad eyləyib səndən hər zaman
qocaman vuqarlı gözəl savalan

Hər il yazda sənə ellər , obalar
Qonaq gəlib alaçıqlar qurarlar
Karvanlar düzülər uzun yoluna
Sürülər yayılar sağa – soluna
Şöhrətin bürüyüb bütün dünyanı
Alovlar yurdunun sənsən nişanı
Tarix yad eyləyib səndən hər zaman
Qocaman vuqarlı gözəl savalan

Ürək sevən yaşıl yaylaqların var
Cənnət kimi gözəl oylaqların var
Dillərin əzbəri balın var sənin
Gəzməli yamacın – yalın var sənin
Şöhrətin bürüyüb bütün dünyanı
Alovlar yurdunun sənsən nişanı
Tarix yad eyləyib səndən hər zaman
Qocaman vuqarlı gözəl savalan.

ساوالان
SAVALAN

Handwritten musical score for "SAVALAN". The score is written on ten staves. The key signature is one flat (F major), and the time signature is 4/4. The notation includes treble clefs, various note values (quarter, eighth, sixteenth notes), rests, and dynamic markings such as *p* (piano) and *f* (forte). The score is divided into sections labeled *A*, *B*, and *C*. There are also handwritten notes in Persian, including "1- more", "2- more", and "Fine".

تبریز

بسته کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: یداله زئیوه

تاریخین تَمَلی قویولان زامان
باشدا یازیلیبدیر آدین قهرمان
قوینونلا بسله نیب چوخ اولو اینسان
اثلیمین اؤلکه مین ووقاری تبریز
شانلی قهرمانلار دیاری تبریز

گۆزلیک آدینی آلیبدیر سندن
سئودالی سئوگیلین اولور هر گۆرن
یاراشیر آدینا ای گۆزل وطن
اثلیمین اؤلکه مین ووقاری تبریز
شانلی قهرمانلار دیاری تبریز

دیللر ازبریدیر خوش آدین، سانین
مقدس دیر بیزه هر بیر مکانین
پارلاق اولدوزوسان آذربایجانین
اثلیمین اؤلکه مین ووقاری تبریز
شانلی قهرمانلار دیاری تبریز

Təbriz

Bəstəkar: ostad Əli Səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanənde: Yəddollah Zeyvə

Tarixin təməli qoyulan zaman
Başda yazılıbdır adın qəhrəman
Qoynunla bəslənib çox ulu insan
Elimin ölkəmin vuqarı təbriz
Şanlı qəhrəmanlar diyarı təbriz

Gözəllik adını alıbdır səndən
Sevdalı sevgilin olur hər görən
Yaraşır adına ey gözəl vətən
Elimin ölkəmin vuqarı təbriz
Şanlı qəhrəmanlar diyarı təbriz

Dillər əzbəridir xoş adın, sanın
Müqəddəsdir bizə hər bir məkanın
Parlaq ulduzusan azərbaycanın
Elimin ölkəmin vuqarı təbriz
Şanlı qəhrəmanlar diyarı təbriz

Təbriz-1342

اوزون چمن

بسته کار : اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: خانم ترانه ناصری

یازدا بزه نیرسن تازه گلین تک
اؤرتورسن اوزونه لاله دن اورپک
گولور هر یانیندا غونچه گول چیچک
یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن
دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

سحر چاغی کروان گئدیر یولوندا
سورولر مه لشیر ساغ - سولوندا
توراخیلار چهچه وورور یالوندا
یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن
دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

قیزلار سنده دسته - دسته گزنده
اوغلانلار باغیرینی نازلا ازنده
کهلیک کیمی یاللاریندا سؤزنده
یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن
دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

آچاندا گول غونچه لری هر باهار
سندن اوزاق دوشن سنی آرزولار
سرین سولو گؤزل بولاقلارین وار
یوردومون گؤزوسن آی اوزون چمن
دیلیمین سؤزوسن آی اوزون چمن

Uzun çəmən

Bəstəkar: ustad Əli Səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Təranə xanım Nasiri

Yazda bəzənirsən tazə gəlin tək
Örtürsən üzünə lələdən örpək
Gülür hər yanında qunça gül – çiçək
Yurdumun gözüsen ay uzun çəmən
Dilimin sözüsen ay uzun çəmən

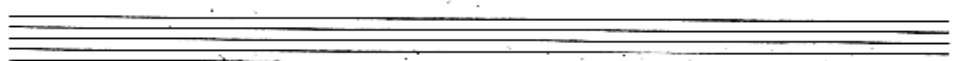
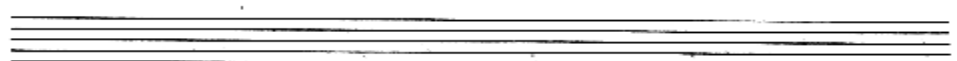
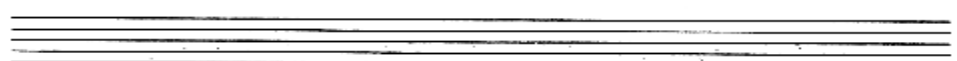
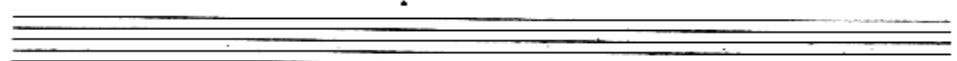
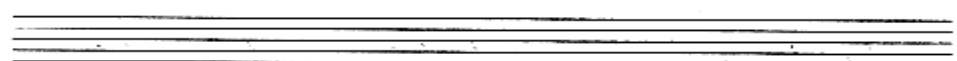
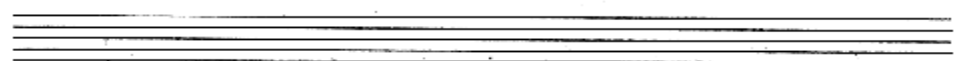
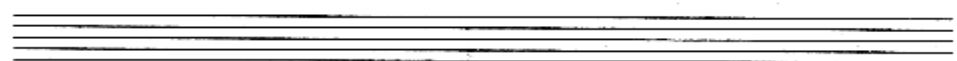
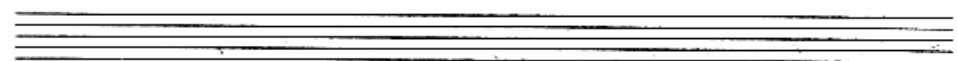
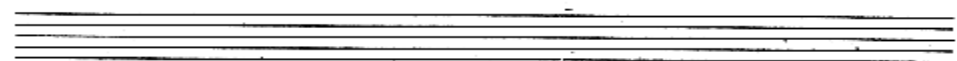
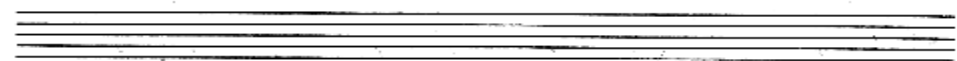
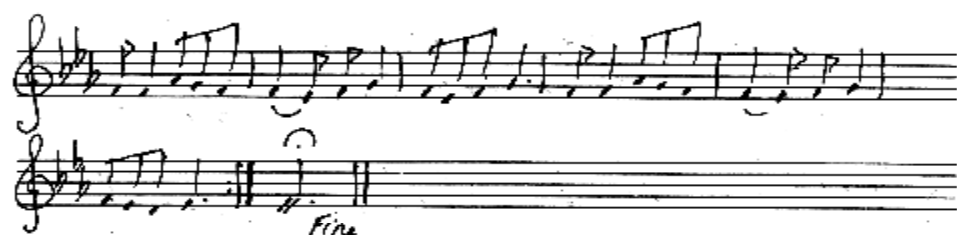
Səhər çağı karvan gedir yolunda
Sürülər mələşər sağda – solunda
Torağaylar çəhçəh vurur yalunda
Yurdumun gözüsen ay uzun çəmən
Dilimin sözüsen ay uzun çəmən

Qızlar səndə dəstə dəstə gəzəndə
Oğlanlar bağrını nazla əzəndə
Kəklik kimi yallarında süzəndə
Yurdumun gözüsen ay uzun çəmən
Dilimin sözüsen ay uzun çəmən

Açanda gül qunçaları hər bahar
Səndən uzaq düşən səni arzılar
Sərin sulu gözəl bulaqların var
Yurdumun gözüsen ay uzun çəmən
Dilimin sözüsen ay uzun çəmən.

اوزون چمن
Uzun çəmən





لاله

بسته کار : اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

یاندیربسان، یئنه چۆللرده چیراغ
سن گولورسن، گولور بوتون چمن - باغ
بزه نییدیر سندن، داغلا - دره لر
یارادیسان، نه گۆزل منظره لر
دوشوب آدین، یئنه دیلرله لاله
یاییلیسان بیزیم، چۆللره لاله

سن چۆل لرین سئویملی بیر قیزیسان
طبیعتین ایشقلی اولدوزوسان
عاشیق دریر، تۆحفه وئیریر یارینا
بنزه ییرسن، عاشیق لر ایلقارینا
دوشوب آدین، یئنه دیلرله لاله
یاراشیرسان بیزیم، چۆللره لاله

نه گۆزلیدر اۆلکه میزده یاز اولما
اورکلر سئوینه، صؤجت - ساز اولما
سن اولاسان «گلین» گوللر ایچینده
شۆهرتین یاییلا ائلر ایچینده
دوشوب آدین، یئنه دیلرله لاله
یاراشیرسان بیزیم، چۆللره لاله

Lalə

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Fatimə qənnadi

Yandırırısan, yenə çöllərdə çıraq
Sən gülürsən, gülür bütün çəmən-bağ
Bəzənibdir səndən, dağlar- dərələr
Yaradıbsan, nə gözəl mənzərələr
Düşüb adın yenə dillərə lalə
Yaraşırsan bizim çöllərə lalə

Sən çöllərin sevimli bir qızısan
Təbiətin işıqlı ulduzusan
Aşıqdır töhfə verir yarına
Bənzəyirsən aşıqlar ilqarına
Düşüb adın yenə dillərə lalə
Yaraşırsan bizim çöllərə lalə

Nə gözəldir ölkəmizdə yaz ola
Ürəklər sevinə söhbət-saz ola
Sən olasan "gəlin " güllər içində
Şöhrətin yayılar ellər içində
Düşüb adın yenə dillərə lalə
Yaraşırsan bizim çöllərə lalə

لا لاله الا الله
Lalə

Handwritten musical score for the song "Lalə" (لا لاله الا الله). The score is written on ten staves, each beginning with a treble clef and a key signature of one flat (B-flat). The tempo is marked "Allegro". The word "Canto" is written above the fourth staff. The score concludes with the word "Fine" at the end of the tenth staff. The notation includes various musical symbols such as notes, rests, and dynamic markings.



ياز گليدير

بسته کار: اوستاد علی سلیمی

شاعیر: فرهاد ابراهیمی

خواننده: فاطمه قنادی

ياز گليدير چۆلده آچير يئنه چيچكلر
بیر ده دولور سۆينجله غملى اوركلر
غونچه گولور، چمن ياشيل دونا بورونور
بنؤوشه لر ياسمن لر باغدا گؤرونور

بولبول گولون بوداغيندا نغمه اوخويور
يئل اسديكجه چمنلرده نرگس قوخويور
ياييلدير هر طرفه گول رايحه سى
حيات وئيرير كؤنوللره بولبول نغمه سى

سؤگى سئون اوركلرده جوشور آرزولار
جان آئويندن اونودولوب كؤچور قايغى لار
اوغلان - قيزلار سئيره هرگون چيخيرلار قوشا
شاعير ايستر بو زاماندا ماهنى لار قوشا

بولبول گولون بوداغيندا نغمه اوخويور
يئل اسديكجه چمنلرده نرگس قوخويور
ياييلدير هر طرفه گول رايحه سى
حيات وئيرير كؤنوللره بولبول نغمه سى

شئه اوتورور گول اوستونده تئزدن هر سحر
قاراقوشلار ائتمه ييرلر تازه بير سفر
هر ياندا گول - چيچك ليكدير گولور داغ دره
يارانيبدير گؤز باخديقجا گؤزل منظره

بولبول گولون بوداغيندا نغمه اوخويور
يئل اسديكجه چمنلرده نرگس قوخويور
ياييلدير هر طرفه گول رايحه سى
حيات وئيرير كؤنوللره بولبول نغمه سى

Yaz gəlibdir

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: Fatimə qənnadi

Yaz gəlibdir çöldə açır yenə çiçəklər
Biedə dolur sevinclə qəmli ürəklər
Qünçə gülür çəmən yaşıl dona бүrtүнür
Bənövşələr, yasəmənler bağda görünür
Bülbül gülün budağında nəğmə oxoyur
Yel əsdikcə çəmənlərdə nərgis qoxoyur
Yayılbır hər tərəfə gül raihəsi
Həyat verir könüllərə bülbül nəğməsi

Sevgi sevən ürəklərdə coşur arzılar
Can evindən unudulub köçür qayğılar
Oğlan-qızlar seyrə hər gün çıxırlar qoşa
Şair istər bu zamanda mahnılar qoşa
Bülbül gülün budağında nəğmə oxoyur
Yel əsdikcə çəmənlərdə nərgis qoxoyur
Yayılbır hər tərəfə gül raihəsi
Həyat verir könüllərə bülbül nəğməsi

Şeh oturur gül üstündə tezdən hər səhər
Qaranquşlar etməyirlər tazə bir səfər
Hər yanda gül-çiçəkl bitib gülür dağ-dərə
Yaranıbdır göz baxdıqca gözəl mənzərə
Bülbül gülün budağında nəğmə oxoyur
Yel əsdikcə çəmənlərdə nərgis qoxoyur
Yayılbır hər tərəfə gül raihəsi
Həyat verir könüllərə bülbül nəğməsi

سنی گۆرنڧن برى

بسته كار: اوستاد على سليمى
شاعير: فرهاد ابراهيمى
خواننده: فاطمه قنادى

قونشوموزون تويوندا
سونا كيمي سۆزمه ييلن
آى قيز من گۆردوم سنى
حيران ائيله دى منى

عۆمرومده گۆرمه ميشديم
اود دوشوبدور جانىما
سن كيمي بير دلبرى
سنى گۆرنڧن برى

سنه بنزر يوخ ايدى
گۆزل قيزلار ايچينده
بير اوينايب اوخويان
سۆمه ليدىن هاميدان

عۆمرومده گۆرمه ميشديم
اود دوشوبدور جانىما
سن كيمي بير دلبرى
سنى گۆرنڧن برى

دانيشاندا آغزيندان
سن گولنده اوزونده
بال شهدى تۆكولوردو
دان يئرى سۆكولوردو

عۆمرومده گۆرمه ميشديم
اود دوشوبدور جانىما
سن كيمي بير دلبرى
سنى گۆرنڧن برى

عۆمرومده گۆرمه ميشديم
اود دوشوبدور جانىما
سن كيمي بير دلبرى
سنى گۆرنڧن برى

Səni görəndən bəri

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: Fatimə qənnadi

Qonşumuzun toyunda
Sona kimi süzməgin

Ay qız mən gördüm səni
Heyran eylədi məni

Ömrümdə görməmişdim
Od düşübdür canıma

Sən kimi bir dilbəri
Səni görəndən bəri

Sənə bənzər yox idi
Gözəl qızlar içində

Bir oynayıb oxuyan
Sevməliydin hamıdan

Ömremdə görməmişdim
Od düşübdür canıma

Sən kimi bir dilbəri
Səni görəndən bəri

Danışanda ağzından
Sən güləndə üzündə

Bal şəhdi tökülürdü
Dan yeri sökülürdü

Ömrümdə görməmişdim
Od düşübdür canıma

Sən kimi bir dibəri
Səni görəndən bəri

Ömrümdə görməmişdim
Od düşübdür canıma

Sən kimi bir dilbəri
Səni görəndən bəriş

باهار گلیب

شعر: فرهاد

خواننده: عاشیق عیسی دشن

بولودلار چیخیر اویناغا

اوبالار کؤچور یایلاغا

بولاقلار گلیر قایناغا

اثلردئییر: «باهار گلیب»

یاشیل زمی لر بوی آتیر

بوی آتیر سونبوله چاتیر

تیکانلار آیاغا باتیر

چؤلر دئییر: «باهار گلیب»

سورولر داغ اتهیینده

ایچمهیینده - یئمهیینده

چوبانلارین توتهیینده

زیلر دئییر: «باهار گلیب»

چایلاقلارین قازلاریندا

قیز - گلینلر نازلاریندا

عاشیقلا رین سازلاریندا

تئلر دئییر: «باهار گلیب»

حسرت گۆزلر اوزاقلاردا
آرزولايير بوجاقلاردا
سيزيلدايان دوداقلاردا
سئلر دئيير: «باھار گليب»
گۆز تيكديكجه سولا - ساغا
قوشلار قونور گول بوداغا
گۆيدن ياغيش ياغا-ياغا
يئلر دئيير: «باھار گليب».

هئي باخيرام پنجره دن
گۆزوم دويمور منظره دن
چيچك آچان داغ - دره دن
گوللر دئيير: «باھار گليب»

كۆر عباسلى 1348/2/25

Bahar gəlib

Bulutlar çıxır oynağa
Obalar köçür yaylağa
Bulaqlar gəlir qaynağa

Çöllər deyir: "bahar gəlib"

Yaşıl zəmilər boy atır
Boy atır sünbülə çatır
Tikanlar ayağa batır

əllər deyir: " bahar gəlib"

sürülər dağ ətəyində
içməyində-yeməyində
çobanların tütəyində

ellər deyir: "bahar gəlib "

çaylaqların qazlarında
qız-gəlinlər nazlarında
aşıqların sazlarında

tellər deyir: "bahar gəlib "

həsrət gözlər uzaqlarda
arzılayır bucaqlarda
sızıldayan dodaqlarda

dillər deyir: " bahar gəlib"

göydən yağış yağa-yağa
bulutlar çıxır oynağa
göz dikdikdə sağa- sola

yellər deyir: "bahar gəlib"

hey baxıram pəncərədən
gözüm doymur mənzərədən
çiçək açan Dağ- dərədən

güllər deyir: "bahar gəlib"

يئنه ياز گلر - ياز گلر

بيسته كار: اوستاد علي سليمي
شاعير: فرهاد ابراهيمي
خواننده: يدالله زيوه

بئله ائتمه ناله بولبول
يئنه ياز گلر - ياز گلر
گلر چۆلدە لاله بولبول
«يئنه ياز گلر - ياز گلر»

نييه حسرتليدير گۆزون
بئله غم گتيرير سۆزون
سسین توتقون گولمور اوزون
يئنه ياز گلر - ياز گلر

اوره ييمي قان ائيلمه
باغريمي شان - شان ائيلمه
بو قدر فغان ائيلمه
يئنه ياز گلر - ياز گلر

قوناغام من بوگون سنه
گلميشم گئديرم يئنه
اوخو شيرين ديلله منه
«يئنه ياز گلر - ياز گلر»

سانما دونيا بير اوز اولار
هر درهيه بير دوز اولار
گنجه دالي گوندوز اولار
يئنه ياز گلر - ياز گلر

طبيعتدن آلاق ايله هام
گل حياتدان گوتورک کام
دوتر سحره بو آخشام
«يئنه ياز گلر - ياز گلر»

ايشيت بو سوزلري سن ده
اوخو نغمه يازيم من ده
گولر چيچک بو گولشنده
«يئنه ياز گلر - ياز گلر»

Yenə yaz gələr- yaz gələr

Bəstəkar: ustad Əli Səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Yədulla Zeyvə

Belə etmə nalə bülbül
yenə yaz gələr- yaz gələr
Gülər çöldə lalə bülbül
yenə yaz gələr- yaz gələr

Niyə həsrətlidir gözün
belə qəm gətirir sözün
Səsin tutğun gülmür üzün
yenə yaz gələr- yaz gələr

Ürəyimi qan eyləmə
bağrımı şan-şan eyləmə
Bu qədər fəğan eyləmə

yenə yaz gələr- yaz gələr

Qonağam mən bu gün sənə
gəlmişəm, gedirəm yenə
Oxu şirin dillə mənə

yenə yaz gələr- yaz gələr

Sanma dünya bir düz olar
hər dərəcə bir düz olar
Gecə dalı gündüz olar

yenə yaz gələr- yaz gələr

Təbiətdən alaq ilham
gəl həyatdan götürək kam
Dönər səhərə bu axşam

yenə yaz gələr- yaz gələr

Eşit bu sözləri sən də
oxu nəğmə, yazım mən də
Gülər çiçək bu gülşəndə

"yenə yaz gələr- yaz gələr"

انتظار (1)

بسته کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

دایانیرام پنجره دن
گۆز تیکیرم اوزاق یولا
حسرتله آه چکیب هر آن
باخیرام من ساغا - سولا

گۆزوم یولدا انتظارلا
آرزولارام هر آن سنی
بو آیریلیق دردی اینان
اۆلدوره جک جاوان منی

قاییمیز هر دؤیولنده
خیالیم سن گلیرسن
گۆره سن بو اودور گلیب؟
اۆز - اۆزومه دئییرم من

گۆزوم یولدا انتظارلا
آرزولارام هر آن سنی
بو آیریلیق دردی اینان
اۆلدوره جک جاوان منی

ھەر گلئىدىن سۈرۈشۈرۈم
بىلكە وئىرە خىبىر سىندىن
يۈخسا مىنى اۈنۈدۈبسان
يا كى دۇنۇب اۈزۈن مىندىن

گۈزۈم يولدا انتظارلا
آرزۇلارام ھەر آن سىنى
بو آيرىلىق دىردى اينان
اۋلدۈرەجك جاۋان مىنى

دايانىرام پىنجىرەدىن
گۈز تىكىرم اۈزاق يولا
ھىسرتلە آھ چكىب ھەر آن
باخىرام مىن ساغا - سولا

گۈزۈم يولدا انتظارلا
آرزۇلارام ھەر آن سىنى
بو آيرىلىق دىردى اينان
اۋلدۈرەجك جاۋان مىنى

İntizar(1)

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: Fatimə qənnadi

Dayanıram pəcərədən
Göz tikirəm uzaq yola
Həsərlə ah çəkirəm hər an
Baxıram mən sağa-sola
Gözüm yolda intizarla
Arzılam hər an səni
Bu ayrılıq dərdi inan
Öldürəcək cavan məni

Qapımız hər döyüləndə
Xəyalıma sən gəlirsən
"görəsən bu odur gəlib? "
Öz-özümə deyirəm mən
Gözüm yolda intizarla
Arzılam hər an səni
Bu ayrılıq dərdi inan
Öldürəcək cavan məni

Hər gələndən soruşuram
Bəlkə verə xəbər səndən
Yoxsa məni unudubsan
Yaxı dönüb üzün məndən
Gözüm yolda intizarla
Arzılam hər an səni
Bu ayrılıq dərdi inan
Öldürəcək cavan məni

Dayanıram pəncərədən
Göz tikirəm uzaq yola
Həsərlə ah çəkib hər an
Baxıram mən sağa-sola
Gözüm yolda intizarla
Arzılam hər an səni
Bu ayrılıq dərdi inan
Öldürəcək cavan məni

انتظار (2)

بسته کار: اسماعیل کریم پور
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: اسماعیل کریم پور

سئو گیلیم
من، هله ده
دایانیب دؤنگه ده یول گؤزله بیرم
گؤزومو زیلله یه رک او اوزاقلاردا
سنی ایزله بیرم.
اینامیم وار بونا، من...
بیلیرم بیر گون سن...
بیر پری تک بورونوب آغ ایپه یه
بیر قوجاق لاله ایله گله جکسن، گؤروشه
من او گون اولماسام بوردا اگر،
گؤرمه سن مندن اثر
قبریم اوستونده اک او لاله لری،
قوی کؤزر سین ابدی سئوگی - حیات آتشی تک،
تا کی سئودالی کؤنوللرده اومید شعله چکه

intizar(2)

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: İsmayıl Kərimpur

Sevgilim
Mən hələ
Dayanıb döngədə yol gözləyirəm
Gözümü zilləyərək, o uzaqlarda
O uzaqlarda səni izləyirəm
İnamım var buna mən...
Bilirəm bir gün mən...
Bir pəri tək bürünüb Ağ ipəyə
Bir qucaq lalə ilə, gələcəksən görüşə
Mən o gün olmasam burda əyər,
Görmə sən məndən əsər, Görmə sən məndən əsər,
Qəbrim üstündə ək o lalələri,
Qoy közərsin əbədi sevgi- həyat atəşi tək,
Ta ki sevdalı könüllərdə ümid şövlə çəkə.

انتظار (2)
intizar(2)

The musical score is written for a single melodic line in treble clef, featuring a key signature of two sharps (F# and C#) and a 3/8 time signature. The piece is divided into sections for 'Mus' (Music) and 'Can' (Canto). The 'Mus' sections are marked with a forte 'f' dynamic, while the 'Can' sections are marked with a mezzo-piano 'mp' dynamic. The score includes various musical notations such as eighth and sixteenth notes, rests, and trills. It also features first and second endings, indicated by bracketed numbers 1 and 2. The notation is presented on ten staves.



ہارا گتدین

بستہ کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرہاد ابراہیمی
خوانندہ: فاطمہ قنادی

غم و درده سالان منی
نییہ قویدون نالان منی
تاپام بلکہ نیشان سندن
آختاریرام هر آن سنی

ہارا گتدین ہارا گتدین
اورہ ییمی یارا ائتدین
منی یالقیز قویوب - گتدین
سن ایدین یاریم، دوز ایلقاریم
گول - چیچکلی باہاریم

بیر آن سنی اونوتمارام
عؤمروم وارکن سنہ یارام
هر یادیما دوشنده سن
تزرہلہ نر اورک یارام

ہارا گتدین ہارا گتدین
اورہ ییمی یارا ائتدین
منی یالقیز قویوب - گتدین
سن ایدین یاریم، دوز ایلقاریم
گول - چیچکلی باہاریم

Hara getdin

Bəstəkar: Ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Fatimə qənnadi

Qəm o dərdə salan məni
Niyə qoydun nalan məni
Tapam bəlkə nişan səndən
Axtarıram hər an səni

Hara getdin, hara getdin
Ürəyimi yara etdin
Məni yalqız qoyub getdin
Sən idin yarım, düz ilqarım
Gül-çiçəkli baharım.

Bir an səni unutmaram
Ömrüm varkən sənə yaram
Hər yadıma düşəndə sən
Təzələnər ürək yaram

Hara getdin, hara getdin
Ürəyimi yara etdin
Məni yalqız qoyub getdin
Sən idin yarım, düz ilqarım
Gül-çiçəkli baharım.

Pəxş: radyo1339

هارة گتدين
Hara getdin

Lento Wals

Handwritten musical score for "Hara getdin" (Hara getdin), marked *Lento* Wals. The score is written on ten staves, with the first four staves labeled "Music" and the remaining six staves labeled "Acord" and "Canto". The notation includes treble clefs, a key signature of one sharp (F#), and a 3/4 time signature. The music features a mix of eighth and sixteenth notes, often beamed together, and rests. The score concludes with a double bar line and the word "Fine".

كندىمىزده توى گونو

بسته كار: اوستاد على سىلمى

شاعير: فرهاد ابراهيمى

خواننده: فاطمه قنادى

بزه نىبدير توى اوتاغى	اوتوروبلار قوناقلار
بو مجلسه تانىش - دوستدان	هر طرفدن گلن وار
چالغىچى لار دؤوقه گليب	شن هاوالار چاليرلار
اوينايانلار اوينايندا	اله دستمال آليرلار

كندىمىزده توى گونو	هامى دئيب - گولوشور
آيرى دوشن سئوگى لر	بىر - بىريله گؤروشور
بورويور هر طرفى	گؤزل ائل ماهنى لارى
تعريفله بىر اوخويان	يائى، قيشى، باهارى

توى گئجه سى آشيقلارين	اختلاطى شيريندير
اورك ياخان سؤزلرينين	معنالارى دريندير
«كور اوغلو» يا «اصلى كرم»	ناغيللارين دئيرلر
ايگيدليكدن، محبتدن	شعرله سؤيله بىر

«تې» بزه ن زاماندا	هامى اونا ال چالار
«تې» گلنده قوناقلار	آياق اوسته دورارلار
گلين الى خينالى	بىين گؤزلر يولونو
قىز - گلن لر توتارلار	گلينين ساغ - سولونو

Kəndimizdə toy günü

Bəstəkar: Ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: Fatimə Qənnadi

Bəzənibdir toy otağı
Bu məclisə tanış-dostdan
Çalğıçılar zövqə gəlib
Oynayanlar oynayanda

oturublar qonaqlar
hər tərəfdən gələn var
şən havalar çalırlar
ələ dəstmal atırlar

Kəndimizdə toy günü
Ayrı düşən sevgilər
Bürüyür hər tərəfi
Tərifləyir oxuyan

hamı deyib gülüşür
bir-birilə görüşür
gözəl el mahnıları
yayı, qışı, baharı

Toy gecəsi aşqların
Ürək yaxan sözlərinin
"koroğlu " ya "Əsli kərəm "
İgidlikdən, məhəbbətdən

ixtilatı şirindir
mənalı dərin
nağılları deyirlər
şeyrlər söyləyirlər

" bəy" bəzənən zamanda
"bəy" gələndə qonaqlar
Gəlin əli xınalı
Qız-gəlinlər tutarlar

hamı ona əl çalar
ayaq üstə durarlar
bəyin gözlər yolunu
gəlinin sağ-solunu.

Pəxş: Radyo1338

کندیمزده توی گونو
Kəndimizdə toy günü





منیم آتام

بسته کارلیق اولماییب

ای قلبیمه، قدرت وئرن	منلیگم ، ای وقاریم!
وارلیغیما، جرئت وئرن	حیات بویو، افتخاریم!
آنام کیمی ، محبتلی	مهربانسان منیم آتام
یامان گونده، دیزه چؤکمز	قهرمانسان منیم آتام
زحمت چکیب ، امک وئریب	بیزه سخالی اللرین
آنا سودو کیمی، اینان	مقدس دیر آیین ترین
آنام کیمی ، محبتلی	مهربانسان منیم آتام
یامان گونده، دیزه چؤکمز	قهرمانسان منیم آتام

هر اؤگودو، هر بیر سؤزو حکمتدیر
محبتلی ، ایشی اؤزو نعمتدیر
حقیقته وورغون حقه عاشیقدیر
حیاته پوزولماز یار - یار اشیقدیر
داغلار، اوندان ، استقامت اؤرگهنیر
باغلار، اوندان، بول - سخاوت اؤرگهنیر
ایلهام آلیر اوندان سهند - ساوالان
قودرتلی دیر منیم آتام اونلاردان

یادیمدادیر ، اونوتمارام	هر دانناق کی ووردون منه
هر دانناغین بیر درس اولدو	چوخلو آنناق وئردون منه
آنام کیمی ، محبتلی	مهربانسان منیم آتام
یامان گونده، دیزه چؤکمز	قهرمانسان منیم آتام
باش اگمه دین سن هیچ زامان	ظلمه قارشى دوردون هر آن
هر قورخولو چتین لیگه	سینه گردین ای قهرمان
آنام کیمی ، محبتلی	مهربانسان منیم آتام
یامان گونده، دیزه چؤکمز	قهرمانسان منیم آتام

Mənim Atam

Ey qəlbimə qüdrət verən Varlığımıza, cürət verən	ey mənliyim, ey vıqarım həyat boyu ıftıxarım!
---	--

Anam kimi, məhəbbətli Yaman gündə dizə çökməz	mehrbansan mənim Atam qəhrəmansan mənim Atam
--	---

Zəhmət çəkib, əmək verib Ana südü kimi, inan	bizə səxali əllərin müqəddəsdır alın tərın
---	---

Anam kimi, məhəbbətli Yaman gündə dizə çökməz	mehrbansan mənim Atam qəhrəmansan mənim Atam
--	---

Hər öyüdü, hər bir sözü hikmətdir
Məhəbbəti, işi, özü ne,mətdir
Həqiqətə vurğun haqqa aşıqdır
Həyata pozulmaz yar-yaraşıqdır
Dağlar ondan, istiqamət öyrənir
Bağlar, ondan bol, səxavət öyrənir
İlham alır ondan səhənd- savalan
Qüdrətlidir mənim Atam onlardan.

Yadımdadır, unutmaram Hər danlağın bir dərş oldu	hər danlaq k1, vurdun mənə çoxlu anlaq verdin mənə
---	---

Anam kimi, məhəbbətli Yaman gündə dizə çökməz	mehrbansan mənim Atam qəhrəmansan mənim Atam
--	---

Baş əymədin sən heç zaman Hər qorxulu çətinliyə	zölmə qarşı durdun hər an sinə gərdin ey qəhrəman
--	--

Anam kimi, məhəbbətli Yaman gündə dizə çökməz	mehrbansan mənim Atam qəhrəmansan mənim Atam
--	---

من آغلادیم - یار آغلادی

(آشیق هاواسی)

گنجه یارا قوناق اولدوم
گۆی توتولدو، زار آغلادی
بولوتلار قارا گئییندی
باهار فصلی، قار آغلادی

قوجاقلاشدیق عاشیق کیمی
ساریشدیق، سارماشیق کیمی
باغچایا «یاراشیق» کیمی
گول لر گولدو، خار آغلادی

گنجه گوده، سۆزلر اوزون
سۆندوردوک، ایریلیق کۆزون
یار تیکهرک منه گۆزون
من آغلادیم، یار آغلادی

گنجه نین رنگی قاچیلدی
صوبح اولدو سحر آچیلدی
ایریلیق دمی چاتیلدی
بیزه دام - دووار آغلادی

دئدیم یارا: چوخ گون گۆردوم
روزگارین آتین یوردوم
حلاج اولوب «داردا» دوردوم
من گوله رک دار آغلادی

فرهاد دئدی خاطیره سین
یوز کره دن، بیر کره سین
حیاتین «تپه - دره سین»

گزرک تا وار آغلادی . (1366 اردبیل)

Mən ağladım yar ağladı

(aşığı havasında)

Bir gün yara qonaq oldum
Göy qaraldı, qar ağladı
Bahar buludu tək doldum
İşim ah o zar ağladı

Gündüz güdə, gecə uzun
Danışdıq, ayrılıq sözün
Yar tikərək mənə gözün
Mən ağladım yar ağladı

Qucaqlaşdıq, aşığı kimi
Sarışdıq, sarmaşığı kimi
Bağçaya yaraşığı kimi
Güllər güldü, xar ağladı

Dedim yara: "çox gün gördüm
Ruzugarın Atın yordum"
"Həllac" olub "darda" durdum
Mən gülərək "dar " ağladı

Fərhad yazdı xatirəsin
Min kərəndən, bir kərəsin
Həyatın "təpə-dərə"sin
Gəzə-gəzə, zar ağladı.

ياز گليب

قىش كۆچۈب ، اريب قار
تازە لىب، روزگار
بوداقلارا ، اوخويور
گۈزل قوشلار، ماھنىلار

ياز گليبدىر وطنە
يايىلىب چۆل چمنە
اي اوميدىم، باھاريم
گل چىخاق، سئيرە يئە

قايدىرلار گيلرلر
قاراقوشلار سفردن
سۈرچەلر دە اويانىر
اوخويورلار سحردين

ياز گليبدىر وطنە
يايىلىب چۆل چمنە
اي اوميدىم، باھاريم
گل چىخاق، سئيرە يئە

باشدان – باشا طبيعت
نعمت يايىر ھەر يانا
گۈزەللىگى ، حياتى
مۇژدە وئيرىر انسانا

ياز گليبدىر وطنە
يايىلىب چۆل چمنە
اي اوميدىم، باھاريم
گل چىخاق، سئيرە يئە

Yaz gəlib

Qış köçüb, əriyib qar
Təzələnib, ruzugar
Budaqlarda, oxoyur
Gözəl quşlar, mahnılar

Yaz gəlibdir vətənə
Yayılb çöl-çəmənə
Ey ümidim, baharım
Gəl çıxacaq, seyrə yenə

Qayıdırlar gəlirlər
Qaranquşlar səfərdən
Sərçələr də oyanır
Oxoyurlar səhərdən

Yaz gəlibdir vətənə
Yayılb çöl-çəmənə
Ey ümidim, baharım
Gəl çıxacaq, seyrə yenə

Başdan- başa təbiət
Ne,mət yayır hər yana
Gözəlliyi, həyatı
Müjdə verir insana

Yaz gəlibdir vətənə
Yayılb çöl-çəmənə
Ey ümidim, baharım
Gəl çıxacaq, seyrə yenə.

اونوتما منی

بسته کار: استاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراہیمی
خواننده: فاطمہ قنادی

اوگوندن کی سنی، گۆردوم دوشدوم اودونا
وورلدوم او گول اوزونہ، گۆزل آدینا
حسرت گۆزوم، گئجه – گوندوز قالدی یولوندا
قلبیم یاندی، بیر سالمادین، منی یادینا
منی نندن - منی نندن، منی نندن یوخلامادین بیرجه او گوندن
یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول باغلابسان اۆزگه سینه سن
نه اولاردی منی ده بیر یادا سالایدین
بلکه منده سئوینیدیم، بیر ده اورکدن

یادیندا دیر، او گون کی سن، گلیمیشیدین بیزه
ایله بیل کی یاز گلیمیشدی مجلیسیمیزه
دوداقلارین گولومسه دی، اوزون قیزاردی
من دئینده: صاباح ائلچی گۆندیریم سیزه؟
منی نندن - منی نندن، منی نندن یوخلامادین بیرجه او گوندن
یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول باغلابسان اۆزگه سینه سن
نه اولاردی منی ده بیر یادا سالایدین
بلکه منده سئوینیدیم، بیر ده اورکدن

سئویندیردین بیر آن منی، قلبیم شاد اولدو
بیر آن منیم کۆنلوم ائوی سئوینجیله دولدو
او محبت هارا گئتدی منی اونوتدو
عشقیم گولو نه تتر آچیب، نه تتر ده سولدو
منی نندن - منی نندن، منی نندن یوخلامادین بیرجه او گوندن
یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول، یوخسا کۆنول باغلابسان اۆزگه سینه سن
نه اولاردی منی ده بیر یادا سالار دین
بلکه منده سئوینیدیم، بیر ده اورکدن

Unutma məni

Bəstəkar:Ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə:Fatimə Qənnadi

O gündən ki, səni gördüm düşdüm oduna
Vuruldu o gül üzünə, gözəl adına
Həsrət gözü, gecə-gündüz qaldı yolunda
Qəlbim yandı, bir salmadın yadına
Məni nədən, məni nədən, məni nədən, yoxlamadın bircə o
gündən
Yoxsa könül, yoxsa könül, yoxsa könül bağlayıbsan özgəsinə
sən
Nə olardı məni bir yada salaydın
Bəlkə mən də sevinəydim, bir də ürəkdən

Yadımdadır, o gün ki sən, gəlmişdin bizə
Elə bil ki, yaz gəlmişdi məclisimizə
Dodaqların gülümsədi, üzün qızardı
Mən deyəndə sabah elçi göndərim sizə?
Məni nədən, məni nədən, məni nədən, yoxlamadın bircə o
gündən
Yoxsa könül, yoxsa könül, yoxsa könül bağlayıbsan özgəsinə
sən
Nə olardı məni bir yada salaydın
Bəlkə mən də sevinəydim, bir də ürəkdən

Sevindirdin bir an məni, qəlbim şad oldu
Bir an mənim könlüm evi sevincilə doldu
O məhəbbət hara getdi məni unuttun
Eşqim gülü nə tez açıb, nə tez də soldu
Məni nədən, məni nədən, məni nədən, yoxlamadın bircə o
gündən
Yoxsa könül, yoxsa könül, yoxsa könül bağlayıbsan özgəsinə
sən
Nə olardı məni bir yada salaydın
Bəlkə mən də sevinəydim, bir də ürəkdən

اونو تما منی

Unutma mənə

Handwritten musical score for "The Rose Tree" in G major, 3/4 time. The score is written on ten staves. The first staff is the treble clef melody. The second staff is the alto clef melody, labeled "A Canto". The third staff is the tenor clef melody, labeled "T Canto". The fourth staff is the bass clef melody, labeled "B Canto". The fifth staff is the alto clef melody, labeled "A Canto". The sixth staff is the tenor clef melody, labeled "T Canto". The seventh staff is the bass clef melody, labeled "B Canto". The eighth staff is the alto clef melody, labeled "A Canto". The ninth staff is the tenor clef melody, labeled "T Canto". The tenth staff is the bass clef melody, labeled "B Canto". The score includes various musical notations such as notes, rests, and bar lines.

جئيران سؤگيليم

(اوغلان - قيز دئيشمهسى)

بسته كار: على سليمى
شاعير: فرهاد ابراهيمى
خواننده: آقاي يداله زئيوه و خانم قنادى

اوغلان:

كوچه مي زده گزن قيز
سونا كيمى سؤزن قيز
قارا تئلين داراييب
قاشى اوسته دوزن قيز
گروه كر:

گل - گل - گل - گل آي قيز بئله جئيران سؤگيليم
دورگل، دورگل آي قيز بئله منيم اؤز گولوم
گل - گل - گل - گل آي قيز بئله جيران سؤگيليم
دورگل، دورگل آي قيز بئله منيم اؤز گولوم

قيز:

يولومدا دورما اوغلان
بوينونو بورما اوغلان
منه هر دم سؤز آتيب
اؤزونو يورما اوغلان

گروه كر:

گل - گل - گل - گل آي قيز بئله جئيران سؤگيليم
دورگل، دورگل آي قيز بئله منيم اؤز گولوم
گل - گل - گل - گل آي قيز بئله جئيران سؤگيليم
دورگل، دورگل آي قيز بئله منيم اؤز گولوم

اوغلان:

نە گۆزل قامتین وار
اوزون آی کیمی پارلار
گۆز لرین شعله چکیب
جان ائویمی آلاولار

گروه کر:

گل - گل - گل - آی قیز بئله جیران سؤگیلیم
دورگل، دورگل آی قیز بئله منیم اؤز گولوم
گل - گل - گل - آی قیز بئله جیران سؤگیلیم
دورگل، دورگل آی قیز بئله منیم اؤز گولوم

قیز:

منه سؤز آتما اوغلان
قاش - گۆز اویناتما اوغلان
شیرین - شیرین دانیشیب
منی آلداتما اوغلان

گروه کر:

گل - گل - گل - آی قیز بئله جئیران سؤگیلیم
دورگل، دورگل آی قیز بئله منیم اؤز گولوم
گل - گل - گل - آی قیز بئله جئیران سؤگیلیم
دورگل، دورگل آی قیز بئله منیم اؤز گولوم

Ceyran sevgilim (oğlan-qız deyişməsi)

Bəstəkar: ustad Əli Səlimi
Şair: Fərhad İbrahimi
Xanəndə: Ağayə Yədulla Zeyvə
və xanım Qənnadi

Oğlan:

Küçəmizdə gəzən qız
Sona kimi süzən qız
Qara telin darayıb
Qası üstə düzən qız,

Kor qurupu:

Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm
Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm

Qız:

Yolumda durma oğlan
Boynunu burma oğlan
Mənə hər dəm söz atıb
Özünü yorma oğlan

Kor qurupu:

Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm
Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm

Oğlan:

Nə gözəl qamətin var
Üzün ay kimi parlar
Gözlərin şövlə çəkib
Can evimi alovlar

Kor qurupu:

Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm
Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm

Qız:

Mənə söz atma oğlan
Qaş-göz oynatma oğlan
Şirin-şirin danışib
Məni aldatma oğlan

Kor qurupu:

Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm
Gəl-gəl-gəl-gəl ay qız belə ceyran sevgilim
Dur gəl, dur gəl ay qız belə mənim öz gülüm

Pəxş: Radyo 1341

جئيران سۇگىلىم
Ceyran sevgilim



خومار گۆزلىرىن

بىستە كار: ەلى سلىمى
شاعىر: فرهاد ابراهىمى
خوانندە: خانم فاطمە قنادى

آى باخشىن منى درده سالىيدىر
خومار گۆزون تايىم الدن آلييدىر
نئچە ايلدى گۆزوم سنده قالييدىر
آلييدىر جانىمى خومار گۆزلىرىن
تۆكۈبدور قانىمى خومار گۆزلىرىن

سن باخاندا گونش گولور آى گولور
چىچك گولور چمن گولور چاى گولور
اۆلكەم، ائلىم، باھار گولور ياي گولور
آلييدىر جانىمى خومار گۆزلىرىن
تۆكۈبدور قانىمى خومار گۆزلىرىن

گول دوشىر جلوھدن باخسا اوزووھ
بولبول لر رشك اندىر شىرىن سۆزووھ
«فرهاد» حىيران قاليب خومار گۆزووھ
آلييدىر جانىمى خومار گۆزلىرىن
تۆكۈبدور قانىمى خومار گۆزلىرىن

Xumar gözlərin

Bəstəkar:Ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə:Fatimə Qənnadi

Ay baxışın məni dərdə salıbdır

Xumar gözün tabım əldən alıbdır

Neçə ildir gözüm səndə qalıbdır

Alıbdır canımı xumar gözlərin
tökübdür qanımı xumar gözlərin.

Sən baxanda günəş gülür ay gülür

Çiçək gülür, çəmənlər gülür, çay gülür

Ölkəm, elim, bahar gülür, yay gülür

Alıbdır canımı xumar gözlərin
tökübdür qanımı xumar gözlərin.

Gül düşər cəlvədən baxsa üzünə

Bülbüllər rəşk edir şirin sözünə

"Fərhad" heyran qalıb xumar gözüne

Alıbdır canımı xumar gözlərin
tökübdür qanımı xumar gözlərin.

Pəxş: Radyo 1340

يوردوموز

بسته کار: علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

چۆللرینده «نوروز گولو» چيخاندا
قوشلار سسی اور کلری یاخاندا
کۆنوللرده «ياتمیش سؤدا» اويادير
چايالاريندا جوشغون سولار آخاندا

چيچکلردن صفاليدير يوردوموز
گۆزل، سرين هاواليدير يوردوموز

سورولرين ياماجلاردا خوش سسی
ائشيدنده، آرتير اينسان هوسی
غملی کۆنول سئوينديرير گلنده
چوبانلارين، توتەیی نين نغمەسی

چيچکلردن صفاليدير يوردوموز
گۆزل، سرين هاواليدير يوردوموز

قیز – گلينلر بولاغ اوسته گئدنده
اوغلانلارين، عقلين حئيران ائدنده
نيشانلی قیز، قاييداندا بولاقدان
آداخلي سی، اونون يولون گودنده

چيچکلردن صفاليدير يوردوموز
گۆزل، سرين هاواليدير يوردوموز

کۆنول باغلاميشيق اونا بنادان
گۆزه ليکده باشدير هر ائل اوبادان
«آذربايجان سؤيملی بير مکان دير»
يادگاردير بو سؤز آتا بابادان

چيچکلردن صفاليدير يوردوموز
گۆزل، سرين هاواليدير يوردوموز

Yurdumuz

Bəstəkar:ustad əli səlimi

Şair: Fərhad ibrahimi

Xanəndə:fatimə qənnadi

Çöllərində "Novruz gülü" çıxanda

Quşlar səsi ürəkləri yaxanda

Könüllərə "yatmış sevdə" oyadır

Çaylarında sakit sular axanda

Çiçəklərdən səfalıdır yurdumuz

Gözəl, sərin havalıdır yurdumuz

Sürülərin yamaclarda xoş səsi

Eşidəndə artır insan həvəsi

Qəmli könül sevindirir gələndə

Çobanların tütəyinin nəğməsi

Çiçəklərdən səfalıdır yurdumuz

Gözəl, sərin havalıdır yurdumuz

Qız-gəlinlər bağa seyrə gedəndə

Oğlanların ağlın heyran edəndə

Nişanlı qız qayıdanda bulaqdan

Adaxlısı, onun yolun güdəndə

Çiçəklərdən səfalıdır yurdumuz

Gözəl, sərin havalıdır yurdumuz

Könül bağlamış ona binadan

Gözəllikdə başdır hər el-obadan

"Azərbaycan sevimli bir məkandır"

Yadgardır bu söz Ata-Babadan

Çiçəklərdən səfalıdır yurdumuz

Gözəl, sərin havalıdır yurdumuz

یوردوموز
Yurdumuz



آنا وطن آذربایجان

بسته کار: استاد علی سلیمی

شاعیر: فرهاد ابراهیمی

خواننده: فاطمه قنادی

آذربایجان، اؤزون کیمی، گؤزلیر آدین سنین
صفالیدیر کوشنلرین، داغلارین وقارلی دیر
یا یاقلارین جنت کیمی گزمه لی، گول-چیچکلی
اوو لاقلی دیر مئشه لرین، آغاجلارین بارلی دیر
آنام منی سنده دوغوب، دلیلم سنده آچیلیب
سازیم- سؤزوم، آندیم سنسن، گونوم سنده ساچیلیب
سن سیز منیم حیاتیتم یوخ، آنام! دوغما مکانیم!
ائلر سندن ایله هام آلیر، شانلی آذربایجانیم!

دورنالارین قاتار - قاتار گؤی لرینده دولانیر
یاشیل باشلی سونالارین، گؤل لرینده اویناییر
بره لرده جئیران لارین، سورو - سورو اوتلاییر
دره لرین سرین سولو، بولاقلارین قایناییر
آنام منی سنده دوغوب، دلیلم سنده آچیلیب
سازیم- سؤزوم، آندیم سنسن، گونوم سنده ساچیلیب
سن سیز منیم حیاتیتم یوخ، آنام! دوغما وطنیم!
ائلر سندن ایله هام آلیر، شانلی آذربایجانیم!

Ana vətən Azərbaycan

Bəstəkar:ustad əli səlimi

Şair: Fərhad ibrahimi

Xanəndə:fatimə qənnadi

Azərbaycan, özün kimi, gözəldir adın sənin
Səfalıdır kövşənlərin, dağların viqarlıdır
Yaylaqların cənnət kimi gəzməli, gül-çiçəkli
Oylaqlıdır meşələrin, ağacların barlıdır

Anam məni səndə doğub, dilim səndə açılıb
Sazım-sözüm, andım sənsən, günüm səndə saçılıb
Sənsiz mənim həyatım yox, Anam! Doğma məkanım!
Ellər səndən ilham alır, şanlı Azərbaycanım!

Durnaların qatar-qatar göylərində dolanır
Yaşıl başlı sonaların, göllərində oynayır
Bərələrdə ceyranların, sürü-sürü otlayır
Dərələrin sərin sulu, bulaqların qaynayır

Anam məni səndə doğub, dilim səndə açılıb
Sazım-sözüm, andım sənsən, günüm səndə saçılıb
Sənsiz mənim həyatım yox, Anam! Doğma məkanım!
Ellər səndən ilham alır, şanlı Azərbaycanım!

آنا وطن آذربايجان
Ana vətən Azərbaycan

Handwritten musical score for the song "Ana vətən Azərbaycan" (Motherland Azerbaijan). The score is written on ten staves, with the first eight staves containing the melody and the last two staves being empty. The notation includes treble clefs, a key signature of one flat (B-flat), and a 4/4 time signature. The melody is written in a single line, with various musical notations such as notes, rests, and accidentals. The score is marked with "music" and "Canto" in several places, indicating different sections or parts of the song. The final measure of the melody is marked with "A-B" and "Fine".

The musical score is handwritten on ten staves. The first eight staves contain the melody, while the last two are empty. The notation includes treble clefs, a key signature of one flat (B-flat), and a 4/4 time signature. The melody is written in a single line, with various musical notations such as notes, rests, and accidentals. The score is marked with "music" and "Canto" in several places, indicating different sections or parts of the song. The final measure of the melody is marked with "A-B" and "Fine".

منله دانیش

بسته کار: اوستاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

گل ای منیم یاریم یولوندا دیر گۆزوم چو خدان
یو خدور سنسیز هئچ قراریم گول اوزونو گۆروم بیر آن

یازمیشام من اۆز قانیملایا
سنه اورک محبتیم

سئوگیم سنسن، اینان گیلن
سن سیز یو خدور سعادتیم

سئوگیم سنسن، اینان گیلن
سن سیز یو خدور سعادتیم

یادیندا دیر سۆز وئرمیشدین «نوروز گولو چیخان زامان»
«گۆروشریک باغچامیزدا» «منله دئییب دانیشارسان»

هاردایا قالدی وعدهن، سۆزون
بیرده سنی گۆرمه دیم من

هاردایا قالدی وعدهن، سۆزون
بیرده سنی گۆرمه دیم من

بس نئجه اولدو قراریمیز
سنله دئییب — گولمه دیم من

Mənlə danış

Bəstəkar:ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə:fatimə qənnadi

Gəl ey mənim yarım yolundadır gözüm çoxdan
Yoxdur sənsiz heç qərarım gül üzünü görüm bir an

Yazmışam mən öz qanımla
Sənə ürək məhəbbətim

Sevgim sənsən, inan gیلən
Sənsiz yoxdur səadətım

Sevgim sənsən, inan gیلən
Sənsiz yoxdur səadətım

Yadımdadır söz vermişdin "Novruz gülü çıxan zaman"
"Görüşərik bağçamızda" "mənlə deyib danışarsan"

Harda qaldı və,dən-sözün
Birdə səni görmədim mən

Harda qaldı və,dən-sözün
Birdə səni görmədim mən

Bəs necə oldu qərarımız
Sənlə deyib gülmədim mən

منله دانیش
Mənlə danış



دیل آچدی وطن

بسته کار: علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

یوردومدا گون دوغدو آچیلدی سحر
قارنلیق گئجه دن، قالمادی اثر
گونشین شوقیله دیل آچدی وطن
آزادلیق نغمه سین اوخور بولبول لر

نه گۆزل دیر ائلیم، نه شیریندیر دیلیم
آنا وطنیم آذربایجانیم
دیل آچدی وطن، بزندی چمن، هر یاندا گولور لاله - یاسمن

وقارلی داغلارین یادا سالیرام
یاشیللیق لاریندان ایلهام آلیرام
حسرتین قلبیمی سیخاندا هر آن
گۆزللیکلرینه حئیران قالیرام

نه گۆزدیر ائلیم، نه شیریندیر دیلیم
آنا وطنیم آذربایجانیم
دیل آچدی وطن، بزندی چمن، هر یاندا گولور لاله - یاسمن

Dil açdı vətən

Bəstəkar:ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə:fatimə qənnadi

Yurdumda gün doğdu açıldı səhər
Qaranlıq gecədən qalmadı əsər
Günəşin şövqiylə dil açdı vətən
Azadlıq nəğməsin oxur bülbüllər
Nə gözəldir, nə şirindir dilim
Ana vətənim, Azərbaycanım
Dil açdı vətən, bəzəndi çəmən,hər yanda gülür lalə-
yasəmən

Viqarlı dağların yada salıram
Yaşıllıqlarından ilham alıram
Həsrətin qəlbimi sıxanda hər an
Gözəlliklərinə heyran qalıram
Nə gözəldir, nə şirindir dilim
Nə gözəldir, nə şirindir dilim
Dil açdı vətən, bəzəndi çəmən,hər yanda gülür lalə-
yasəmən

دیل آچدی وطن
Dil açdı vətən

Allegro
music

The musical score is written for piano and voice. It begins with a treble clef, a key signature of one flat (B-flat), and a 6/8 time signature. The tempo is marked 'Allegro'. The piano part starts with a series of eighth and sixteenth notes, creating a rhythmic melody. The vocal part enters in the second measure with a single note, followed by a series of eighth notes. The score includes first and second endings for both parts. The piano part features various musical notations, including slurs, ties, and dynamic markings like 'cresc.' and 'dim.'. The vocal part is marked 'canto' and includes a 'Fine' marking at the end.

2. canto music

1. 2. Fine

شوکتہ آلفیش

بسته کار: استاد علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی
* شوکتین ایلک دفعه ایرانا گلیب
کنسرت وئرمه سینین مناسییتله

سن ای آذر ائل لرینین هنرلی قیزی
خوش گلیب سن سونا بولبول بیزیم دیارا
صاف اورکله سنی سئویب آلفیشلا بیریق
فخر ائدیریک قازان دیغین هر افتخارا

شیرین سؤزوم صحبتیم
سنسن شانیم شوهر تیم
ایلهم آللام سسیندن
آذر قیزی «شوکت» یم

فرح وئرن او خوش سسین اورک سئوندیر
اوخو هر آن، قوی یا یلسین سسین هر یانا
سن ای آذر ائل لرینین بخته ور قیزی
آوازی نلا فخر قازان آذربایجانا

شیرین سؤزوم صحبتیم
سنسن شانیم شوهر تیم
ایلهم آللام سسیندن
آذر قیزی «شوکت» یم

كاش گلەسىز، قوناق بىزە ھەر آيدا - ايلده
قىرىلماسىن دوستلۇغوموز، اولسون پايدار
خوش آوازىن ائشيدىسىن لىر ھامى بوائلده
قالسىن خلقىن، خاطىرىندە اۆلۈم يادگار
شېرىن سۆزۈم سىجىتىم
سەننى شانىم شەرتىم
ايلھام آللام سىنىدىن
آذر قىزى « شوكت » ىم

Şookətə alqış

Bəstəkar:ustad əli səlimi

Şair: Fərhad ibrahimi

Xanəndə:fatimə qənnadi

* Şokətin ilk dəfə İrana gəlib konsert
verməsinin munasibətiylə

Sən ay Azər ellərinin hünərli qızı
Xoş gəlmisən sona bülbül bizim diyara
Saf ürəklə səni sevib alqışlayırıq
Fəxr edirik qazandığın hər iftixara
Şirin sözüm-söhbətim
Sənsən şanım-şöhrətim
İlham allam səşindən
Azər qızı "Şokət"im

Fərəh verən o xoş səsin ürək sevəndir
Oxu hər an qoy yayılsın səsin hər yana
Sən ey Azər ellərinin bəxtəvər qızı
Avazınla fəxr qazan Azərbaycana
Şirin sözüm- söhbətim
Sənsən şanım-şöhrətim
İlham allam səşindən
Azər qızı "Şokət"im

Kaş gələsiz, qonaq bizə hər ayda-ildə
Qırılmasın dostluğumuz, olsun paydar
Xoş avazın eşidsinlər hamı bu eldə
Qalsın xalqın, xatirində ölməz yadgar
Şirin sözüm- söhbətim
Sənsən şanım-şöhrətim
İlham allam səşindən
Azər qızı "Şokət"im

دسته گول

بسته کار: علی سلیمی
شاعیر: فرهاد ابراهیمی
خواننده: فاطمه قنادی

آدی دوشموش دیلدن دیله شانه وورموش قارا تئله
گۆردوم گلیر گوله - گوله یار الینده بیر دسته گول

گۆرچک اونو اولدوم حئیران تاپیلارمی بئله جئیران
کۆنلوم ائوین ائتدی ویران یار الینده بیر دسته گول

خیالیم ترک ائتمز اونو اونون تک بیر گۆزه ل هانی
گلدی عشقیم ازل - سونو یار الینده بیر دسته گول

باغچالاردا سوسن گۆردوم گول تئلینه دوزن گۆردوم
سونا کیمی سوزن گۆردوم یار الینده بیر دسته گول

Dəstə gül

Bəstəkar: ustad Əli Səlimi

Şair: Fərhad İbrahimi

Xanəndə: fatimə qənnadi

Adı düşmüş dildən-dilə
Gördüm gəlir gülə-gülə

şana vurmuş qara telə
yar əlində bir dəstə gül

Görcək onu oldum heyran
Könlüm evin etdi viran

tapıların belə ceyran?
yar əlində bir dəstə gül

Xəyalım tərk etməz onu
Gəldi eşqim əzəl- sonu

onun tək bir gözəl hanı?
yar əlində bir dəstə gül

Bağçalarda süsən gördüm
Sona kimi süzən gördüm

gül telinə düzən gördüm
yar əlində bir dəstə gül.

Dəstə gül

Moderato
Music

Canto

Music

Canto

Music

Canto

Music

Canto

Canto

Canto

Fine

ایش وقتی دیر

شاعیر: فرهاد ابراهیمی)
بسته کار: صفر علی جاوید
خواننده: رشید وطن دوست

انقلابین «گور» سسیندن
بو قورتولوش نغمه سیندن
ائل لریمیز ، آلیر ایلهم
آزادلیغین، جیلوه سیندن
رهبر ده بیر، صفار ده بیر
زaman دئییر ، ایش وقتی دیر

یوردوموزو، آباد ائدک
باغلیلقدان، آزاد ائدک
سارای لاری ویران قویوب
یئنی حیات ایجاد ائدک
رهبر ده بیر ، صفارده بیر
زaman دئییر، ایش وقتی دیر

ای خلقیمیز، گؤستر قدرت
دشمنلره وئرمه فرصت
یادلارا باش اگمه مک ایچون
بیزه ایشدیر، بؤیوک نعمت
رهبر ده بیر، صفارده بیر
زaman دئییر، ایش وقتی دیر

İş vaqtıdır

Şair: Fərhad İbrahimi
Bəstəkar: səfərəli cavid
Xanəndə: Rəşid vətəndust

İnqilabın "gür" səsindən
Bu qurtuluş nəğməsindən
Ellərimiz, ilham alır
Azadlığın, cəlvəsindən

Rəhbər də bir, səflər də bir
Zaman deyir, iş vaqtıdır.

Yurdumuzu abad edək
Bağlılıqdan azad edək
Sarayları viran edək
Yeni həyat icad edək

Rəhbər də bir, səflər də bir
Zaman deyir, iş vaqtıdır.

Ey xalqımız, göstər qüdrət
Düşmənlərə vermə fürsət
Yadlara baş əyməməkçün
Bizə işdir, böyük ne,mət

Rəhbər də bir, səflər də bir
Zaman deyir, iş vaqtıdır.

Tehran: 1358

اردبیل

گلین گئدک اردبیلله گزمه یه
یا ییلاقلاردا، سولاریندا سؤزمه یه
یورغونلوق دان، پوزغونلوق دان بئزمه یه

ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

سرعین نین «گؤل» لرینده، چیمک بیز
«آغری» لاری، قوواق جاندا ای عزیز
یمک لری - ایچمک لری، تر - تمیز

ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

شورابیلین گجه لری سریندیر
اوزمه یه وار یئری، سانما دریندیر
دوستلاریله گزمگ اوردا شیریندیر

ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

ساوالاندا داغچیلارین کروانی
یا ییلاقلاری شوقه سالیر اینسانی
فیندیقلی سی، سرداواسی، هر یانی

ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

شیخ صفی نین بقعه سینی گۆرمه یه
اوردا نئچه خئیر - دوعا وئرمه یه
چوخ یاراشیر بوردا عۆمور سورمه یه
ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

خوش مزه دیر، بال - قایماغی کره سی
یئمه لی دیر، سوت - قاتیغی، فره سی
تپ تزه دیر گؤورتی سی - تره سی
ذوق و نشاطین یئری دیر اردبیل
تویون - بساطین یئری دیر اردبیل

Ərdəbil

Gəlin gedək Ərdəbilə gəzməyə
Yaylaqlarda, sularında süzməyə
Yorğunluqdan, pozğunluqdan bezməyə
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

Səreyinin" göl" lərində, çimək biz
"ağrı" ları qovaq candan ey əziz
Yeməkləri, içməkləri tər-təmiz
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

Şorabilin gecələri sərindir
Üzməyə var yeri, sanma dərindir
Dostları ilə gəzmək orda şirindir
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

Savalanda dağçıların karvanı
Yaylaqları şövqə salır insanı
Fındıqlısı, sırdavası, hər yanı
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

Şıxsəfinin büqəsini görməyə
Orda neçə xeyir-dua verməyə
Çox yaraşır burda ömür sürməyə
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

Xoşməzədir, bal,qaymağı, kərəsi
Yeməlidir,süd-qatığı, fərəsi
Təbtəzədir göyətsi-təəsi
 Zövq o nişatın yeridir Ərdəbil
 Toyun-bəsatın yeridir Ərdəbil.

انقلاب نسلی

بسته کار: استاد علی سلیمی

شاعیر: فرهاد ابراهیمی

اجرا: تبریز 1358

قاینا بیب جوشوروق چشمه لر کیمی

بوی آتیب دولوروق مئشه لر کیمی

بیر ده اسارته، قویما ریق بویون

دنیزلرده داشان لپه لر کیمی

انقلاب نسلی بیک، عصیان نسلی بیک

سارای لار اوچوردان، توفان نسلی بیک

قارانلیق گئجه دن، چیخدیق سحره

سسیمیز اوجالدی، آیا اولکره

ظلمتله دؤیوشوب، غلبه چالیدیق

یول آچدیق، ایشیغا، آیدین گونلره

انقلاب نسلی بیک، عصیان نسلی بیک

سارای لار اوچوردان، توفان نسلی بیک

دوشمنله ووروشان اللریمیز وار

خلقین اوره گینده سنگریمیز وار

دؤیوشده ووقارلی، شانلی یوردومدا

سؤزوندن دؤنمه یین انلریمیز وار

انقلاب نسلی بیک، عصیان نسلی بیک

سارای لار اوچوردان، توفان نسلی بیک

İnqilab nəslİ

Bəstəkar:ustad Əli səlimi
Şair: Fərhad ibrahimi
İcra: Təbriz:1358

Qaynayıb coşuruq çeşmələr kimi
Boy atıb doluruq meşələr kimi
Bir də isarətə qoymarıq boyun
Dənizlərdə daşan ləpələr kimi
 İnqilab nəslirik, üsyan nəslirik
 Saraylar uçurdan, tufan nəslirik

Qaranlıq gecədən, çıxdıq səhərə
Səsimiz ucaldı Aya ülgərə
Zülmətlə döyüşüb, qələbə çaldıq
Yol açdıq, işığa, aydın səhərə
 İnqilab nəslirik, üsyan nəslirik
 Saraylar uçurdan, tufan nəslirik

Dümənlə vuruşan əllərimiz var
Xalqın ürəyində səngərimiz var
Döyüşdə vıqarlı, şanlı yurdumda
Sözündən dönməyən əllərimiz var
 İnqilab nəslirik, üsyan nəslirik
 Saraylar uçurdan, tufan nəslirik

شاهین لریم

شاعیر: فرهاد ابراهیمی
بسته کار: صفر علی جاوید
خواننده: یعقوب ظروفچی

یئنه وطن گۆی لرینده
شاهین لریم وورور جولان
پولاد قانادلارین چالیر
وورور کئچیر اولدوزلاردان

شاهین لریم گئجه - گوندوز!
یورلمادان اوچون هر آن!
«قارتال» کیمی ماوی گۆگده
شکار ائدین «قوزغون» لاردان!

بو دؤیوشده ائل لریمیز
بیر جان کیمی دایانیبلار
یورلمايان ال لریمیز
چوخ ظفرلر قازانیبلار

شاهین لریم گئجه - گوندوز!
یورلمادان اوچون هر آن!
«قارتال» کیمی ماوی گۆگده
شکار ائدین «قوزغون» لاردان!

دئیین قودوز آمریکایا
بورا شیرلر دیاری دیر
هر بیر قاریش تورپاغیندا
بیر شهیدین مزاری دیر

شاهین لریم گئجه - گوندوز!
یورلمادان اوچون هر آن!
«قارتال» کیمی ماوی گۆگده
شکار ائدین «قوزغون» لاردان!

Şahinlərim

Şair: Fərhad İbrahimi
Bəstəkar: Səfərli Cavid
Xanəndə: Yəqub Zülfüci

Yenə vətən göylərində
Şahinlərim vurur cövlan
Polad qanadların çalır
Vurur keçir ulduzlardan

Şahinlərim gecə-gündüz!
Yorulmadan uçun hər an!
"Qartal" kimi mavi göydə
Şikar edin "quzğun"lardan!

Bu döyüşdə ellərimiz
Bir can kimi dayanıblar
Yorulmadan əllərimiz
Çox zəfərlər qazanıblar

Şahinlərim gecə-gündüz!
Yorulmadan uçun hər an!
"Qartal" kimi mavi göydə
Şikar edin "quzğun"lardan!

Deyin quduz Amrikaya
Bura şirlər diyarıdır
Hər bir qqrınc torpağında
Bir şəhidin məzarıdır

Şahinlərim gecə-gündüz!
Yorulmadan uçun hər an!
"Qartal" kimi mavi göydə
Şikar edin quzğunlardan

شاهین لریم
Şahinlërim

Allegro Mus

ff

Can

mf

Mus

ff

Can

mf

tr

The musical score is written for a piano and voice. The piano part is in the key of B-flat major (three flats) and 4/4 time. It begins with a treble clef and a key signature of three flats. The tempo is marked 'Allegro'. The music is divided into two main sections: 'Mus' (instrumental) and 'Can' (vocal). The 'Mus' section starts with a forte (*ff*) dynamic and features a series of eighth and sixteenth notes. The 'Can' section begins with a mezzo-forte (*mf*) dynamic and includes a melodic line with a trill (*tr*) at the end. The score is written on ten staves, with the piano part on the first five and the vocal line on the last five. The lyrics are in Persian and Azerbaijani, with the title 'Şahinlërim' appearing at the top.

This image shows a page of musical notation for a piano piece. The music is written on ten staves, each beginning with a treble clef, a key signature of two flats (B-flat and E-flat), and a 3/4 time signature. The notation includes various musical symbols such as notes, rests, and dynamic markings.

Key features of the notation include:

- Staff 2:** A dynamic marking of *f* (forte) is present below the staff. Above the staff, the word "Mins" is written.
- Staff 8:** A dynamic marking of *mf* (mezzo-forte) is present below the staff. Above the staff, the word "Can" is written.
- Staff 9:** A dynamic marking of *mf* (mezzo-forte) is present below the staff.

The music consists of various note values, including eighth and sixteenth notes, and rests, connected by slurs and beams. The overall style is that of a classical piano score.



عسگرين وداع سي

شاعير: فرهاد ابراهيمي
تنظيم آهنگ: يعقوب ظروفجي
خواننده: يعقوب ظروفجي

گئديرم جبهه يه حلال ائت مني
عزيز آنا، شير اوركلي مهربان
گئديرم قورويام عزيز وطني
ياغي لاردان، قودوز لاردان بو زامان

انقلابين گونلريندن يادگار
آغزي قورلو توفنگيمي وئر منه
اونو بير ده باسيم جان تک باغريما
اود ياغديريم سنگرلردن دوشمنه

آداخليما دئ گؤزله سين يولومو
قايداريق ظفرلرله گلريک
سينديراريق ياغي دوشمن بئليني
تويوموزو، ائل ايچينده ائلريک

انقلابين گونلريندن يادگار
آغزي قورلو توفنگيمي وئر منه
اونو بير ده باسيم جان تک باغريما
اود ياغديريم سنگرلردن دوشمنه

Əskərin vidası

Şair: Fərhad İbrahimi
Bəstəkar: Yəqub Züfərci
Xanəndə: Yəqub Züfərci

gedirəm cəbhəyə halal rı məni
 əziz Ana, şir ürəkli mehriban
 gedirəm qoruyam əziz vətəni
yağılardan, quduzlardan bu zaman
 İnqilabın günlərindən yadigar
 Ağzı qorlu tufəngimi ver mənə
 Onu bir də basım can tək bağrıma
Od yağıdırım səngərlərdən düşməne

Adaxlıma de gözləsin yolumu
 Qayıdaraq zəfərlərlə gələrik
 Sındıraraq yağ düşməni belini
 Toyumuzu, el içində elərik
 İnqilabın günlərindən yadigar
 Ağzı qorlu tufəngimi ver mənə
 Onu bir də basım can tək bağrıma
Od yağıdırım səngərlərdən düşməne.

Tehran: 1359

جهاد وقتى دیر

شاعیر: فرهاد ابراهیمی
بسته کار: صفر علی جاوید
خواننده: یعقوب ظروفچی

بیزه امک وئرن، چوخ آی لار - ایل لر
وطنیم سسله ییر: امداد وقتى دیر
یادلارین اسیری، اولموش نسیل لر
هارایلیر، سوسمه بین فریاد وقتى دیر

سؤیله ییر، دوشمنه وئرمه بین آمان
بیزلری ییخماغا ائتمه سین گومان
امپریالیسم الین، کسمه یه بوردان
سنگرلر ائتمه یه ایجاد وقتى دیر

داغیتسا هر یانی ائتسه ده ویران
بویاسا هر یانی ائیله سه آل قان
کورد، بلوچ، تورکمن، آذری آسلان
عرب، فارس قارداشیم، جهاد وقتى دیر

Cahad vaqtıdır

Şair: Fərhad İbrahimi
Bəstəkar: Səfərli Cavid
Xanəndə: Yəqub Züfərçiyev

Bizə əmək verən, çox aylar-illər
Vətənim səsləyir: imdad vaqtıdır
Yadların əsiri, olmuş nəsil
Haraylır susmayın fəryad vaqtıdır

Söyləyir, düşməni verməyini aman
Bizləri yıxmağa etməsin guman
Empiryalizm əlin, kəsməyə burdan
Səngərlər etməyə icad vaqtıdır

Dağıtsa hər yanı etsə də viran
Boyasa hər yanı eyləsə al qan
Kürd, Bəluç, Türkmən, Azəri aslan
Ərəb, Fars qardaşım cahad vaqtıdır.

Pərx: Rədyo 1361

بہمن بایرامی

آی لار اؤتور، ایل لار اؤتور
زامان کئچیر، دایانمادان
خاطیرلر، دوشور یادا
اٹل یوخودان، اویانمادان

او گونلر کی، اٹل بیر اولدو
دیل بیر اولدو، ال بیر اولدو
آیریلیق لار چیخدی یاددان
اورکلره سئوینج دولدو

غیرت قانی، جوشا گلدی
صداقتله قوشا گلدی
سون قویولدو غفلتله
یامان گونلر باشا گلدی

سن ای بہمن ووقاریمیز
قیشدا گولن باہاریمیز
دونیا «تبریک» دئییر بیزه
گولشن اولوب دیاریمیز

Bəhmən bayramı

Aylar ötür, illər ötür
Zaman keçir, dayanmadan
Xatirələr, düşür yada
El yuxudan, oyanmadan

O günlər ki, el bir oldu
Dil bir oldu, əl bir oldu
Ayrılıqlar çıxdı yaddan
Ürəklərə sevinc doldu

Qeyrət qanlı, cuşa gəldi
Sədaqətlə qoşa gəldi
Son qoyuldu qiflətlərə
Yaman günlər başa gəldi

Sən ey bəhmən viqarımız
Qışda gülən baharımız
Dünya "təbrik" deyir bizə
Gülşən olub diyarımız.

İcra: seda və sima/ Tehran 1382

اردبیل

ساوالان دیر سنه دایاق دؤرد بیر یانین گوللو یایلاق

دسته - دسته هر طرفدن ائللر گلیر سنه قوناق

ووقارلی داغلارین واردی اردبیل

صفالی باغلارین واردی اردبیل

گول چیچکلی کؤشن لرین، چؤل لرین

سرین بولاقلارین واردی اردبیل

دادلی بالین - قایماغین وار اونلاردان هیچ دویماق اولار

جئیران گزن چؤللرینده اورک سئون اوولاغین وار

ووقارلی داغلارین واردی اردبیل

صفالی باغلارین واردی اردبیل

بول محصوللو کؤشن لرین چؤل لرین

سرین بولاقلارین واردی اردبیل

سرعین نین گؤرمه لیدیر اوردا عؤمور سورمه لی دیر

سولاری هر درده درمان سئویب کونول وئرمه لی دیر

ووقارلی داغلارین واردی اردبیل

صفالی باغلارین واردی اردبیل

بول محصوللو کؤشن لرین چؤل لرین

سرین بولاقلارین واردی اردبیل

شورابیلین گئجه لری گؤزللرین، گؤروش یئری

اورک آچیر سئویندیریر بورا قوناق گلن لاری

ووقارلی داغلارین واردی اردبیل

صفالی باغلارین واردی اردبیل

بول محصوللو کؤشن لرین چؤل لرین

سرین بولاقلارین واردی اردبیل

Ərdəbil

Savalandır sənə dayaq
Dəstə-dəstə hər tərəfdən

dörd bir yanın güllü yaylaq
Ellər gəlir sənə qonaq

vuqarlı dağların vardır Ərdəbil
səfalı bağların vardır Ərdəbil
gül çiçəkli kövşənlərin, çöllərin
sərin bulaqların vardır Ərdəbil.

Dadlı balın-qaymağın var
Ceyran gəzən çöllərində

onlardan heç doymaq olar?!
ürək sevən oylağın var

vuqarlı dağların vardır Ərdəbil
səfalı bağların vardır Ərdəbil
Bol məhsullu kövşənlərin, çöllərin
sərin bulaqların vardır Ərdəbil.

Səreyinin görməlidir
Suları hər dərdə dərman

orda ömür sürməlidir
sevib könül verməkdir

vuqarlı dağların vardır Ərdəbil
səfalı bağların vardır Ərdəbil
Bol məhsullu kövşənlərin, çöllərin
sərin bulaqların vardır Ərdəbil.

Şorabilin gecələri
Ürək açır sevindirir

sevgilərin, görüş yeri
bura qonaq gələnləri

vuqarlıdağların vardır Ərdəbil
səfalı bağların vardır Ərdəbil
Bol məhsullu kövşənlərin, çöllərin
sərin bulaqların vardır Ərdəbil.

موغان

عطيرلى گوللرين وار مست ائدير هر عاشيغى
ائليمين ووقاريسان اۆلكه مين ياراشيغى
آل الوان گئيينرلر قيزلارين - گلينلرين
ايش وقتى چۆل - كۆشنى بزه يير او گوللرين

آراز آخير قالتان قالتان ايچيندن سوواريلىر دۆرد بير يانين آى موغان
نعمت ياغير اكين - بيچينلريندن چيچك آچير تورپاقلارين آى موغان

گوموش تك پامبىقلارين گونده ريلير هر يانا
قيزيل تك بوغدا لارين آد قازانير ايرانا
«باغلارين» بول ميوه سى آغيزدان گئتمز دادى
هر سوفره يه بزكدير هر يئرده واردير آدى

آراز آخير قالتان قالتان ايچيندن سوواريلىر دۆرد بير يانين آى موغان
نعمت ياغير اكينيندن بيچندن چيچك آچير تورپاقلارين آى موغان

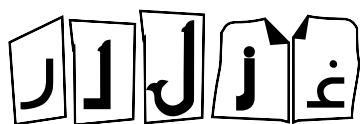
Muğan

ətirli güllərin var	məst edir hər aşiqi
Elimin viqarısan	ölkəmin yaraşığı
Al əlvən geyinirlər	qızların-Gəlinlərin
Iş vaqtı çöl-kövşəni	bəzəyir o güllərin

Araz axır qaltan-qaltan içindən	suvarılır dörd bir yanın ay
	Muğan
Ne,mət yağır əkin-biçinlərindən	çiçək açır torpaqların ay
	Muğan.

Gümüş tək pambıqların	göndərilir hər yana
Qızıl tək buğdaların	ad qazanır İrana
"bağların" bol meyvəsi	ağızdan getməz dadı
Hər süfrəyə bəzəkdir	hər yerdə vardır adı

Araz axır qaltan-qaltan içindən	suvarılır dörd bir yanın ay
	Muğan
Ne,mət yağır əkin-biçinlərindən	çiçək açır torpaqların ay
	Muğan.



ĞƏZƏLLƏR

تیر هیجرین

تیر هیجرین گؤزہلیم، کؤنلومه مین یاره ووروب
رحم سیزدیر نئجه گؤر، یاره لرین هاره ووروب
آلمایب «عشق و وفا» رسمینی بیردم نظره
ائله بیل یاره لرین دشمن غداره ووروب
بویانیب لاله کیمی قانینه شان-شان دلینیب
سان کی گول غنجا سینی باد خزان خاره ووروب
سوروشان یوخدور، او ظالیم، بو قدر تیری ندن
یوخسا بیر یئر یوخودو، بو دل بیمارہ ووروب؟
غم هیجرینله ده بیچاره کؤنول مونس اولوب
سان کی خلوت گئجه، پروانه اؤزون نارہ ووروب
بو غم عشق، منیم، گؤر نئجه «فرهاد» کیمی
طبل روسوالیغیمی کوچه و بازاره ووروب

دی گلسین

ای باد صبا وئر خبر اول یاره، دی گلسین
رحم ائت منه اول یار دل آزاره، دی گلسین
اؤلدوردو منی محنت هیجرانی، آماندیر
تعجیل ائله سین بیر ده او مه پاره، دی گلسین
سالمیش جانیمی درده، گئدیب تاب و توانیم
بو دردییم اوچون ائیله مه یه چاره، دی گلسین
اولدوم گئجه لر حسرت همدم داخی بوندان -
آرتیق، گونومو ائیله مه سین قاره، دی گلسین
«دیوانه» خطاب ائتدی منی خلق، غمینده
چوخ ووردو منه دیلر ایلن یاره، دی گلسین
یاز گلدی، چیچک گولدو، چمن لاله بوروندو
بو گوئی چمنه، جانب گلزاره، دی گلسین
دونیا ییغیلا، طعنه وورا، دؤنمه رم اوندان
منصور کیمین، گر چکیلیم داره، دی گلسین
«فرهاد» ییم اول، خسرو شیرین زمانین
داغلاردا منی، قویماسین آواره، دی گلسین

آلدانما

ای کۆنول، هر دلبرین، آلدانما خوش سیماسینا
دیل وئریب، بئل باغلاما، سرو قد رعناسینا
یاخشی باخ، گۆر باطنینده، وار نه لر، اول مه وشین
اویما بیر ظاهر ده کی، سن، چهره زیباسینا
هر گۆزل، اهل وفا اولماز، بونو عالم بیلیر
گئت سینا، اول وفاسین، سونرا دوش سوداسینا
عشق دریاسی دریندیر، بیلمه سن اوزگونچولوک
غرق اولارسان بینوا، دوشمه اونون دریاسینا
عشق دیر جوهر حیاته گرچی، اما اولماسا -
گر صداقتله وفا، سالما باشین، غوغاسینا
گۆر نئجه «مجنون» دوشوب «لیلا» یولوندا چؤلله
تک دئییل مجنون وفاده، قیل نظر لیلاسینا
صید صیاد هوس اولما اؤزون بیرگؤزله، سن
عقل هر حکم ائیلهسه، گئت وئر قولاق آواسینا
دفتر «عشق» و «وفا» نی، سن ده، ای «فرهاد»، اوخو
درک قیل هر نکته سین، دقتله باخ معناسینا

فیکر هیجرین

فیکر هیجرین گۆزەلیم ائتدی منی دیوانه
قالماییب تاب و توان منده داخی هیجرانه
بیلیمیرم چاره ندیر، وصلینه ای شوخ، منیم
فرقتیندن گۆزومون یاشی دۆنوب عمانه
شمع عشقین اودونا، حسرتله من یانیرام
بئله یانماقلیغا، حیرتده قالیب پروانه
من سنین بولبولونم، گلشن عشقیندی، یئریم
قویما بایقوش تک، اول مسکنیمی، ویرانه
خستهی عشقینم ای گول، منه گل رحم ائيله
اول پرستار یئتیر، دردیمی سن درمانه
اۆلدورورسن ده اگر، اۆلدور! اۆزون دفن ائيله
کوی عشقینده منی، قویما گۆره بیگانه
من «فرهاد»ی گولوم گۆر نجه «شیرین» عشقین
آدیمی دیلله سالمیش ائيله یب افسانه

بیزیمدیر

بوندان بئله ساقی «خم» میخانه بیزیمدیر
میخانه بیزیم، باده و پیمانه بیزیمدیر
ایللرله دؤزوب، آتش هجرانینه یانددیق
«خوشبخت» بیزیک، ایندی کی جانانه بیزیمدیر
وصل اولدو میسر داخی بوندان سورا ای دل
«جانانه» بیزیم، «زلف» بیزیم، «شانه» بیزیمدیر
«گول» فصلیدی، داغلار بورونوب لاله، چمنده -
«بولبول» اوخویان نغمه‌ی مستانه بیزیمدیر
«زاهد» دئییر «عشق» ایله «خم باده» نی ترک ائت
چون باغ «ارم»، «حوری» افسانه، بیزیمدیر
بیلیمیر داخی بیچاره کی، او، عشق یولوندا
شوق ایله یانان اودلارا پروانه بیزیمدیر
ساقی، تۆک ایچک باده‌نی «فرهاد» ایله چونکی
اول «دل» کی اولوب غملره بیگانه بیزیمدیر

خوش گلیب

دئییرله، یارگلیب، خوش گلیب، صفا گتیریب
جفانی ترک قیلیب، عهدینه، وفا گتیریب
فراق دردینه دوشموش، بو کؤنلومه، او طبیب
قبول زحمت ائدی، وصلینی دوا گتیریب
چمنده بولبول شیدا، اشیته یین بو سؤزی
گلیبدی ذوقه اودا، شور ایلن نوا گتیریب
او شاه حوسنه، گئدا کلبه سی اولوب مسکن
اونی ترحومه، بو قلب بی نوا گتیریب
جهان گولور اوزومه، غم لیم چیخیب یاددان
اومیدی «تؤخفه»، منه چون او، مهلقا گتیریب
منه دئییرلر او عاشیقلر، ایندی خوشبختم
کی طالعیم منه چون بختی بی ریا گتیریب
آماندی دوشمویه سن ذوق شعردن «فرهاد»
اگر چی طبعین ائوی، وصلدن ضیاء گتیریب

زولفون

دوزنده سئوگيليم يان - يانه زولفون
دؤندريير باغريمي آل قانه زولفون
اولور كؤنلوم كي مي هر دم پريشان
سپهنده يئل سني ن هر يانه زولفون
آرتيريير حسنونو، اولدو قجا هر آن
جمالين شمعي نه پروانه زولفون
بو قدری تۆكمه چوخ، گۆز قارشى سيندا
گوناهدير گؤرمه سين، بيگانه زولفون
بو يازيق كؤنلومو، هر باخديقيجا
نئجه گؤر ائيله يير، ديوانه، زولفون
آچير آل غارته، اؤز لشگري له
ائدير جانيم ائوين، ويرانه زولفون
ترحم ائيله مير، من بي نواني
سالي ر يوسف كي مي، زيندانه زولفون
نئجه «فرهاد» ي، اي شيرين دوران
گتيرميش ناله و افغانه زولفون!

قاچیرام

قاچیرام، هر اورهیم سؤدی، یاردان قاچیرام
باغریمی قان ائلهین، نازلی نیگاردان قاچیرام
بیر زمان عاشق ایدیم، هر گۆروشه، هر گولوشه
اوندا گۆر هارداییدیم، ایندیجه هاردان قاچیرام
بولبول ایدیم، نه ائدیم، دوشدو خزانیله ایشیم
ایندی بایقوش کیمی، هر باغ و باهاردان قاچیرام
«آشنا» سالدی منی قرب و نظردن، اودو کی،
«آشنا» گوردو گیجه، ایندی کناردان قاچیرام
منی تحقیر ائلهدی، بس کی، بو نیفرتلی دیار
گۆزلریم یاشلی، بو نیفرتلی دیاردان قاچیرام
لیک بونلارلا یئنه، عهد ده «منصور» م من
بیلمه بیهوده کی من، قورخولو «دار» دان قاچیرام
دئمه «فرهاد» گئیدیر، هریانا گئتسم ده اینان
من قیزیل قوش کیمینم، سانما که ساردان قاچیرام

قوجالديق

ساقى وئر ايچك، بادهنى مستانه، قوجالديق
باک ائيلمه، تۆك، دولسا دا پيمانه، قوجالديق
هر باش سيز - آياق سيزلارا گل بيلمه، برابر
سن بيزلرى كى، بؤيله «فقيرانه» قوجالديق
مى سيز، مزه سيز، ايللر يميز بير بيرين اؤتدو
«يار» ين تئلينه، وورما يارق شانه، قوجالديق
«صياد» زمان «صيد» ائله دى بيزلرى، افسوس
مؤحن تله ساليب، گوشه زيندانه، قوجالديق
ظولمه - سيمه قارشى دوروب، دورانى سوردوك
باش آيمه يهرك، ظاليم دورانه، قوجالديق
يئر توتماق اوچون، دنيا دا «حق» ايله «عدالت»
«منصور» ساياغى، دار دا گليب جانه، قوجالديق
«زاهد» ائله دى بيزلرى «تكفير» نه قورخو؟!
بيز ده، ساياراق سؤزلرين «افسانه»، قوجالديق
گرچى قارا دوراندا، بئله بو گودگ عؤمرو
صرف ائيله ديك انسانليغا - انسانه، قوجالديق
بير قايدادير، انسان اولان، اؤز عهدىنى، دانماز
عهد اوسته دوروب، عرصه ده مردانه، قوجالديق
يوردوق قوجا دونيانى، باشا چاتدى جاوانلىق
شادىق يئنه «فرهاد» كى، حكيمانه قوجالديق

باخیش

سئوگیلیم، قلییمه، سانجیر اوخو جئیران باخیشین
خاصه اول وقتى کی، هردن سوزولور، یان باخیشین
تالاییر هر یئر دوشدو کجه، او، « اود» یانیدیر اراق
قوپاریر هر دؤنه ده مین کره طوفان باخیشین
گؤزلرین، یاغی کیمی، دائمی قان تۆکمهدیدیر
قویما ناحق یئر تۆکسون، بو قدر، «قان»، باخیشین
معصیت دیر بئله باخماق، گؤزهلیم خلق آرا -
قورخورام بیر ده سنه، ووردورا «بؤهتان»، باخیشین
بیخدین عاشیق لر ائوین، تاپمادی بیر کیمسه آمان
قویما بوندان سورا، ائولر قیلا ویران، باخیشین
گؤرورم، فیتنه توره تمکده دیر آنجاق هله ده
قویا جاق دیر دیه سن، مین لری گریان، باخیشین
من اؤلنده گلە سن، باشیمین اوسته سن اگر
بیل کی «فرهاد» ی، دیریلدر یئنه، ای جان، باخیشین

شهریار ایله گوروش

اوستاد شهریارین تالار رودکی ده، 21 آذر چیشیشینین
مناسبتنه کی آنا دیلینن آياغیندان زنجیرلرین
گوتورلمه سینی طلب ائله دی...

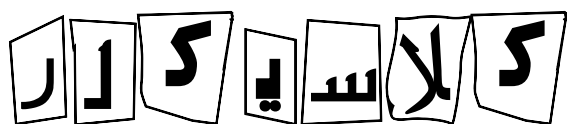
ائوی آباد اولایارین، بیزی ده یاد ائله دی
اورهی شاد اولای، گلدی بیزی دلشاد ایلدی
باغری قان اولموش ایدیق، غصه هیجراندا او یار
شوق وصل ایله کؤنول غصه دن آزاد ائله دی
«شاختا» دان دونموش ایدیق، قیشدا «گدیک» لرده یقین
گلدی حیدربابا «تونقالین» ی ایجاد ائله دی
باده عشق ایله دولدوردو، او بوش جامیمیزی
قیلدی سرمست بیزی قئیدن آزاد ائله دی
گلدی «منصور» کیمی، دار آياغیندا دایانیب
دوردو میداندا، «نالحق» دییه فریاد ائله دی
وئردی «یلدا» گئجه سینده، «سحر» ین موژده سینی
«گونش» ین بایراغینی آلدی اله، داد ائله دی
آذرین خاطیره سین، بیزده دیریلدی، او حکیم
بیر ده، «زرتشت» تک، آتشکده بونیاد ائله دی
اوچوروب کؤهنه سارایلار، چوروموش آییده لر
یئرینه، تازه بینالار تکیب آباد ائله دی
«شهریار» یم کی ادب مولکونه سلطانلیق ائدیر
«سلطنت» رسمینی پوزموش، طلب «داد» ائله دی
آیری سالمیشدی بیزی، جور زمان شیریندن
تیسه وئرمیش اله خسرو، بیزی «فرهاد» ائله دی

تهران آذر 1355

ای شمع

اردییلین بؤیوک نثر یازاری
الف- نورانلی(فرمان)نین دونیادان
کؤچمه مناسبتینه...

من کیمی، سن ده، نه آرام یانیرسان ای شمع!
آغلاییب، گاه گولوب، گاه دایانیرسان، ای شمع!
ایسته میرسن، بیلیرم، آیریلیغی دب قویاسان
بیزی ترک ائتمه یه، اوندان، اوتانیرسان، ای شمع!
بللی دیر، آیریلیغین درد، یامان بیر «درد» دیر
اوندان اؤترو، دایانارکن، یوبانیرسان، ای شمع!
اود وورور جانلارا، هر دم سنین او، لال باخیشین
آغریلی جان کیمی، جاندان اوسانیرسان، ای شمع!
«سرو» بویلوم کیمی، هردن آلیشیب- دارتیناراق
اوج آلیرسان، اوجالارکن، اوزانیرسان، ای شمع!
بو اؤلوم رقصینه، سون قوی، بو قدر یاخما منی
یوخسا «فرهاد» ی ده، «فرمان» می سانیرسان، ای شمع!



KLASİKLƏR

دورنالار

گۆی اوزونده يئنه قاتار چکييسيز
بئله خوش گنديرسيز هارا دورنالار!
گۆزل گۆزلريزي، يئره تيکييسيز
قارشى گلمه يه سيز، سارا دورنالار!

بیر لحظه دايانين گۆيون اوزونده
سئيرک بولودلارين، دره دوزونده
بیر من عاشيقين، اورک سۆزونده
رحم ائدين، يئتيرين يارا دورنالار

سؤيله ييم سيزه من، سؤيله يين اونا
عشقينده دؤزه رم هر بير يامانا
سن ده، محبتدن، بيرآن ای سونا
بو يازيق قلبيمي آرا، دورنالار!

هيچراندا گول رنگيم ساراليب سولوب
باهار بولودو تک گۆزلريم دولوب
حسرتله هر زامان، گوندوزوم اولوب
آي سيز گئجه لر تک، قارا دورنالار!

حالینی سورا رام هر بیر گلندن
صبادان، بولوددان، گۆروب بیلندن
عشقینی هئچ زامان اونوتما رام من
چکسه لر دیلیمدن دارا، دورنالار

آرزومدور اولاسان بختیار سنی
عهدینده، عشقینده، دوز ایلقار سنی
حۆرمته تانییا، هر دیار سنی
یئته آرزون باغی بارا، دورنالار!

سورسانیز کیمدیر او، سئوگیلیم منیم
اودلار دیاری دیر، دوغما وطنیم
من اونا بولبولم، اودور گولشنیم
وورلموشام او، گولزارا دورنالار!

گۆزل لر ایچینده تاپیلماز تایی
حوسنو حئیران قویوب گونشی - آیی
اونو سئولرین بیلیمز سایى
«فرهاد» ام او شیرین یارا دورنالار!

اوزون چيمن منظومه سندن بير پارچا

ياز فصلی طبیعت بزمین قوراندا
سئیری - صفاسی وار اوزون چمنین
یایین ایستی گونو جان لار یوراندا
سیرین هواسی وار اوزون چمنین

هر یانی گزمه لی هر یئری چمن
بنؤوشه باش اییر گولور یاسمن
دایانیب حئیرتله سئیر ائدیرم من
گؤر نه سیماسی وار اوزون چمنین

نرگیس خومار باخیر ساچیر عطرینی
ساری گول نازلانیر آچیر چترینی
شعرین هر مصراعین، هر بیر سطرینی
یازار معناسی وار، اوزون چمنین

لاله لر قیزاریر «قاناووز» کیمی
یئل اسیر اویناییر گلین قیر کیمی
چیمین لپهلنیر بیر دنیز کیمی
سانکی دالغاسی وار اوزون چمنین

بیلدیرچین لرله اؤتوشور توراج
بوردا موسیقیه یوخدور احتیاج
اینسان بو بساطه قالیر هاج و واج
شیرین لای - لاسی وار اوزون چمنین

هر بیر گؤروشونده مین کؤنول آچان
ماوی گؤیلرینده دورنالار اوچان
بولاقلار اوستونده خوش عطیر ساچان
یارپیزی، یاسی وار اوزون چمنین

«جایی»ی بوروین چمن چۆللرین
دادلی «گۆبه‌له‌یین» گۆزل گوللرین
دریب پای وئرنده بی‌زیم ائللرین
سوغاتی ساییلار اوزون چمنین

طبیعت یاراتمیش بیر لاله‌زاردیر
هر بوجاغیندا مین خاطیره واردیر
آتادان - بابادان بیر یادیگاردیر
باشدا غوغاسی وار اوزون چمنین

سازاغی قارارسیز، دورمادان اسن
سانکی ایلک گۆروشه، عاشیق تله‌سن
یارین یوبانماسی صبرینی کسن
سۆگی، سؤداسی وار اوزون چمنین

آخشام چاغی، ساغیلاندا اینلر
ساج اوستونده، پیشیر «ایبک» چۆرکلر
قورت گلنده هارای سالار کوپکلر
جنگ و دعواسی وار، اوزون چمنین

سورولری «آرخاج»لارا سالاندا
قویون - قوزو، یاتیب دینجین آلاندا
چوبانلار اوخویوب - توتک چالاندا
ساکیت اوباسی وار اوزون چمنین

صبا قوخلا یاندا، نرگیس قوخوسون
بولبول تعریفله‌ییر، گوله یوخوسون
«فرهاد»ین شعرینی عاشیق اوخوسون
گۆر نه نواسی وار اوزون چمنین

آی قیز

سن دردون اؤنومده گؤزو- کؤنلو توخ
موژهندن گؤزومه سانجیلدی بیر اوخ
اؤزون کی جئیران سان، اوندا سؤزوم یوخ
آدین دا «جئیران» سا دی بیلیم آی قیز!

* * *

سئوگی اورمانیندا سانکی شیمشادسان
سئودا دیاریندا، غمدن آزادسان
اووا اوخشاسان دا، اؤزون «صیاد» سان
دئمک قیزیم سان!، یوخ سئوگیلیم، آی قیز!

* * *

اوزوندن ساچیلیر حیاتین نورو
باخیشین، گولوشون، گونشدن دورو
قولاج ساچلارینلا قامتین قورو
آلنی نین ترینی گل سیلیم، آی قیز!

* * *

گؤزلیک باغی نین سولماز چیچهیی
طرلانلار جمعی نین گؤزل - گوچهیی
گل اول، سن، فرهادین - شیرین دیلهیی
عؤمرومون یازیندا بولبولوم آی قیز!

رباعی لر

گلیب فریاده، ناقوس زمانه
کی بسدیر گلمه یین، میلّت، فغانه
هامینیز بیرلشین کیم قدر تیزدن
پوزولسون بو نظام ظالمانه

یئتیدیر چون، دوداغه جانی خلقین
اوجالمیش گوئلره، افغانی، خلقین
اؤدر ویرانه، حتماً کاخ ظولمو
گلیبدیر چونکی جوشه قانی خلقین

چوخ ائتدیم ناله و فریاد، سن سیز
اور کدن اولمادیم بیر شاد، سن سیز
بیلیرسن هئج، سن، ای شیرین دوران؟
غمینده اولموشام فرهاد سن سیز؟

اور کدن سئومیشم جانانی چو خدان
دوداغی، غنچه‌ی خندانی، چو خدان
بئله عهد ائتمیشم اول کی گوندن
اونا قوربان وئرم، بو جانی چو خدان

ائده‌یدیم سیر، «دواری» سن ایله
گؤره‌یدیم «بخت بیدار» ی سن ایله
تاپا‌یدیم سولمایان بیر خوش باهاری
گزه‌یدیم، باغی - گلزاری سن ایله

سئور بولبول گلستانی گول ایله
بنفشه، لاله، نرگس، سونبول ایله
سئویرم من ده، شانلی یوردوموزدا
اوخویا بولبولو شیرین دیل ایله

بایاتی لار

عزیزیم گیلَه ناری
در، تَکله گیلَه ناری
مونجوق کیمی سینه نندن
دوز، آسلا، «گیله ناری»

من عاشیق بولبول کیمی
گول کیمی بولبول کیمی
دارخیرام، قفسده
داربخان بولبول کیمی

اوزون ساواشیم منیم
چوخ دئیل یاشیم منیم
حسرتله، آیریلیقدا
آغاریب باشیم منیم

عزیزیم های دوشنده
اوبایا های دوشنده
یادیم سن دوشور سن
سو ایچره آی دوشنده

عزیزینم «گول بوت»
کۆینه‌یینده «گول بوت»
اوینایردین گولوردو
سینه‌ن، اوسته، گول بوت

عزیزیم قار، «آياز»ی
سریندیر قار، آياز
یازیلاندا، یازیلار
من اولدوم «قارا یازی»

عزیزیم، قارا یازی
آغ یازی، قارا یازی
بؤلگوده منیم پاییم
اولوبدور «قارا یازی»

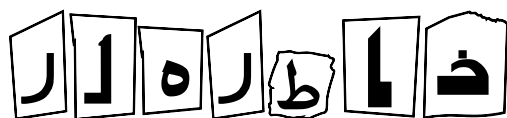
یا‌یلاغین سرینلیین
آرانین درینلیین
بیر دویونجا دادمادیم
حیاتین شیرینلیین

عزیزینم گول گلدی
خزان فصلی گول گلدی
یاردان گلن مکتوبون
آراسیندا «گول» گلدی

عزیزیم مندن ایراق
دوشوبسن مندن ایراق
جانیمآ آغری چؤکوب
خستهیم، سندن ایراق

عزیزیم سنه یارام
«قنیم» یوخ، سنه «یار»ام
هیئچ مرحم ساغالتماییب
باغلیدیر سنه «یارام»

عزیزیم هارای اولدو
قورد گلدی هارای اولدو
دومان چؤکدو بیلمه دیک
هارا «کول»، «هارا» «یول» دو



XATİRƏLƏR

اولكر صمد

«صمد بهرنگی» نین دونیادان کۆچمه سینین

ایل دۆنومو مناسییتینه...

«آی سیز» بیر گنجهدی، هر یئر، قاپ قارا
گۆز، گۆزو گۆرموردو، یاخیندان، بیر آن
گۆیون رنگی اولموش، قورقوشوم کیمی
اولدوزلار ایتیمیشدی، گۆز قارشیسیندان

هر یانا، ائله بیل «قیر» یایمیشدیلار
بايقوشلار سسیدی، اوچوق دام - دووار

سیلدریم یوللاردان، اوزاق مقصده
«کروان» دا اوز توتوب یولون گئیدیدی
بوغونتو ایچینده، حیرت ایچینده
حاقلی اولدوغونو ثابت ائدیردی

زامان دا، دورمادان اؤتوب کئچیردی
ظولمتین بویونا کفن بیچیردی

بئله بیر گنجهده، بئله زاماندا
قارا گۆی اوزونده، گۆروندو «اولکر»
هامی کروانچی لار هامی یولچولار
با خیب بیر بیریندن، سوال ائتدیلر:

گۆره سن «گون» چیخیب «گوندوز» اولاجاق؟!
«قارانلیق»، «ظولمتین»، رنگی سولاجاق?!!

بیری گولومسہیب بیردن دئدی کی:
«بو ایشیق، بو زامان، هاردان ساچیلیر»؟!
بو خبر یاییلدی، دولدو کروانا
دئیہ سن، یولداشلار، سحر آچیلیر!

بلی «صمد» ایدی، او پارلاق «اولکر»
خلقین گنجہ سینده آچیلیمیش سحر

خلقین یوللاریندا، کروانچی لارا
«صمد» «اولکر» ایدی قارانلیق گنجہ
«بہروز» «یول چیراغی» «صمد» «آی» ایدی
حئییف کی سؤنوبدور، یوخدور ایندیجہ

خلق الدن وئرہرک ایگید اوغلونو
لاکین اوجا سسلہ سؤیلہ بیر بونو

او، اولکر سوندوسہ، سانمایین بئلہ،
«قارانلیق، ابدی غالب اولاجاق!»
سحر یاخینلاشیب، ایناناق بونا
اوزاق چکمہ یہجک، گونش دوغاجاق

ایرہلی یئریسین کروان، دورمادان!
مینلرلہ بئجّرر، خلق بونلاردان

يعقوب بى اوچون مکتوب

اوزاق - اوزاق ديارلاردان
اوجا - اوجا، قالين - قىيم دووارلاردان
كۆچموش قوشلار يوواسيندان
سسين گلدى قولاغىما
آرزولارىم گۆزگوسونده
گۆروب، اۆپدوم گول اوزونو

دالغالاردان، لىتىلردن
ئشىدرديم گۆر سىيىنى،
خوش سۆزونو
آلاردىم من، هر بير يىردن،
هر بير كسدىن سوراغىنى
عين حالدا، بىلىردىم من
بىلدىيمە امين ايدىم
آتام - بابام ساياغىندا
ائلىم - آرخام
هر اۆلكەيە قدم قويسا،
هر بير يىردە آغاچ اكسە،
او آغاجين گۆزل - گۆيچك،
خوش مزەلى بارى اولار
هر تورپاغا توخوم سېسە
او تورپاقتا،
بول محصوللار اله گلر
امينم چون،

بىلىم من، ئىلىمدە بو باجاريق، وار

هر بير زامان، هر بير يئردە

قدرت ايله، هومتييله

خاريقهلر، يارادارلار

شيرين دىللىم!

هر ائشيتجك، اورك ياخان نغمهلىرى

خوش سسىنله اوخوياندا

دۇنه - دۇنه، اۆز - اۆزومه،

دئيرم من:

بير ده آيا «يعقوب» كىمى

«يوسف» يمه چاتاچام؟!

بو آرزو ايله ياشاياركن،

ائلىم منه موژده وئير،

دئير هر آن:

داريخما سن!

شاعير اوغلوم!

آتالاردان بير ميثال وار

«گوروكن داغ، اوزاق اولماز

حق قاپيسى باغلى قالماز»

اوزون زامان چكمز يئنه

گۆر - گۆروشلر

تزهلر

آيرى دوشنلر ده گلر

«آيرىلىق» لار چاتار باشا

ديولرين عؤمور شوشهسى

اوزاق چكمز دير داشا

يئنه ده من

خياللا نيب آرزوليرام:
اجل بير آمان وئره يدى
عۆمور كروانى دورايدى
عزىزلىرىم قايداركن
بير ده گۆروب - گۆروشه يديك
قوجاقلاشيب اؤپوشه يديك
بولاقلار تك قايناشايدىق
چايلار كيمي قووشايدىق
« شالاه » لر تك جوشايدىق
اوجا داغلاردان آشايدىق
دنيزلر تك لپهلنيب، بيرداشايدىق
ماهنى دئييب،
سۆز قوشايدىق
يور دوموزا،
اثلیمزه
بالدان شیرين ديلیميزه
ماهنى لارلا، شعرلرله
باريشيقدان
سعادتدن
سۆز آچايدىق، دانيشايدىق
من يازايديم، اوخويايدىن
اثللريميز ائشيدركن
دييه يديلر دؤنه - دؤنه
بير ده بيزه
«بالا لاريم گۆزوز آيدىن
گۆزوز آيدىن»...

مکتوب

سایین حیکایه یازاری

«الف. نورانی» (فرمان) نین، بیر یوللوق

اوزاق سفره گئتمه سی مناسبتینه...

فرمان ... سلام کئفین - حالین نئجه دیر

اوردا نه سه، بوردا هله گئجه دیر

دونیا نین ایشلری نه آیلنجه دیر

نه چون بیزی برکه - بوشا سالیرلار

بلکه یئنه بیزدن، سیناق آلیرلار

فرمان داداش سنین کئفین ساز اولسون

سؤینجین چوخ، دردین - غمین آز اولسون

پاییز - قیشین باهار اولسون، یاز اولسون

بیزلردن سوروشسان، پولاد کیمین ایک

چووغوندا دا سرو و شیمشاد کیمین ایک

سن کی یالقیز گئتدین اوزاق سفره

اوره ییمیز قانا دؤندو مین کره

شیرین گونلریمیز دؤندو زهره

بو فلکین نه اوینو - ایشی وار!

آز زاماندا مین جوهره گردیشی وار

اوره ییمیز توتولاندا هر زامان

گؤروشوب ائدر دیک موشکولو آسان

دوشمن ده اولاردی بیزدن هراسان

اور كده كدرلى اوزده گولردىك
نه يىمىز اولسايدى يارى بولردىك

هاردا قالدى شىلىك هانى او صفا
«انجمن» باغلاندى سن گتدين «اورا»
سارساقلار ائيله بير يئرسىز ايدعا

«فورصت» دن نه چوخلو كام آلمادىق بىز
آز اولدو فرصت لر چوخ قالمادىق بىز

حاديثه دن چوخ بينالار لاخلادى
ويجدان بىزى پيمان اوسته ساخلادى
دوست دا بىزى دوشمن دئيب اوخلادى

حيله ايله مين بير تله قوردولار
«قارداشلارى»! بير بيرينه ووردولار
ووروشدوروب بىزى، گئنده دوردولار

دالدان بىزه خنجر ووران چوخ اولدو
وعده لر ده يالان اولدو يوخ اولدو

كئچميشلرين افسوسونو يئمهرم
زامان ظاليمينين مدحىن دئمهرم
گله جك دوشوندن من سود امهرم

گئجه نى يورارام، سحر عشقىنه
گونشى چاغىررام ظولمت كوشكونه

قلىبىمىزده اولمز محبتىن وار
اونا خوش ياراشان صداقتىن وار
هر ائوده يىغلساق سؤز - صؤحبتىن وار.

آيرىلىق آيرىلىق آمان آيرىلىق
ساغالماز بىر درددير اينان، آيرىلىق

آقىش

«رشيد بهبود» اووون ايرانا گلنده «سيزه سلام گنتير ميشم»
ماهنى سى نين مقابيلينده «خوش گليب سينييز» عنوانيله دئيىلىب...

قارداش بىر اۆلكه دن بيزيم ائللره
گلن قوناقلار، اودلو سلاملار
مهربان اوركلى، شيرين ديللره
قوجامان يوردومدان القيش، افتيخار

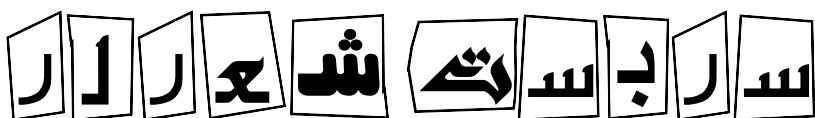
عزيز قارداشلاريم، عزيز دوستلاريم
بيزيم بو دياره، خوش گليب سينييز
درين محبتلى، دوز ايلقارلاريم
سيزلره هر زمان فخر ائديريك بيز

«رشيد»¹ ان سؤيملى عزيز قارداشيم
سنه اؤز امه يين مددكار اولسون
اۆلمز بىر هونرلى كۆنول سىر داشيم
دونيا ياشا ديقجا آدين وار اولسون

اوركلر تىتره يىر هر آندا «احسن»²
مىضرايى ووراندا تارين تئلىنه
«سگه زابل»ى چالاندا «احسن»
ياراشير تار اونون پئنجه لرينه

«چنگيز»³، «فرهاد» اؤپور گول ياناقلارين
شيرين نغمه لرين يايىلىر جانا
هر آن ترپندىكجه او بارماقلارين
افختار قازانير آذربايجانا

ايضاح: 1. رشيد بهبود اوودان منظور دور - 2. احسن داداش اوو (تار چالان) - 3. چنگيز ... (پيانو چالان)



SƏRBAST ŞERLƏR

افکار عمومی

«شاه» بوگون مجلسه آددیم باساجاق
خلق سئچمیش
ووکالار هامیسی حاضیردی
بئله دستور گلیب کی:
«بزنسین شهرین هر طرفی»
و او «دستور» اساسیندا
یئنه آسیلیب بایراقلار
بزه نیب دیوارلار
هر «دووار» دا یازیلیب:
شعر - شعار،
و گؤزل «ذکر» و «دعا»
و «سوپور» لر سوپوروبلر شهری،
تر - تمیزدیر هر یان!
«پاسبان» لار دا، گودور هر طرفی
خلق حئیرتله تماشایه چیخیب
و یول اوستونده دوروب «آماده»!
«او» اوچون صف چکرک
ال ده چالیرلار
تا کی دنیا بیله «افکار عموم»
بو گئیش ایراندا
هله ده «شاه» سئوهرک
عؤمر سورور!

و بو تورپاق و عزیز شانلی وطن
آخی یارب نه قدر خیردا بؤیوک
«شاه» گؤره چک!

نە خبر وار يئنه ده ؟!

«پلاکارد»لار آسیلیب
یول - یولاقلار کسلیب
یئلئیر بایراقلار
خیابانلار چالاسی دولدورولوب
سو سپیر «دوکان» اؤنوندە یئنه «کاسیب کار»لار
بیر ده بازار بزه نیب
هره اؤز دوکانی نین شیشه سینه
بیر موقدس یازینی آسلا یاراق
اؤزون اؤیدورمک اوچون
فخر ساتیر!

«...»لر برلی - بزکلی
گئینیبلر
«لوطو»لار دورلو - دوزکلی،
آرالاردا دولانیرلار
«باج» آلا رکن سولنیرلر
هر طرفده سسلنیر سازلا کامانچا

دوزولوب «خان» ایله خونچا

پایلانیر نقل و نبات

بیر نئجه آج یالاواج دا،

بیرک چیتمه چالیب اویناییر اوردا

پاسییانلار دا آت اوسته گزیشیر میداندا

رادبودا چالینیر مارش «چال - اوینا»

تئلویزیون دا وئیریر «موزدون آل اوینا»

نوحه خانلار اوخویور نوحه لرین

سینه زن لر ده وورور دسته آرا سینه لرین

باش یارانلاردا

یاریر باشلارینی

بیر قوجا یاشلی قادین

او بیریندن سوروشور «نه خبر وار یئنه ده»؟!

جواییندا دئییلیر:

«دئیه سن شاه گله جک»!

ياساق

باخيرام هر طرفه
گۆز اؤنونده گۆرونن
قويودور، ديواردير
يازيليپ هر يئرده قيرمیزی خط ايله
دينمه...!
دانشما...!
باخما...!
يومگينان گۆز لرینی
گۆرمه يه سن
يول هارا - کول هارادير!

دئيه سن،
يازيليپ طالعيمة
نه قدر عؤمروم وار
من، ياساقلارلا
دؤزوب،
عؤمرو باشا وور مالييام!

انگیز سیون

یئنه کشیش لر، «عدالت» آدیلا،

«تانری» دئییه!

غضبله ییغوا ییغیرلار.

یئنه اودون یئرینه کلیسالار اوجاغیندا،

و یا...

شهرلر آرا

اودلانیر کیتاب - یازیلار

فیکیرلرین اثری، تونقال ایچره

«توستو»! اولور

و بیر ده «جور دانو بورنو»

آلاو دا یاندیریلیر!

یئنه «دری» لر ایچیندن،

چیخاریلیر «شیطان»

یئنه ده «جین» قوولور «حلاجین»

وجودوندان!

یئنه گونش دانیلیر،

یئر ده چرخدن دایانیر!

یئنه «گالیله» دوروب محکمه ده «توبه» ائدیر

یئرین دولانماسینی اینکار ائدرکن،

آند ایچیر «او»!

یئنه ده «سقراط» آلیب، شوکران جامین الینه،

دوروب حیات ایله سون لحظه ده،
 «ویداع»! ائيله بیر
 و بیر ده، بوردا
 ارن قهرمانلار هییتله
 دوزولموش یان - یانا،
 اللرده «قازما» حیرتله
 هره اؤز هئیکلینی دورمادان،
 بیخیب داغیدیر
 و... خلق «حسرت» ایله،
 صحنه یه نظاره قیلیر!
 و... باغبان،
 الینده «بالتا» توتوب،
 اؤزو الیله،
 او ایللر بویو مشقتله
 بئجردییی آغاجی، بار وئرن زاماندا،
 بیخییر!
 و یا «اسیر» لری دسته - دسته ،
 صحنه آرا
 عیناد ایله بئجه ریب «نشئه»! ائتمه دن سونرا،
 «گلادیاتور» لار تک
 وورش دورورلا
 کی تا،
 بیر - بیرین بوغوب - بوداسین
 و خلقه «حاکم» اولانلار، بو صحنه دن «کیفور»!

سئودا روياسى

گۆزەلیم!

روياده

سنی، رسامه دئدیم

بئله تصویر ائيله سین!

دوداغی نازیکدیر،

«لاله» یارپاغی کیمی

نفسیندن باهارین گوللری نین عطری ساچیر

یاناغی سانکی،

یازین ایلکین قیزی نوروز گولودور

کی لطافتده، طراوتده،

سحرکن چمن اوسته اوتوران،

شئلره بنزر

یئریشی کهلییی حیرتده قویوب

گولوشو بولبولو حسرتده کی،

آواز اوخوسون

گۆزلى نرگىسە آداب خومار باخماغى
اۋيرتمەدەدیر

تئللىرى بارلى بولوتدور،

ائله بیل

تۆكولنده اوزونه،

گۆزلى «اولكر» تك،

بويلاناراق

يئنه جئيران باخيشى

عاشيقه موزده وئير،

وصل گونون

* * *

بۇيله بير حالتده،

اوياناركن يوخودان

دئيرم اۆز - اۆزومه:

كاش رسام اولايديم من ده

قلم اعجازى ايله،

سنى تصويره چكيپ

بيرده حيرتده قويايديم هامينى.

آنام ياتيب

باجيم شيرين خانيمين باش داشينا
كيچيك اوغلونون تاپشيريغي اساسيندا

بیر عؤمر تر تۆكن،
گنجه - گوندوز، قاراسيز
ناز ايله بيزلری بؤيودن،
نازين آنام
تورپاقلا قول - بويون ياتاراق،
بوردا قبيرده
يالقيز قويوب بيزی،
گنديب او مهربان گؤزل
* * *

يورغون ياتيبدی،
ساکيت اولون!
بلکه دينجهله
«شيرين» ديل ايله دينديره او،
بیر ده بيزلری
شايد بیر آن دا، «گؤر - گؤروش»
بیر قوناق گله.

گئجه

نه اوزوندور بو گئجه،!
ذیل قارانلیق، چکهرک پرده سینی،
هر یئرە حاکیم اولوب،
سس سیزلیک!

آی باتیب،
اولدوزلار ایتیپ!
چن بورویوب،
هر طرفی
گۆز - گۆزو گۆرمور!
* * *

زینقیروسیز دوهلر
"سروانسیز"
ایتیریپ مقصدینی،
یول دؤیه رک
قورو کۆشلرده،
ایتی قانقاللار آرا
آزغین، حئیران،
دولانیرلار!

* * *

و... "شهر" ساکیت،
سۆنوک "آتشکده" تک
غرق اولوبدور،
یوخو دریاسیندا
* * *

سس-سمیر یوخ
ایاقلار کسلیب،
"گل-گتدن"
آرادان بیر، اؤتوشور،
بايقوشلار.
گاه دا "ایت" لر هوروشوب،
"های" سالاراق،
پوزور "آوا" لری،
خلقین یوخوسون!
* * *

بو سحرسیز گنجده
بو قارانلیق بوروموش
بیر "یورت" دا
اولکرین بویلاماسی،
گونشین دوغماسی
"رؤیا" کیمیدیر!

ساوالان

ساوالان! قهرمانلار بئجَرَن ، ای قوجامان!
نعره چک سوسما داخی، بسدی یوخو،
بو قدر «لال» کیمی «مات» باخماگینان،
اژدها تک تۆک آغیزدان، آلووو،
قوی بوتون، داغلاری، کۆشنلری، اودلار بوروسون،
ظولمکارین، کۆکو دیدن قوروسون،
ساوالان! سوسما داخی، بیر ده چیغیر؛
بابکی سسله اویانسین، یوخودان،
اینینه قیرمیزی کۆینک گئیینیب
اله «آل بایراعین» آلسین
یئنه دوشمن صفینه ولوله سالسین
«معتصم» لر اورهیی
قانیله دولسون،
نولاجاق، هر نه قوی اولسون!
ساوالان، نعره چکیب، دونیانی تیترت،
داغلیب آیری دوشن، ائللری بیرلت،
یئنه قوی ائللریمیز، بیر صف ایلن،
بیر دیل ایلن،
هامی قارداش ائل ایلن،
قوی حیات اوسته دیکلسین، حقى اوغروندا چالیشسین،
دوشمنین رنگی سارالسن،
باشینا دنیا دارالسن.

29 بهمن گونو

مئشه‌لر، تیتره‌دی،

جوشدو دنیزلر،

تپه‌لر دیکلدی

داغلارا چاتدی،

قایالار سیچرادی، آغیر توپ کیمی،

دیددی بیر - بیرینه شاققیلتی قوپدو،

بولودلار توققوشدو،

گوئی، گورولده‌دی،

دورمادان، قان یاغدی

یاغیش یئرینه.

چایلاردان قان آخدی

کوشولتو ایله،

ائله بیل، بیر آندا «قیامت!» اولدو

یاتانلار اویاندی، یوخودان، هراس

گۆزلرینی سیلیب، دئدیله:

نولوب؟!

دوشمن ده غفیلدن بودوره‌دی بیر آن،

ائله بیل جانینا اوشوتمه دوشدو

ایاغی تیتره‌دی

اللی اسدی

«هئیکلی» ترپندی، تاجی سوروشدو

گۆزلىرىن برەلدىب دئدى:

نە سسدى !؟

آتا نعرە تپدى، قىزىمىش «نر» كىمى،
گۆزۈندىن، ئللە بىل شىمىشك چاخیلدى،
دۈشمىنن اۋۇنۇندە، دوردو ار كىمى،
ال – الە وئردى لر،

اوغول لار، قىزلار
اوشاغىن گۆرمەيە، «آنا» تلسدى
ايله بىل كى زامان

بىر آن داياندى،
بىر آغىر يوخودان، ائلىم اوپاندى
داغلار زىروەسىندە، اودلار قالاندى
«ساوالان»، «سەند» لە قووشدو بىر آن
«جان قاراداش» دئدىلر قوجاقلاشراق
سارايلا ر يىخیلدى، يئر، يىرغالاندى
قىفىللار آچىلدى،

دوداقدان – دىلدن
«بوخوو» لار آيرىلدى،

آياقدان – الدن

زنجىرلر دوغراندى تۆكۈلدۈ يئرە
گلدیلر هریاندان، گۆروش ، قصدىنە
اولو قهرمانلار، تبریز اوستونە
بابک «اوزو قانلى»، آل بايراق الدە
دورروب نعرە چکدى بىر اصلان كىمى
«کور اوغلو» «قىرات» ین مینیب «ائیواز» لا
الیندە «شش پرى» گۆروشە گلدی
«نبى» دە، چىینیندە «آینالى توفنگ»،
«هَجَر» لە ياناشى دورروب اۋتدولر
صمددە سئوینجک دورروب بو سسە
ارکین قالاسیندان قوزانیب گلدی
قوللارین آچاراق قوجاقلاشدىلار

اوردا بهروزيله گۇرۇشوب گولودو
شيخ ممد عینالی اوستونھئی چيخيب
الينده مقدس کيتاب سويله دی :
«بیر اولون آیریلیق ،گتیرر ذلت»
ظفرلر قازانار بیر اولان میللت.
بۇیوک «سردار»یم دا «باقرخان» ایله
«امیرخیز»دن گلیب میدانا ساری
دئدیله:

دوشمینن حيله لریندن،
گۆزله بین
سيزلری آلداتماسینلار.
اۆزلری مقصده چاتاندان سونرا
توولاییب یئنه ده اویناتماسینلار.
«شيخ ممد» «عینالی» اوستونه چيخيب،
الينده مقدس کيتاب سويله دی:
بیر اولون آیریلیق گتیرر ذلت
ظفرلر قازانار
بیر اولان میللت
* * *

يیغیلدی ائليمین ، قهرمانلاری
ووقارلی تبریزی، آلقیشلادیلار
دئدیله: خلقیمیز غلبه چالدى
قوجامان اۆلكه مین، شانلی خلقیمین
دنیا یا یاییلدى قهرمانلیغی
اوجا سسلرایله دئدیله هامی:
یئنه آذربایجان مۇعجوز یاراتدی!
تاریخلی گونلره بیرگون ده آرتدی.

اینقلاب سسی

گنجه اوزون،
جانیم ازگین،
روحوم یورغون،
قارانلیقدا، سوسوب هر یان،
اوزانمیشام، اوزون ایللر خسته سی تک،
تختیم اوسته

یوخو قاچیب گۆزلریمدن،
اوره ییمده قوپور، توفان!
خیالیمین دنیزینده جوشان دالغا
بیر آن منله قوجاقلاشیر
منی چکیر ساحیللردن اوزاقلاشیر
بو حالتده دایرام من،
اوزاق - اوزاق خولیلارا
زaman - زمان

بو زاماندا ، دويوخورام...!
قولا غيما بير سس گلير...
دوشونمورم نه سسي دير...!
آناشيلمير
اينيلتي دير،
سيزيليتي دير،
زاريلتي دير،
كوشولتودور،
خاريلتي دير!
قولا غيما بير سس گلير،
قارانليغين سينه سيني،
قرارسيزليق سونگوسويله،
سؤكه - سؤكه
ائله بيل كي بير كس گلير...!
دوشونورم، ياخينلاشير
آديملارين سايا - سايا،
اوره يي نين دؤيوتوسون، آنيرام من،
نفس يي نين حرارتين، قانيرام من

قولا غيما بير سس گلير!
بو سسي من، قولا غيما ايزله يرک،
اؤز - اؤزومه دئييرم كي،
گؤره سن بو نه سسي دير؟!
آستا - آستا سورونه رک،
آياق اوسته دوروب بير آن
تله سه رک باجاميزدان،
گؤز تيكيرم، گؤي اوزونه
حسرت ايله حيرتده يم...

(گۆزلو يومون شوشه لرى، دَيب داشا سينيبيدير چون،
كور قوش كيمى، گۆزوم گۆرمور)

قولا غيما بير سس گليز!
ائله بيل كى تۆله ميزده آت كيشنه يير!...
دام - دووارد،
شاققىلدايير،
اؤز - اؤزومه دئيرم من:
ائله بيل كى يئر تيتريه يير!...
ائله بيل كى ظولم اليندن،
عوصيان ائدن، ائل سسى دير!...
ظاليم لرين سارايالارين ويران ائدن،
سئل سسى دير!

قولا غيما بير سس گليز!
ائله بيل كى، اينسانلارين قوللاريندا،
زنجيرلرين جينگيلتى سى؛
بوخوولارين قيريلماسى؛
ائله بيل كى آغير - اوزون گئجه لرين،
قارا - قالين پرده سى نين،
جيريلماسى،
سسى دير بو!

قولا غيما بير سس گليز!
ائله بيل كى، بيرى منه دئير:
شاعير!
اوزاق چكمز،
بو طيليسىم سينا جاقدير

حقين، سۆنمز اوجاغيندا باطيل اولوب،
ياناجاقدير!

ای...! نسیللر قارانلیغا،
قول ساییلان،
اینسان اوغلو!

داخی یاتما، اویانگینان،
بو یوخودان
سانماگینن بو گلن سس،
چاققاللارین اولاشماسی...
خوروزلارین، بان سسی دیر!
دور آياغا گۆزونله گۆر،
دان یئری نین سؤکولمه سین
اولدوزلارین سینه گرن،
زیندان - زیندان دووارلارین،
اوچوب یئرہ تۆکولمه سین!

آلا توران آراسیندا،
کاروان یولا دوشوب گئدیر...

بو زاماندا سئوینجیمدن
سینمده گیزلنیر نفس
دوشونورم، داها یاخشی،
یاخینلاشیب قولاغیما گلن بو سس،
اینقلابین، گور سسی دیر!

دایان سرباز! ال ساخلا!

1357- جی ایلین شهر یور آیینین 17 سینده
تهراندا «ژاله» میدانیندا قوپان قیرغین مناسیبتینه...

دایان سرباز، ال ساخلا
توفنگین، چاخماغین چاخما!
نیشان گئتمه، وورب ییخما!
بیر آن فیکر ائيله گور «کیم» لر!
دوروبلار،
«کیم» لر! قارشی
بو «آهنگی» قوشان، کیم؟
هانسی «ارکستر» چالیر «مارشی»؟!

دایان سرباز، ال ساخلا
توفنگین، چاخماغین چاخما!
نیشان گئتمه، وورب ییخما!
بیر آن فیکر ائيله گور «کیم» لر...
گورورسن؟
او، الینده، قانلی بایراق، قوزایان کیم دیر،

تانیرسان؟
قارداشین آسلان!
عم اوغلون او «گول اوغلان» دیر،
سريلمیش نعشی آسفالتا!
قادینلار صف چکیب!
باخ بیر!
آنان «ترلان» قاباقجیل دیر
باجین «سولماز» یازیر دیواره:
«محو اولسون»
«اؤلوم»

دایان سرباز،
ال ساخلار!
قوهوم - قونشون، بوگون
بیرگه، گلیب میداندا
آماده،
دوروبلار اؤز-اؤزه،
سیزله
بیلیرسیز عیلتین، قارداش!
داخی «میل» گلیب جانہ
بو گون ایران باتیب قانہ
بوتون دونیا، قالیب،
حئیرتده ایرانه!

گلە لعنت جنگە

تیتەرەییڭ «شەھەر» یئەنە
دال با دال «بەمب» ایله «موشک»
الەنیر

خەلق ھەراسان، یوخودان،
اویانیب، دیکسینەرک
نەفسین جەس ئەلەییڭ
سینەلریندە،

و ساییڭ ... لەھزەلری
دەیینیر اۆز اۆزۈنە:
گلەجکدیر نە زامان؟!
دەجکدیر ھارایا؟!
آلا جاقدیر گۆرەسن؟!
کیملرین
جانلارینی!!

ھەر زامان، ھەر یئردە
سۆڭۈلۈر «بەمب» دیندە،

نە گۆزل «مدرسه»لر
و اوشاقلار دايانير،
«درس» اوخوماقدان!
يۇنەلير «جبهه»لره!
قالير علمين اوجاغى،
بیر ده اودنسوز
«سونگون»!
رحم سيز ليکله، آدام قيرغين،
«مشق» اولما ددير!

پارتلاير «بمب»
آچيلير «گولله» آمانسيز،
قيريلير اينسانلار
اوچورولور «ديوار»لار
يىخيلير كۆكلو «بينار»لار
داغيلير «كرخانالار»
پوزولور «فابريك»لر

اوزون ايللر «ولو اينسان» امه يى
«محو»
اولور بير «آن»دا
آنالار وحشتله،
باساراق كۆرپه سيني باغرينا،
سورعتله قاچيرلار!
بلکه بو تهلوکه دن قورتارالار،
«يول»لاردا آچيرلار

آتالار عاييله سين يوخلاراق
ايضطيراب ايچره ،
هر آن

حیرتله،

باش چکیب هر طرفه

دیزلری تیتیه ره رک،

اونلاری «آد» لان چاغیریلار

زمی لر تانک لار آلتیندا قالیر

باغچا - باغلار قازیلیر

بورویور هر طرفی توسو - دومان

« آرزو » لار کول اولور

آخ...!

او وقتی کی «بشر»!

بیر قودوز قورد کیمی،

دیده رک بیر - بیرینی

و بیر « اینسان »!

بیر اینسانین آلیر سون «نفسین»

«بشریت» نه قدر « آلچاق » اولور!؟

کاش بیرگون ایری خطاله یازیلا

هر یاندا:

سون قویولسون دؤیوشه!

«گله لعنت جنگه»!

ايلىغىم

من سانىردىم كى، بۇيوك داغسان سن
چون،
سنى هر آن كى گۇروردوم،
ياغىلان قارلار ايچىندە
كولك آغزىندا قالانمىش
شپه لر آلتىندا
باشى قارلى «ساوالان» تك
او ووقارلى بۇيوك «البرز» كىمى
عظمتلى گۇرونوردون گۇزومه
بنزه دىردىم
سنى گاهدان دا
خيالىمدا بير آن
قوجامان شانلى خان «اورست» ە

لاکین
نئجه کی «چن» قووالاندی،
و دومانلار آرالاندی،
چیخدی گون!
قار اریدی
شپه لر محو اولدو
اوندا گۆردوم کی، دوروب قارشیمدا
بالا جا بیر «تپه جیک»!

من سانیردیم کی گئیش «اورمان» سان
اوزون ایل لر بئجه ریسن،
نئجه مین سای سیز آغاج لار،
هر باخاندا سنین ابهتینه
مات قالیردیم
ووقار و هیبتینه
لاکین حیرتله کی دقت ائله دیم
گۆزومون آنجاق اؤنوند
«کوبر» ایدی گۆرون!

من سانیردیم کی
دنیز سن
یوخ!
یوخ!
بلکه اوجسوز - بوجاقسوز
«اوکیان» سان؟
و بوتون بارلی بولودلار
بارینی سندن آلا رکن،

سووارير داغ - دره‌نی

و حیاتی‌ن سنه‌دیر «بورجلو»

هامی اینسانلارا

و بوتون گوئی مئشه‌لر،

لاله‌لر، بنؤوشه‌لر،

گول - چیچک‌لر،

زمی‌لر،

گئن سینهنندن اؤتن،

هر آن گمی‌لر

و طبیعت سنسیر

«جانسیز» اولار

چؤل - چمنلر سارالار

یاشیل لیقلار قارالار

و حیاتیله ویداع ائیلر او دم

جانلی نبات

لاکین

حیرتله کی دیقت ائله‌دیم

گوْزومون آنجاق اؤنونده ،

گوْرونن

« ایلغیم» ایدی!

خلقىم

من اونو، سئویرم

او چوخ، اولودور

تاریخی یارادان

فیکری،

قولودور

دونیانین وارلیغی

باغلی دیر اونا

گوئیده بولودلار دا، اوندان دولودور

من،

ازلدن،

اونون سونسوز قدرتیله

او سارسیلماز هیمتینه

شانلی شهرتینه
 بیر ده تمیز نیتینه
 اینانمیشام
 هر بیر درده دؤزومونه
 دایاق وئریب دایانمیشام
 و من اونون دؤنه - دؤنه
 هر سسیله اویانمیشام
 یابانجی لار، چوخ چالیشیب
 منی اوندان اوساندرسین
 یالان - یالان، اویدوروجو،
 سؤزلریله ایناندرسین
 او گؤسترن یولدان، منی دایاندرسین
 آزدير اراق،
 وعده گاهدا یوباندرسین
 لاکین من ده، دؤزمه لی یم
 چون دویغومو اوندان آلیب
 حیاتی می
 ایسارتدن،
 نجاتی می
 اوندا گؤروب، بوی آتمیشام
 «او» من اوچون بؤیوک داغدير،
 بیر دایاقدیر
 سسیم اوندا عکس اولاندا
 دؤنه - دؤنه، قودرت تاپیب
 چوخ ظفرلر قازانمیشام
 ازل گوندن
 اودور، اونا اینانمیشام.

تاریخیمیز یازیلماقدادیر

یئر فیزلانیر
زامان دا، اؤتور
دیشیلیر ایل، آی
گونلر قووارلانیر
اینسان حیاتی، لحظه لره،
باغلی اولسا دا
«تاریخ» اؤز اینکیشاف یولون،
دورمادان آچیر
«اینسانلیق» آدلانان.
یئنئ یوکسک «سویه» ده
«غوغای روزگاردان» اوزاق
«توم» سپیر گئدیر

سای سیز «حوادث» ین اثری،
«ماجرا» اولور
چوخلو «حماسه» لر یارانیر
«بطن خلقدن»،
آنجا «قلم» لرین اثری
اولدوغو کیمی،
دوزگون یازیلماسا!
خلقیم یورولمادان،
کئچیرن «ماجرا» لرین،
دوزگون یازیب - یازاجاق
تاریخین اؤزو...

يئرسيز

يالقيز، يورلماڊان،
دولانير شهري،
دورماڊان
هر يئرده، بير «بيننا» تيكيلير،
باش، وورور اورا
آختارديغين، سوراقلاشاراق، هر «دوكان» دن
آلمير جواب ايسته يينه
ال تاپامماڊان
حسرت باخيشلاريندا
ياتيب «مين بير آرزو»
هر پنجره اؤنونده دورور،
گزديرير گؤزون
بلكه بيرى چاغيرا،
«دعوت» ائيله يه
بير دالدا لاناغا،
گئجه نى «يئر» وئره اونا

بابک

ائليمين تاريخينه، شانلى

«درک»

اۆلکه مین شائینه، گۆرکملی

«بزک»

قوجامان، یوردوما، اردملی،

«کومک»

گله جک نسلیمه، توفانلى

«گرگ»

«نسیمی» دودمانیندان،

«عارف»

قهرمانلار مئشه سیندن،

«آسلان»

غورورلار، دیاریندان،

«قافلان»

خلقیمین منلییینه،

فخر و شرفسن

«بابک»

سنی «ساتقین» لار اگر،
معتصمه ساتدی او گون
بدنین دوغراداراق،
خلق ایشینه سالدی دوگون،
ساندیلار کی، سسینی سوسدوره رک،
«غائله» ده،
چاتدی سونا!

سنی جلاد الینه تاپشیراراق،
کس دیرنده، قولونون «ساغ» طرفین،
«سول» الینله،
اوزونو،
سن بله دین قانووه
قدرتله اوژون
قویمادین یادلار ایچنیده،
آخاراق قان بدنیدن
سارالار رنگین،
اوزون
سانماسینلار کی چؤکوب،
جانیوه «قورخو»
اودور رنگین سارالیب!

آلما آغاجى

خېتىمىزدە كى، آلما آغاجىن
يىنەشۇ ۋەتتى،
اۋزۇم اكىشىدىم

بو آغاج،
اوزون ايللر بويۇ،
گول آچدى و آلما وئردى
و... منىم تك بوى اتاركن،
آد قازاندى!
بۇيودو!

نئچە ايلدن بريدير،
داھا او
نە گول آچير،
نە دە كى، بار وئير
ائله بيل من تك او دا،
قوجالاركن، قورويوبدور،
كۆكن.

تازە سۆز

تازەدن،

بىر دە يىنە،

گەتتە يىيىم مەكتەپ،

اوز دۇندەرەك

دورمادان،

يول دۇيورم!

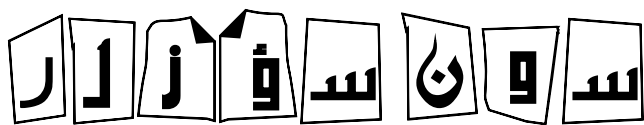
* * *

بەلكە اوردا يىنە بىر،

تازە سۆز اۋىرنىمىش اولام.

دۇئوب او تازە سۆزو،

يىتتىرم تازەلەر!



SON SÖZLƏR

من سانیرام سن بؤیوک بیر داغ سان

■ بیژن اسدی مقدم

«فرهاد» شاعری سودازده است که به شدت شیفته طبیعت اردبیل و روستایش «کورابازلی» بوده و سرشتگی‌اش با فضای روح نواز سرزمین مادری جلوه‌ای ویژه به سروده‌های وی داده است در حقیقت این ترانه‌سرای بزرگ آذربایجان درست در آنجایی به شاعری خلاق و با ذوق تبدیل می‌شود، که در هزار توی زمان کودکیش بسر برده و تصاویر زیبایی‌های دلکش آن دوران را با شامه‌ای تیز و با همه وجود، احساس می‌کند، مواردی که مناظر اسرار آمیز دامنه ساوالان بخصوص در فصل بهار و دمیده شدن روح و نقش زندگی در دیار لطیف و در عین حال سترگ آن نواحی تخیل شاعر را به تمامی تسخیر کرده و او را با خود همانند می‌نماید.

گفتنی است که خزائن حسی انباشته شده تا اوان جوانی «فرهاد» از فضای حیات طبیعی و اجتماعی کورابازلی از آن چنان حجم و غنایی بهره‌مند است که قلب و روح شاعر جوان را جز در آغوش آن تاب زندگی و حیات نیست به گونه‌ای که فراق و جدایی از این همزاد قدرتمند آنچنان هستی پرشور وی را به تلاطم در می‌آورد که از آن میان بزرگترین شاهکار ادبی تمام طول زندگی‌اش یعنی شعر «آیریلیق» در غرب شکل می‌گیرد. در واقع افسون طبیعت پیرامون، شاعر را به نحوی اسیر و دلباخته خود کرده است، که وی همواره در اضطراب مداوم جدایی از معشوق به سر برده و به عبارتی دیگر تداوم این چنین رابطه‌ای دل نگرانی اصل او را در غربت شکل می‌داده است و به همین است که پس از بازگشت به سرزمین وطنی و وصال معشوق در حقیقت مرگ عشق فرار رسیده و فرهاد خیلی زود هنگام به نقطه اوج خلاقیت شعری نائل گردیده است.

ابراهیمی، شاعر و منادی عشق و زیبایی‌های دست یافتنی است. او انسانی بسیار واقعی و ملموس بوده و به همین خاطر است که هر جا در قالب هایی غنایی و سبک ماهنی شعر سروده محصول ادبی‌اش قابل توجه و استادانه است. و در آنجایی که از

زمینه وجودی خود فاصله گرفته به سبک‌های دیگر شعر پرداخته آفریده‌هایش از قابلیت‌هایش فاصله می‌گیرد.

سراینده‌ی «آیریلیق» هیچ وقت در پی مبارزه برای در انداختن و برپایی جهانی خود خواسته و یا ایدئولوژیک نبوده و پیشتر از آن که ایده‌آلیسم عصر بتواند او را در دنیای خود پژمرده کند، دلبسته واقعیات موجود بویژه داشته‌های طبیعی محیط روستاهای آذربایجان است. به گونه‌ای که در اوج عشق صمیمت و با نهایت یک رنگی به رابطه‌ای عمیق و درونی خود با زیبایی‌های حیات واقعی خویش اعتراف کرده و در جای جای ماهنی‌ها و غزلیات خود با آن دمخور می‌باشد. و از این بابت می‌توان گفت «فرهاد» شاعری مردمی است و در عین حال مملو از فرهنگی پربار و آفرینشگر و بسیار نیرومند که به مانند چشمه‌های جوشان دامنه‌های ساوالان دائم در حال جاری شدن است. و لطافت و روانی و غنای ماهنی‌های او دست به خلق دنیایی زده است همزاد بهشت، و تالو خیال، روح و سرگستگی ذاتی موجود انسانی در کلمه به کلمه آن گاه تا به اوج فلک قامت می‌کشد. و کهکشانی از عشق و لذت به ظرافت بلور خواننده را در خود احاطه کرده و چون ساحری توانا هستی او را به خویشتن تا به بی‌نهایت به پرواز در می‌آورد.

در شاعر «فرهاد» از قلندرمایی‌های رایج در فضای شعر آذربایجان اثری نیست و در واقع در لابه‌لای آن به هیچ‌گونه خصیصه‌ای درویش مسلکی، حقیقت پرستی، نواهای شکست و تباهی و عشق‌های لاهوتی و فرا زمینی برخورد نمی‌کنیم. ویژگی‌هایی که به خودی خود بسیاری از تواناترین شاعران آذربایجان را به تباهی و حتی چون «ساهر» به مرگی خود خواسته رهنمون کرده است. به این سبب باید گفت که آفریننده‌ی «آیریلیق» شخصیتی انعطاف‌پذیر و این جهانی داشته و در سازشی کم نظیر با محیط طبیعی و اجتماعی خود زیسته است.

به گونه‌ای که در محصولات شعری ابراهیمی حتی کلماتی که دارای بار معنایی منفی هستند و فضای شعر را به تلخی و ناکامی پیوند می‌زند، از این نوع تداعی‌ها فاصله داشته و برای مثال و واژه‌هایی مثل «گنجه‌لر» حالتی دلپذیر و مثبت به خود گرفته است و این پرکاربردترین کلمه در اشعار وی به هیچ وجه مخاطب را با باز آفرینی سمبلیک سیاهی‌ها، نفرت‌ها و واهمه‌ها اندوهگین نمی‌سازد. حتی در آن جایی که قصد به تصویر کشیدن فراق و جدایی را دارد این واژه خواننده را نمی‌آزارد.

در مقام مقایسه سبک‌های ادبی بکار رفته در مجموعه اشعار ابراهیمی، باید اذعان نمود که اگر آن ربطی واسطه شاعر با طبیعت بکر و بارآور دامنه‌های ساوالان نبود بی

تردید وی به شاعری غزل سرا مبدل می شد چرا که توانایی‌اش دست کمی از ماهنی‌های وی ندارد. هر چند عشق به زیستن در مرزهای عادی زندگی حجابی برای شاعر در پروراندن و پختگی هر چه بیشتر این قالب ادبی ایجاد کرده است. افزون بر آن «فرهاد» در سبک آزاد بیشتر به مضامین اجتماعی و سیاسی پرداخته و در واقع تحت اضطراب نوعی الزام ناشی از امواج تغییرات اجتماعی به سرایش این ابیات دست زده است. و هر چند کوشش او برای بیان حس عمومی جامعه در حال تحول فضای شعری این قالب همچنان تحت نفوذ و سیطره شخصیت شاعر و برخوردار از نوع زیبایی و عشق صمیمی به حیات انسان است که صورت ناب آن را می‌توان در مرز و بومی مثل آذربایجان و اطراف سلطان ساوالان مشاهده کرد. در سروده‌های فرهاد، آرامش عمیق و پایدار موج می‌زند آرامش توأم با نوعی احساس نیرومندی و قدرت لایزال که همین به استحکام بی‌مانند شخصیت شعری وی انجامیده است تا آنجا که مثال در تصویر دوران انقلاب 57 و فضای خفقان محمد رضای پهلوی، ما شاهد هیچ گونه اضطراب و نا آرامی روحی و روانی نیستیم و ریتم شعر به گونه‌ای است که انگار اتفاق بسیار ساده‌ای در شرف وقوع است. حتی استبداد با آن همه قدرت و جبروت به چیزی گرفته نمی‌شود و شاعر اهمیت چندانی برای آن قائل نیست.

از نگاهی دیگر اشعار فرهاد، ابراهیمی روانه یا آفریندی است که در زمان حال جریان دارد و در آنها تصویر حوادث و رویدادها و زمان و مکان چندان محو و کم پیدا است که انگار گذشته و آینده را معبری برای ورود به حوزه خلاقیت شاعر نیست و پروسه آرام و متین زندگی روستایی با تمام قدرت و در لابلای ابیات آن بازآفرینی می شود گرایش خواننده در شبی آرام و در سکوت حاکم بر فضای آن بر قایقی نشسته و در دل آب خاموش به پیش می‌راند و از لحظه لحظه حیات احساس سرخوشی به او دست می‌دهد. فرهاد در بیان هویت آذربایجانی خویش استادی تمام عیار است اما هنگامی که به ابراز شاعرانه دنیای خارج مبادرت می ورزد از توانایی شعریش کاسته می‌شود و اشعار شاعر گونه بر ادبیت محصول هنری او چیره شده و بدین ترتیب وی سیاست را به جای هنری می‌نشانند و درست در آن نقطه است که ما از شخصیت واقعی شاعر دور شده و در پس نقاب قادر به تشخیص واضح سراینده «آیریلیق» نمی شویم ضمن اینکه باید یادآور شد که ابراهیمی در اوج سرکوب زبان و ادبیات به طور کلی فرهنگ و هستی تاریخی انسان آذربایجانی به سرودن شعر به زبان مادری آغاز نموده و در عنفوان جوانی به قله آفرینش ادبیش نائل گردیده است اما در همه حال (فرهاد) هم مثل دیگر شاعران و

هنرمندان دارای محدودیت‌هایی است که چهار چوبهای مکان و زمان براو تحمیل کرده و تراوشات فکری شاعر را تحت شرایط خاص مقید نموده است که گذر از آن تاکنون به هیچ آفرینش‌گری مسیر نبوده است.

به جرأت می‌توان ادعا کرد که ابراهیمی افزون بر 5 دهه جلوتر از زمان خود زیسته است به گونه‌ای که کمتر ویژگی‌های شاعران و هنرمندان زمان خود را انعکاس می‌دهد و از تفکر و روحیات دنیای دو قطبی و جلوه‌های جهان سومی آن در آثار او رد پای آنچنانی به چشم نمی‌خورد و کوچکترین وجه مشترک را با خیل هم نسل‌های خویش چه در عرصه تفکر و عمل و چه در حوزه بیان شعری از خود بروز داده است به نحوی که روی آوری او به قالب ماهنی در اوج رواج سبک آزاد شعر در زبان فارسی و حتی آذربایجان در واقع تعارضی است که در محدوده قضاوت‌های آن دوران قابل توجیه نیست اما بر عکس فرهاد بیشتر شاعر دهه‌های هفتاد و بویژه هشتاد شمسی تلقی می‌شود و با حال و هوای این دوران تاریخی و پارامترهای سیاسی اجتماعی و فکری نهفته در آن همخوانی‌سازگاری دارد و از اینروست که می‌توان شاعر را الگوی نسل جوان و امروزی معرفی کرد و بواقع در پروژه فراموشی ماندن سراینده آیریلیق به مدت نزدیک به نیم قرن خود گویای صحت این ادعاست بویژه اینکه فقط در چند سال اخیر است که شخصیتی چنین توانا و قامتی چنین استوار- حتی در شهر خود اردبیل از زیر غبار فراموش خارج شده و ما شاهد کوشش این نسل برای شناخت و معرفی دوباره این شاعر اصیل آذربایجان می‌باشیم.

شکی نیست که فرهاد اگر هم ماهنی «آیریلیق» را سروده نبود باز به دلیل عظمت منحصر به فردش جای آن داشت که در فرهنگ و زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی محلی را به او اختصاص و وی را به جزوی از هویت و کیستی آذربایجان تبدیل کرد و باز هم به دلیل توده‌ای شدن این شعر و ورود آن به میان مردم جای آن دارد که نسل جدید تندستی او را بر فراز سرزمین خود به پا دارد و در برابر قامت رسای شخصیت شاعر سر فرود آورد.

چرا که این‌ها دردانه‌های روزگارند و برای ظهور هر یک از این شاعران و هنرمندان می‌بایست که دهه‌ها و شاید قرن‌ها انتظار کشید هر چند که رجب ابراهیمی یکی از این خیل آذربایجان است که با الهام از عظمت ساوالان و در چمنزارهای فرخ و اسرار آمیز این سرزمین پای گرفته و ریشه در مدنیت سترگ آذربایجان دارد.

ترانه‌ای برای احساسات تبعیدی

■ حسین فیضی گیلانده

گاه واژه‌ای آنچنان سطوح متفاوتی از تأویل را نهان در خود پذیر است که لاجرم علاوه بر جایگاه زبانی و دستگاه آوایی - القائی، بستر و گستره‌های فرهنگی، فلسفی و حتی سیاسی را با گسستی مختص به تبار و تاریخش در خود باز می‌تاباند. در ادبیات شفاهی مردم آذربایجان شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «آیریلیق» بسامد عاطفی ندارد و این واژه با پیشینه تاریخی و سرنوشت این قوم همخوانی و همخوانی بسیار قریبی پیدا کرده است. در بسیاری از گونه‌ها و قالب‌های مختلف شعری، «آیریلیق» همسان و همسطح با مرگ قلمداد گردیده و در آهنگ‌های مردمی - عاشیقی با سوز و گدازی خاص، مرثیه گردان قسمتی از ناخودآگاه و حافظه ملی آذربایجانی‌ها بوده است.

قیزیل گول اولماییدی

سارالیب سولماییدی

بیر آیریلیق، بیر اولوم

هیچ بیر اولماییدی

از گذشته‌های دور بعد از دوره حکومت شاه اسماعیل صفوی «سیاست زمین سوخته» در آذربایجان پیامدهای خاص فرهنگی، اجتماعی داشته است که شاید مهمترین نمود و جلوه بارز آن همان جدایی، کوچ و آوارگی گسترده می باشد. این موقعیت و سیاست تلخ در دوره پادشاهان قاجار و در جنگ‌های طولانی با امپراتوری روس به شکلی دیگر چهره نمود و قراردادهای ترکمن چای و گلستان نمونه‌های تاریخی حقارت ملی و شکست و جدایی بود.

بعد از دوره مشروطیت سیاست‌های حکومت رضاخان در آذربایجان با افراط شوونیستی عبدالله مستوفی، استاندار وقت و در نهایت تحولات سیاسی، اجتماعی در دهه‌های 20 الی 40 موجب مهاجرت گسترده آذربایجانی‌ها گردید که همسو با آن واژه‌های غربت و آیریلیق سرفصلی برای بیان این همه آغاز بی‌پایان بود.

در همین دوره تاریخی چالش‌های مدرنیستی و الگوهای شهرنشینی به شیوه غرب در تقابل با سنت و معیشت روستایی، بحران‌های اجتماعی و فردی گسترده‌ای را رقم زده بود. شعر و آهنگ آیریلیق بازتاب بسیار زنده و تاثیرگذار این صحنه تاریخی است. هر چند این ترانه از جهت شعری، آهنگ و اجرا نمونه آرمانی محسوب می‌شود و در نوع خود از اهمیت هنری برخوردار است ولی کارکردهای اجتماعی - سیاسی و حتی ترنم فلسفی آن از ازل و الست خلقت ماندگاری آن را برای همیشه تثبیت کرده است.

شعر آقای ابراهیمی، آهنگ آقای سلیمی با اجراهای موفق آن دوره، اثری کاملاً مدرن و مردمی بود و خیلی سریع به حافظه ملی مردم آذربایجان سپرده شد و حتی جانی تازه به هنر موسیقی این جغرافیای انسانی بخشید و امروز موازی و همسطح با آهنگ‌های خلقی همچنان پرتراوت و شادانگر است و اصالت و استحکام دنیای هنرهای کلاسیک را داراست.

ال ي ا ز ه ا ي ا ر

س ن د ا ر

ص ح ي ف ا ر

ƏI YAZMALAR

SƏNƏDLƏR

SƏHİFƏLƏR

توشی : رجب ایام کرمه (فرخنده)

شماره - ۷۱۵ / ۷۵۵۷

آیه طبعی

فکر نیکو گنجی که یاتا بطیرم
بو فکری باشم که آتا بطیرم
در هر چه چون گشته جاتا بطیرم
آیه طبعی ، آیه طبعی ، اما آیه طبعی
هر چه در در دل اولور یا آیه طبعی

افزونده و چونند
بطیرم من گنجی که یاتا بطیرم
و در هر چه و بطیرم یا آیه طبعی

آیه طبعی ، آیه طبعی ، اما آیه طبعی
هر چه در در دل اولور یا آیه طبعی

یاد آید گشته آلا گوزلر
گوزل اولور لار آلام
نیلیم کسیدیر منظر

آیه طبعی ، آیه طبعی ، اما آیه طبعی
هر چه در در دل اولور یا آیه طبعی

آیه طبعی در دین چکیرن بطیرم
یاد آید آیه طبعی گوزلر
دیو لار اینتظار خسته می شود

آیه طبعی ، آیه طبعی ، اما آیه طبعی
هر چه در در دل اولور یا آیه طبعی

آیه علی

می

نقش کن المیه آیه در سندان

سوزد بر بیهوشی گویا بیدار

حسرت نیز لایزال دایم بود

آیه علی، آیه علی، اما آیه علی
هر بر در دل اولاد یا آیه علی

ای لرد افرا تا ۲، آخام - ~~آیه علی~~ المیه

بویونم و گویا آیه، گویا مد

جور آیه آیه بیهوشی و بیدار
آیه علی، آیه علی، اما آیه علی

اولاد و بیدار، یا آیه بیدار

بیدار بیدار بیدار - بیدار

بویا و بیدار بیدار بیدار

آیه علی، آیه علی، اما آیه علی
هر بر در دل اولاد یا آیه علی

نقش کن المیه آیه در سندان

سوزد بر بیهوشی گویا بیدار

حسرت نیز لایزال دایم بود

آیه علی، آیه علی، اما آیه علی
هر بر در دل اولاد یا آیه علی

ای لرد افرا تا ۲، آخام - ~~آیه علی~~ المیه

بویونم و گویا آیه، گویا مد

جور آیه آیه بیهوشی و بیدار

آیه علی، آیه علی، اما آیه علی
هر بر در دل اولاد یا آیه علی

هر بر در دل اولاد یا آیه علی

قوتی: حبیب آباد (کلیک) (نور)
 بستر: عکس
 اثر: بداند زری
 ۱۴۴۱

سوالان

چکبیس بنیاد کاردا آبی اور
 انگیزه گداز چین - کل و کل
 رتبه درون آفرین برین بولاقل
 صف گور و سینه طلق قوناقل

نورین بوم و بوم، بولون و بولون
 آلا و لاری و درون و سینه و کل
 تاج و یار ایلیس و سینه و بولون
 قوت و سینه و بولون و بولون

هر ایل، یازدا، سینه ایل لری - اوایلار
 قوناقل، کل و کل، بولون و بولون
 کور و لاری، درون و لاری، بولون و بولون
 سوره و لاری، بولون و بولون

نورین بوم و بوم، بولون و بولون
 آلا و لاری و درون و سینه و کل
 تاج و یار ایلیس و سینه و بولون
 قوت و سینه و بولون و بولون

ادب و کل و کل، بولون و بولون
 جنت و کل و کل، بولون و بولون
 بولون و کل و کل، بولون و بولون
 بولون و کل و کل، بولون و بولون

نورین بوم و بوم، بولون و بولون
 آلا و لاری و درون و سینه و کل
 تاج و یار ایلیس و سینه و بولون
 قوت و سینه و بولون و بولون

توسعه: رحمت ابراهیم کو بیچ (فرما)

بیتہ مکہ ۱۰۰۰
اور توسیع: خانم وارثی
فرما - ۱۷۷۸

آج کل کے
آج کل کے، آج کل کے، آج کل کے،
ننگہ مکہ، گیتہ - حکومت الہیہ
کارا نیک، کو ننگہ مکہ، روکو لو
تو لاغیم، پتھر گلا، شوم نالہ سنیہ

آج کل کے، قوس کوکھ میں اویس
گوشتی دوشو، قنیر لہو ابویس

نہ سیک سیک
روما روکو، ہر طرفی گو روکو
نہ پیر اولو، نہ نہ پیر آس باراس
تشریقہ کوکو، باغیم کا اولو
ایستلا نی کوکو، گیتہ سنیہ کارا

آج کل کے، قوس کوکھ میں اویس
گوشتی دوشو، قنیر لہو ابویس

گیتہ اوزون، فندہ یالقینہ، یونوم یوخ

گیتہ قوس کوکھ میں اویس اولو

اور گیتہ تہ کی سنیہ کوکھ

فراقندہ، کوکھ میں گیتہ، سولہ و

آج کل کے، قوس کوکھ میں اویس
گوشتی دوشو، قنیر لہو ابویس

توسن: جیل الہی (نور)
 بستہ: علی
 ادنیٰ: وارث
 ۱۷۷ - ۱۷۷

.. آغلاما ..

آغلاما، آغلاما، گوزل مارا لیم
 آغلاما، گوزل مارا لیم
 آغلاما، گوزل مارا لیم
 آغلاما، گوزل مارا لیم

گل اولور گوزل مارا لیم
 رتہ گوزل مارا لیم
 سولہ مارا لیم

آغلاما، آغلاما، گوزل مارا لیم
 آغلاما، گوزل مارا لیم

اورلو باغیلا ریم ایلم ستریم
 گل دیلا دیلا مارا لیم
 سولہ مارا لیم
 آغلاما، آغلاما، گوزل مارا لیم
 آغلاما، گوزل مارا لیم

..

کارشناسی

اداره
شماره
تاریخ
پرونده



اداره حسابداری

با ارسال دهرک صورتجلسه مورخ ۴۰/۹/۱۱ شورای نخبندگان و ترانه‌های شنبه
آن بنام (پسر و پسر - آنا پسر و پسر) که آقای ابراهیم فرهادی و ماه آذر / ۴۰ سرود مانت
و از راد پویران اجرا شده موافقت می‌شود مبلغ یک هزار و شصت و ۱۰۰۰ لری ترانه های
مذکور را با استناد ماده ۱۷ از تصویب نامه شماره ۹۲۶۸ مورخ ۲۷/۶/۳۰ هیئت وزیران
طبق مقررات از محل اعتبارات ده یک بودجه مقرر پرداخت نماید - ۵

اداره کل انتشارات و رادیو

۲۹۹۱۴

ارسال می‌گردد -

اداره کل انتشارات و رادیو

۱۳۰۰/۱۰/۱۵

کارگزار



اداره کل انتشارات و رادیو

اداره حسابداری

با ارسال یک برگ صورت جلسه مورخ ۱۸/۱۱/۶۰ شورای نویسندگان و شران محلی ضمیمه آن
بنام (پولاق باشتینا) که آقای فرهاد ابراهیمی در بهمن ماه ۶۰/۱۰ سرده ماند برای رادیو ایران ضمیمه
شد. موافقت میشود مبلغ شصت و ۶۰۰/۰۰۰ ریال از سرانه مذکور با استناد ماده ۱۷ از تصویبات
شماره ۹۲۱۸ مورخ ۲۷/۶/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبار ماده ۱۰۰۰ بودجه سال ۶۰
پرداخت نماید.

اداره کل انتشارات و رادیو

۳۴۹۵۴

۲۸۸۴

ارسال میگردد -

اداره کل انتشارات و رادیو

کارگشایی

اداره
شماره
تاریخ
پوست



اداره کل انتشارات واد بو

اداره حسابداری

به پیشنهاد شماره ۴۱۴۱ مورخ ۴۲/۲/۲۲ راد بوابان ویا ارسال سه برگ صورتجلسات
مورخ ۴۲/۳/۲۵ شورای نویسندگان و نشریه های خمیه آن بنام تازه حیات - مخاطره -
در خنجر بزرگ که آثار فرهاد ابراهیمی در ماه خرداد ۴۲ - در دست ماند و برای راد بوابان ضبط
شد و موافقت میشود مبلغ ۷ هزار و ۵۰۰ ریال ارزش نشریه های مذکور با استناد ماده ۳۲
از ضوابط شماره ۳۶۸ مورخ ۳۷/۴/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبارات ۳۳۰
بود چه منوطاً بر دریافت تائید .

اداره کل انتشارات واد بو

۱۱۲۰۸ / ۵۵۵۶

ارسال میگردد .

اداره کل انتشارات واد بو



اداره کل انتشارات و رادیو

داره
نماره
تاریخ
پوست

اداره حسابداری

به پیشنهاد شماره ۱۰۳۷۵ مورخ ۴۱/۱۲/۲۵ رادیوایران چهارم ارسال به ... سرک
مورخ جلسه مورخ ۴۱/۱۲/۱۱ شورای عالی مستندان و ترائه ضمیمه آن بنام جهجهی بازگه آقای
فرهاد ابراهیمی درماه اسفند سروده اند و برای رادیوایران ضبط شده موافقت میشود مبلغ
هشتصد / ۸۰۰ ریال ارزش ترائه مذکور را باستناد ماده ۱۷ از تصویب نامه شماره ۹۳۶۸ مورخ
۲۷/۴/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبار چک شماره ۲۷۱۶۵۵ نخست وزیر
مقطوعاً پرداخت نمایند .

اداره کل انتشارات و رادیو

ارسال میگردد .

اداره کل انتشارات و رادیو

۳۵۷۳ / ۱۰۰۷۵
رویش به ۳۹
۴۱/۱۲/۲۵
مس

کار گزینی

اداره
شماره
تاریخ
پیوسته
.....



اداره حسابداری

به پیشنهاد شماره ۳۸۵۶ مورخ ۱/۶/۴۱ راجع به واریان و ارسال یک برگ صورتجلسه مورخ ۴۱/۶/۶
شورای نویسندگان و ترانه ضمیمه آن بنام "گروم بسولد اویر" که آقای فرهاد ابراهیمی در ماه مرداد
۴۱/ سرود مانند واز راجع به واریان اجرا شده موافقت میشود مبلغ هفتصد / ۷۰۰ ریال ایزش ترانه مذکور
را با استناد ماده ۱۷ از تصویبنامه شماره ۹۳۶۸ مورخ ۳۰/۴/۳۷ هیئت وزیران طبق مقررات از محل
اعتبارنامه به یک بودجه مقطوعا پرداخت نمائید . د

اداره کل انتشارات و راه‌پو

۱۵۹۴۵ م ۵۵۴۲

ارسال میگردد .

رونوشت به
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

اداره کل انتشارات و راه‌پو

اداره
شماره
تاریخ
مهر



اداره کل انتشارات و روابط

اداره حسابداری

به پیشنهاد شماره ۶۵۸۰ مورخ ۲۲/۶/۵۴ رادیو ایران با ارسال دو برگه صورتجلسه مورخ ۲۲/۵/۵۴ شورای نویسندگان و ترانه‌های خیمه آن بنام "ساوالان و انتشار" که آقای فرهاد ابراهیمی در ماه مرداد ۱۳۵۴ سرودهاست و برای برنامه‌های موسیقی رادیو ایران ضبط شده موافقت میشود مبلغ یکمیلیون و پانصد / ۱۵۰۰۰ ریال ارزش ترانه‌های مذکور را با استناد ماده ۱۷ از تصویبنامه شماره ۲۳۶۸ مورخ ۲۷/۴/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبارات ماده ۳۳ بودجه مقرر و پرداخت نمائید. م.

اداره کل انتشارات و روابط

۱۸۶۲۸ - ۵۸۰۴

رویشک ۱۳۵۴ / ۱۳۵۴ / ۱۳۵۴ ارسال میگردد.

اداره کل انتشارات و روابط



اداره کل انتشارات وادپو

.....
.....
.....
.....

اداره حسابداری

بمبشهاد شماره ۸۶۹۲ مورخ ۱۱/۱۱/۳۰ رادپو ایران ها ارسال بکمرک سریتجلسه
مورخ ۱۰/۱۰/۲۵ شورای تصدگان و ترانسمیمانم " طوی گوی " کماغای فرهاد
ابراهیمی درماه ۴/۱/۳۰ سرودماند وازرادپو ایران اجراشد صوافقت میشود مبلغ هشتصد /
۸۰۰ ریال ازترشراشمذ کهر بااستناد ماده ۱۷ ازتصهیتهامشماره ۹۲۶۸ مورخ ۴/۴/۱۳۳۷
هیئت وزیران طبق مقررات ازبعضی اعتبارماد بیک بودجه مقلوطا برداخت نمائید -۱

اداره کل انتشارات وادپو

۳۰۱۱۰ / ۶۶۰

ارسال میشود -

رونوشت بکالموجه را امراهی

اداره کل انتشارات وادپو

کارگنجی

اداره
شماره
تاریخ
پیوسته
.....



اداره حسابداری

بسمه پیشهاد شماره ۱۹۹۰ مورخ ۴۱/۳/۲۱ راجع به تایید و ارسال یک برگ صورت جلسه
مورخ ۴۱/۳/۲۰ شورای تصمیم دگان و ترائه ترکی ضمیمه بنام اولین چینی که آقای فرهنگ
ابراهیمی در ماه خرداد ۴۱/۳/۲۰ سرود مانند و از یاد بویران اجرا شده موافقت میشود مبلغ هفتصد
۲۷۰/۰ ریال از خزانه مذکور بابت استفاده ماده ۱۷ از تصویب نامه شماره ۹۳۶۸ مورخ ۳۷/۴/۳۰
دبست و بویران طبق مقررات از محل اعتبار داده ها بودجه مخطوطات پرداخت نمائید ۳۰

اداره کل انتشارات و رادیو

۱۱۴۱۴-۳۰۶۷

ارسال میگردد

اداره کل انتشارات و رادیو

کارگشایی

اداره
شماره
تاریخ
پیوسته
.....



اداره حسابداری

به پیشنهاد شماره ۲۰۸۷ مورخ ۴۱/۳/۲۷ رای دیوان به ارسال در هر یک صورتجلسات
مورخ ۴۱/۳/۸ شورای نویسندگان و ترانه ضمیمه آن به نام (کند بهیز - آی قهیز) که آقای
فرهاد ابراهیمی در ماه خرداد ۴۱ / سرود ماند و از رای دیوان اجرا شده موافقت به مشور
مبلغ یک هزار ریخت / ۱۲۰۰ ریال ارزش ترانه مذکور را با مستاد ماده ۱۷ از تصویب نامه شماره ۳۱۸
مورخ ۳۷/۴/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبار ماده یک بودجه مقطوعاً پرداخت
نمائید. ۵۰

اداره کل انتشارات و رادیو

۱۱۴۵۰ / ۲۰۸۷

ارسال میگردد.

اداره کل انتشارات و رادیو



اداره کل انتشارات و رایج

اداره
شماره
تاریخ
پوست

اداره حسابداری

با ارسال بکسرک مهر جلسه مورخ ۱۳/۱/۴۱ شورای نویسندگان نشریات ضمیمه
آن بنام (پانزگهنگر) که آقای فرهنگداری در ماه فروردین ۱۳۴۱ سرود مانند و از
رأی و ابرام اجرا شده موافقت میشود. مبلغ ۱۰۰۰ ریال ارزش تیرانه مذکور را
بمستند ماده ۱۷ از ضمیمه شماره ۲۶۸ مورخ ۲۷/۴/۴۰ هیئت وزیران به استی
مقررات از محل اعتبارات ملی بودجه منظور اخذ نمائید -

اداره کل انتشارات و رایج

۱۰۷۲ / ۱۹۵

ارسال میشود

اداره کل انتشارات و رایج

روزنامه ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۴۱



اداره
شماره
تاریخ
پیوست

اداره حسابداری

با ارسال یک برگه مجلعه مورخ ۱۳۶۱/۱/۴۰ شورای نخبندگان و ترانه ضمیمه آن
بنام (آیهل سحر) که نای ابراهیم قزها در ماه مرداد / ۴۰ سرود ماند و از یاد به سو
ایران اجرا شده موافقت شود مبلغ پانصد ریال از ترانه مذکور با استناد ماده ۱۷ از
تصویب نامه شماره ۹۳۶۸ مت ۳۷/۴/۳۰ هیئت وزیران طبق مقررات از محل اعتبار ماده
پا بودجه مقرر و پرداخت گردد * - ا

اداره کل انتشارات ویراد یو

۲۴۷۰۴ / ۷۰۵۲

ارسال میشود *

روز شنبه ۹/۲۳
مهرماه ۱۳۶۱

اداره کل انتشارات ویراد یو

۲۴۷۰۴ / ۷۰۵۲



اداره کلی انتشارات وادیو

اداره حسابداری

بمقتضای شماره ۱۵۷ مورخ ۴۲/۲/۵۰ وادیه ایران و ارسال یک برگ سرور جلسه
مورخ ۴۲/۲/۱۱ شورای نوبتندگان و ترائه ضمیمه آن بنام "کتابخانه فرداد -
ایراهمی در معارف و بهشت ۴۲/ سود ماند و از وادیه ایران اجرا شد و موافقت میشود مبلغ
هفتصد / ۷۰۰ ریال از زیر ترائه مذکور با استناد ماده ۱۷ از تصویب نامه شماره ۹۳۶۸ مورخ
۲۷/۶/۱۰ هیئت وزیران جهت پرداخت از محل اعتبار ماده ۲۲ بودجه منقوله پرداخت نمایند *

از طرف وزیر مشاور و سرپرست انتشارات وادیو

۷۷۴۰ / ۲۰۹۷

ارسال میشود *

روشنه

از طرف وزیر مشاور و سرپرست انتشارات وادیو



اداره کل انتشارات و رادیو

یادداشت

تاریخ ۱۳۴۰

ناظر محترم ابراهیمی

خواهشمند است در اولین فرصت نشانی
دقیق محل سکونت فعلی خودتان را بدین
رادیو ایران تسلیم فرمایید

از طرف اداره کل انتشارات و رادیو ایران

ابراهیمی
۲۹/۱۱

الف-نورائلی (فرمان)، رجب ابراهیمی (فرهاد)، محمود دست پیش (واله) وسیله سینن نشر
اولونان آذربایجان دیلینده ادبی یارپاقلار عنوانی له نشریه



تهراندا که آذربایجان بایچی و شاعیرلری جمعیتمین نین ارگانی عنوانیله گونش مجموعه سی الف-نورانی (فرمان)، رجب ابراهیمی (فرهاد)، محمود دست پیش (واله) و سایر یازیچیلار همکارلیقیله نشر اولونوردو.



اٺل ٻيلو ڏسجي ، اٺل او ڏسڻ سام
يا ڏيڻا ڏيو ، ڇهن ڏيو ، ڇول او ڇڻ سام
ڇڻيڻا ڏسجي ، ڇول او ڇڻ سام
ڇڻ ٿيڻ او ڇڻ سام



ر.ا. فرهاد

نوروز گلی

فشی کورون چاسپه دیو - اریمدی قاز
 دورودن چول اول فر - ساسپ دیوان
 سرده دیو ایشوم کاشم دیو ایشوم
 تنگ تنگ بوخودن ادورور - دیورور
 باغاق قورما کرب - کوراب ادورور
 بولوبو ایشوم - چاسپه
 طشیس ایشوم دیو ایشوم
 کور کاشم باغاق - چور بول - ایشوم
 کورور سوس - سوس ایشوم
 بولابو بوخودن سوس - کور کاشم
 چولوبو فرما ساسپ دیو ایشوم
 هر ساسپ ایشوم ایشوم
 ایشوم اول اول - ایشوم
 ساسپ - اول ایشوم کور کاشم ایشوم
 حال سوس - سوس دیو ایشوم
 اول اول سوس کور کاشم
 کور کاشم - ساسپ ایشوم
 ایشوم کاشم سوس ایشوم
 سوس - ایشوم کور کاشم
 ایشوم کاشم سوس ایشوم

ואת



5. ایلدن سونرا "آبریلیق"
شاعریندن تبریزده تحلیل
اولوندو
آبریلیق، آبریلیق، آمان آبریلیق



This image shows a page from the 'Dustur-i-Muhammad' manuscript, dated 1826. The page is filled with handwritten Urdu text. On the left side, there are several staves of musical notation. A small illustration of a person is visible on the left margin. A ruler is placed at the bottom of the page for scale.

گذری گوناوا بر زندگی هنری
استاد سلیمی

[illegible]

(Signature)

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

بوردومون ماهی لاری

[illegible]

پایا



خاطیره

ایرملیق، قیامان ایرملیق

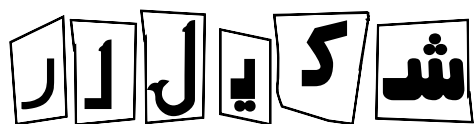
[illegible]

تبریزین
خاطیره
گنجه لری
خاطیره لی
اولدو

[illegible]

آیہہ یٰٰلَیْقَ آیہہ یٰٰلَیْقَ آیہہ یٰٰلَیْقَ

[illegible]



ŞƏKİLLƏR



❖ فرهاد- گنج چاغی/تهران ۱۳۴۱



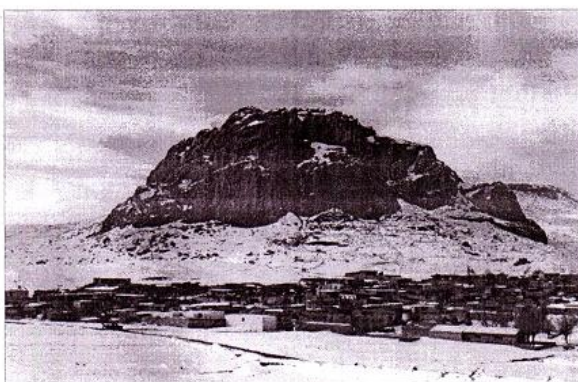
❖ فرهاد بیر نتیجه کورایاز: اهالی سی نن بوزقوش دا اولان یایلاقچین «اوزون چمن» یوردوندا

اردیبل ۱۳۴۶



❖ **فرهاد** بیر نجه کورایار اهالی سین بوزقوش دا اولان بایلاقینین «وزون چمن» یوردوندا

اردیبل ۱۳۴۶



❖ کورابازلی کندی بونوبوغون قلعه سی نین ائگینه/اردیبل ۱۳۵۶



❖ فرهاد، رشید بیهوداف، چنگیز (پیانو نوازنده سی)، اسکندر آذری (اکاردیون چالان) گوروشونده /

تهران



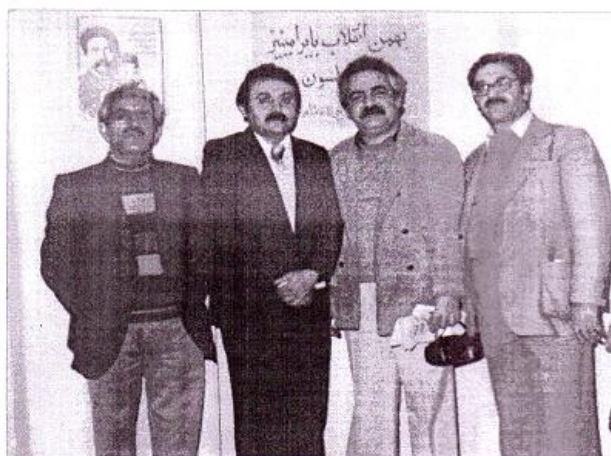
❖ فرهاد، استاد علی سلیمی اردبیلی لن / تبریز ۱۳۷۰



❖ فرهاد ، استاد علی سلیمی و اونون حیات یولداشی فاطمه قنادی(وارتوش)لا



❖ فرهاد استاد علی سلیمی لن



❖ فرهاد، الف - نوراللهی (فرمان)، محمود دست پیش (واله) و غلام شهماری تهران داکای آذربایجان
شاعیرلر و یازیچیلار جمعیتین دفترینده



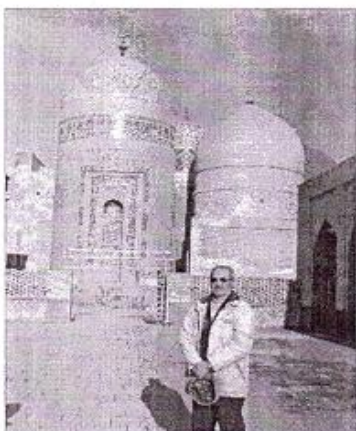
❖ فرهاد، استاد علی سلیمی و بیر نتیجه آذربایجان هنرمندلری



❖ فرهاد، استاد علی سلیمی، فاطمه قنادی (وارتوش) و بیر نتیجه آذربایجان هنرمندلری



❖ فرهاد، استاد علی سلیمی و بیر نتیجه آذربایجان هنرمندلری



❖ فرهاد شیخ صفی الدین بقعه سینده / اردیبل ۱۳۸۶

❖ فرهاد ، شیخ حیدر مقبره سینده / اردیبل کهرلان کنده ۱۳۷۵



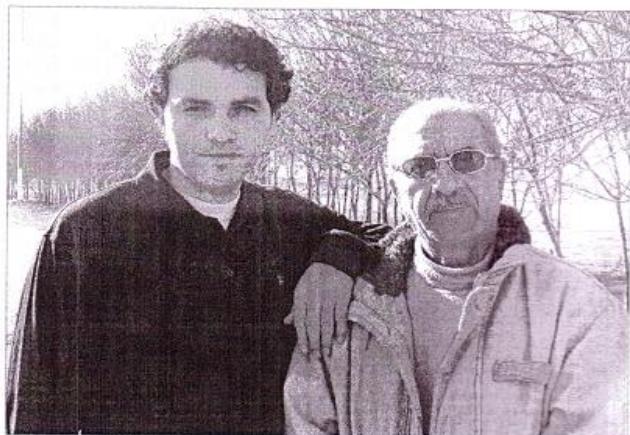
❖ فرهاد ، یم ین ارک قلعه سینده / ۱۳۶۲



❖ فرهاد و حیات پولداشی، عزیزمحسنی لن / اردیبهیل ۱۳۸۴



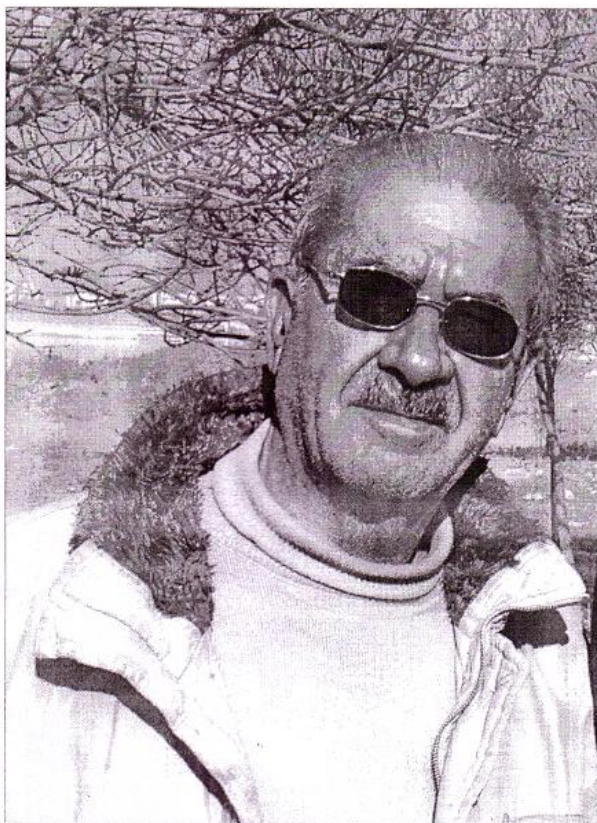
❖ فرهاد / اردیبهیل ۱۳۸۶



❖ فرهاد، یعقوب بهادر، مولف و صباح درگسینین مدیر ایله / اردیبل ۱۳۸۶



❖ فرهاد چاپ و نشر صباح دفترینده / اردیبل ۱۳۸۶



❖ اردبیل / پاییز ۱۳۸۶

AYRILIQ

RƏCƏB İBRAHİMİ KORABAZLI (FƏRHAD)

Sevgilim

Mən hələ

Dayanıb döngədə yol gözləyirəm

Gözümü zilləyərək, o uzaqlarda

O uzaqlarda səni izləyirəm

Inamım var buna mən...

Bilirəm bir gün mən...

Bir pəri tək bürünüb Ağ ipəyə

Bir qucaq lalə ilə,gələcəksən görüşə

Mən o gün olmasam burda əyər,

Görmə sən məndən əsər, Görmə sən məndən əsər,

Qəbrim üstündə ək o lalələri,

Qoy közərsin əbədi sevgi- həyat atəşi tək,

Ta ki sevdalı könüllərdə ümid şövlə çəkə.



PİNAR Yayınevi

AYRILIQ

ŞEİR Və Mahni TOPLUSU
FƏRHAD İBRAHİMİ KORABAZLI

Sahmanlayani: yəqub BAHADIR

Hazırlayan: Səid MUĞANLI

Naşir : PİNAR Yayınevi

Yayımlayan: Yaşmaq dərgisi

Cild tərhı: Məhyar Əlizadə.Ayxan

Səhifə düzənliyi: Yaşmaq

Biçimi : Vəzirı

Birinci çap. TEHRAN. 2010

Qiymət: 4000 tımən

www.YASHMAQ.blogfa.com

yashmaq_edebidergi@yahoo.com

said_yashmaq@yahoo.com

ayxan_yashmaq@yahoo.com

